





کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
شمارهٔ ثبت کتاب ۹۱۲۶۹
کتاب ترجمه مفتاح الفلاح
مؤلف علامه(؟) ...
مترجم کاتب محمد مهدی(؟)
شمارهٔ قفسه ۱۵۷۴۳
۱۲۶۵۸

کتاب آداب عباسی
الذی ترجمه وشرح مفتاح الفلاح
از مولانا اکمل العلماء معاصر جناب
شیخ بهائی اعلی الله مقامه
و این ترجمه منقول است بر ترجمه
آقا جمال خونساری
کتاب نفیس و عزیز الوجود است

ز لعلت شکرستان جمع گوهر
ز رویت باغ و بستان گشته [illegible]
ز زلفت [illegible] شد قدر
ز رخت [illegible]
[illegible]



مولودی
تاریخ تولد خسرو [illegible] روز [illegible] ۱۲۷
روز شنبه پانزدهم شهر [illegible]
خدا [illegible]
تاریخ مولودی

تاریخ محمد ولد الله عباد
روز ۸ شهر شوال سنه ۱۲۸۷
خدا به بخشد به محمد مصطفی
[illegible]
[illegible]

تاریخ ابو القاسم ولد الله عباد حسینی
روز جمعه ۱۰ شهر ربیع الاول سنه ۱۲۹۰

اظهار مضمر   قصد

وشا رضع تاج ارهام ابن عمر ثعبر جمهر حجم هرجت نعت حفظ حق حبد

طمع ورهضت دحرش لو نحل نطم الدم ورق حاطرش البرستا نید

۳۴ نصر بات ۲ نور ارز بر کلاغ کش

۰۱۲۳

صح ت مى ع ف ج د ب مح ط ش دع د ل ذ

س اق ى ك و ث ر

صحت ضعف جر خط شد

غزل نظم سبق کوز

ح

الع

من ار شر حم لعلم اقر مطلق شمسم قمر ۲ شر بک رهبره شفق

هر لو هر از ر لولا لا فر گویند تحت فوق ح بکر حق

۳۴

ب س م ال ح ر ن ی ق و د ک ش ف

[illegible]

١٥٧٢٥

ترجمهٔ مفتاح الفلاح

بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِیم

تقدیس و تسبیح پادشاه قادریرا که خلص عبادش

بمفتاح فلاح قَد اَفلَحَ المُؤمِنُونَ الَّذِینَ هُم

فِی صَلٰوتِهِم خَاشِعُونَ اقفال خزاین عبودیت

و بندگی کشایند و مقربان قدس عبودیتش شاهد

اعمال را بحلی و حلل یَذکُرُونَ اللهَ قِیَامًا وَقُعُودًا

وَعَلٰی جُنُوبِهِم وَیَتَفَکَّرُونَ فِی خَلقِ السَّمٰوٰاتِ

وَالاَرضِ ارایند و باریافتگان قدس قدوسش از ساغر

ویطوف

وَیَطُوفُ عَلَیهِم وِلدَانٌ مُخَلَّدُونَ بِاَکوَابٍ

وَاَبَارِیقَ وَکَاسٍ مِن مَعِینٍ رحیق مختوم

وَسَقَاهُم رَبُّهُم شَرَابًا طَهُورًا اشامند و خدمه

و حملهٔ عرش تقدیسش برساید فَاِذَا فَرَغتَ فَانصَب

وَاِلٰی رَبِّکَ فَارغَب ارامند تقدست عزته و

عزت قدرته و صلوة مقدسات و تحیات مطهرات

بر اقدس مقدسین و مهللین و اشرف ممجدین

و مسبحین شارب رحیق وَاَنهَارٌ مِن خَمرٍ لَذَّةٍ

لِلشَّارِبِینَ تاجدار ملک فَدَنٰی فَتَدَلّٰی فَکَانَ

قَابَ قَوسَینِ اَو اَدنٰی شهسوار میدان وَ

لَسَوفَ یُعطِیکَ رَبُّکَ فَتَرضٰی محرم بارگاه

وَلَا یَشفَعُونَ اِلَّا لِمَنِ ارتَضٰی صاحب سریر

يا ايها المدثر قم فانذر وربك فكبر وثيابك
فطهر وبر آل اطهار واولاد مطهرين اخيار كه شاهنشهان
ملك انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس
اهل البيت ويطهركم تطهيرا صلوات و
تسليمات دائمه بدوام عزت و ربوبيت و قدس الوهيت
تعزز و تقدس تعالى اما بعد چنين گويد اين ذره خاكسار
بصدرا شده شهره در روزگار ز اطوار نفس از خدا شرمسار
نظر بست بر رحمت كردگار كه در وقت اقبال شاه جهان
جهان گير شاهی ده شه نشان سر پادشاهان روی زمين
ابو النصر عباس نصرت قرين ازو رونق دين پاك نبی
باو تازه آثار آل علی جبين شهان را درش سجده گاه
مؤيد بتأييد لطف اله بخاك درش نقش روی شهان

چو بر روی زر نقش روی بتان ببند بر ورای و
باقبال و بخت گرفته جهان را نشسته بتخت نكرده
بكس مشورت جز خدا همين از خدا جسته راه هدی
خدا نصرتش داده در كارزار مدد كار او احمد هشت و چار
خدا بر گزيدش بفتح و ظفر بتيغش بر انداخت بنياد شر
نصيحت بگيش باد خوش خاطرش خدا ياور و حافظ و ناصرش
فلك بر مرادش دلش شادمان بزير نگينش تمام جهان ه
سخندان دين مقتدای زمان بهاء محمد سر عالمان
كتابی در آداب طاعت نوشت در اوراد هر وقت طاعت
نوشت بلفظ عرب بود از ابيان نبد فرس را
نفع بسيار از ان برای غلامان خاقان دين بفارسيش
بيان كرد اين كمترين چو بر نام شاه جهان شد تمام

شد ادا بعبادتش نیز نام :: امید آنکه مقبول یزدان شود ::
نوابش ز شاه جهان بان شود :: ببخشد خدا عمر سلمان باد ::
بود شمع ایمان فروزان باو :: برونق از و باد شرع نبی ::
وز و شاد عبد رش علی ولی :: واین رساله مشتمل است
باب اول در بیان انچه از طلوع صبح صادق تا طلوع
افتاب بجای باید آورد **باب دوم** در بیان انچه از طلوع
افتاب تا وقت ظهر باید آورد **باب سیم** در بیان انچه
از وقت ظهر تا فرو رفتن افتاب بجای باید آورد **باب چهارم**
در بیان انچه از فرو رفتن تا وقت خواب بجای باید آورد
باب پنجم انچه از وقت خوابیدن تا نصف شب بجای باید آورد
باب ششم در بیان انچه از نصف شب تا طلوع صبح بجای باید آورد
باب اول در بیان انچه از طلوع صبح صادق تا طلوع

افتاب بجای باید آورد و در آن مقدمه ایست و چند فصل
مقدمه بدانکه از اصحاب عصمت سلام الله علیهم
حدیث بسیار در فضیلت این وقت نقل شده و
این ساعات را وقت غفلت می نامند چنانچه از فرو رفتن
افتاب تا برطرف شدن شفق را هم ساعت غفلت میگویند
سنت که ادمی در اینوقت بیدار باشد زیراکه خواب
در اینوقت شومست محمد ابن بابویه قمی در کتاب من لا
یحضره الفقیه روایت کرده که حضرت امام محمد باقر علیه السلام
فرموده خواب صباح شومست روزی امی رماند و رنگ
در و را زرد میکند و متغیر می سازد و آن خواب نیز شومست
بتحقیق که خدا تعالی قسمت میکند روزیهای بنی آدم را
در وقتی که میان طلوع فجرست تا طلوع افتاب پس حذر

وارد است در ... الباب الرابع ... فی تسمیتها بین الساعتین ... ساعة الغفلة

رئیس المحدثین

کنند و بپرهیزید ازاین خواب و هم در کتاب مذکور
روایت کرده که حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلم
در تفسیر آیه فالمقسمات امرا فرموده که مراد فرشتگانند
که قسمت میکنند روزیهای بنی آدم را میان طلوع صبح
تا طلوع افتاب پس کسی که خواب کند در این وقت
خابیده است از روزی خود و در حدیث است که
نماز صبح نوشته میشود در عملهای روز و در عملهای
شب و دو رنگ روایت کرده کلینی در کتاب کافی که حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر ایه ان قرآن
الفجر کان مشهودا فرموده که مراد بقرآن الفجر نماز
صبحست می بینند از فرشتگان شب و فرشتگان روز
پس هرگاه بگذارد بنده نماز صبح را در وقت طلوع فجر نوشته

می شود برای او دو بار می نویسند از فرشتگان شب
و فرشتگان روز فصل بدانکه روز پیش علمای اثنی
عشریه قدس الله ارواحهم از طلوع صبح صادقست
تا فرو رفتن قرص افتاب و از طلوع صبح صادق
تا طلوع افتاب داخل روزست و بعضی از علما روایت
کرده اند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که سؤال
کرد کسی از نصاری از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
از ساعتی که نه از ساعتهای شبست و نه از ساعتهای روز
پس آنحضرت فرمود که ساعت میان طلوع فجر است
تا طلوع افتاب و این جواب بنا بر مذهب نصاری است
نه بر مذهب اثنی عشریه زیرا که در روایت هست که
آن مسایل از کشیشان و علمای نصاری بود و از حضرت

و فی حدیث العامة انّ صلوة الصبح مشهودة محضورة فانه یحضرها ملائکة اللیل و النهار ای بعضها
سرّه محمد الله

امام محمد باقر ع

مسئلهٔ چند پرسید که در مذهب ایشان بود و مطلع
بر آن مسایل نبود مگر بزرگان علمای نصاری و این
مسئله هم از آن مسایل بود فصل بدانکه نماز صبح داخل
نماز روز است باجماع علمای ما و سلیمان اعمش آن را داخل
نماز شب دانسته بدلیل آنکه پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمود که صلوة النهار عجماء یعنی نماز روز آهسته است
و جوابش آنست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
نماز صبح را در این حکم داخل نماز روز نکرده اند روایت شده که
آنحضرت نماز صبح را در تاریکی بجای می آوردند چنانکه چون از
نماز فارغ می شدند زنان بخانهای خود میرفتند و کسی
ایشان را نمی شناخت بواسطهٔ تاریکی روایت
کرده ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه که یحیی ابن

وشاید که حضرت علیه السلم
او را جواب داده بطریقی که
موافق مذهب و اعتقاد ایشان
بوده و این منافاتی ندارد با آنچه مذهب
ماست که روز از ابتدای طلوع فجر است
تا غروب آفتاب

اکثم سئوال کرد از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
که چرا در نماز صبح قرائت بلند میکنند با آنکه از نماز روز است
پس آن حضرت فرمود که چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
نماز صبح را در تاریکی بجا می آورد پس مقارن ساخت
آن را به نماز شب واما الخبر ابن بابویه قدس سره روایت
کرده که حضرت امام محمد باقر علیه السلم فرموده که حضرت پیغمبر ص
در روز نماز نمیکرد تا زوال آفتاب یعنی تا وقت ظهر پس
غرض رد است بر سنیان که نماز چاشت را سنت میدانند
و حضرت پیغمبر ص منع کرده اند و سنت داشتن او بدعت است
تبصرة در تحقیق فجر اول که صبح کاذب است و فجر دوم
که صبح صادق است و اول وقت نماز صبح است واما اینجا
ذکر کنیم حاصل آن را که حضرت شیخ جمال الدین مطهر حلی قدس الله

نهایات الظل بل لک الهواء المضیء
بنفسه ضوء الهواء ضعیف اذا هو
مستعار فلا ینفذ کثیرا فی اجزاء
المخروط بل کلما ازداد بعدا
ازداد ضعفا الی ان
یکون فی وسط المخروط
یکون فی اشد الظلام
فاذا غربت الشمس من الارض
الیها ما المخروط الظل
عن سمت الاسل و قربت
المستضیئة فی حواشی الظل
بضیاء الهواء من البصر و
فیه ادنی قوة فندرکه
عند قرب الصباح و علی
هذا کلما ازداد الشمس قربا
من البصر الی ان تطلع الشمس
واول ما یظهر الضوء عند
قرب الصباح یظهر مستدقا
مستطیلا کالعمود ویسمی الصبح
الکاذب ویشبه بذنب السرحان
لدقته واستطالته ویسمی الاول
السفر علی الثانی الکاذب
من شرح کتاب الشیخ علیه الرحمه

در کتاب منتهی المطلب فرموده که روشنی روز از آفتاب است
و هر چه روشن شود بشعاع افتاب او را در جانب دیگر سایه
می افتد و خدای تعالی مقدار نور ساخته گردیدن افتاب را
برگرد زمین سایهٔ زمین بشکل مخروط باشد و از امخروط
ظل گویند و بیرون مخروط ظل روشنست بشعاع افتاب
و این روشنی ظل هم پاره روشنست بسبب نزدیکی شعاع
افتاب و این روشنی بمیان مخروط نمیرسد بلکه هر چند
بمیان مخروط نزدیکتر میشود این روشنی کمتر میشود و نهایت
تاریکی در میان مخروط ظل باشد پس چون افتاب بمغرب
رسد سر مخروط ظل در مشرق باشد و هر چند افتاب
پایین تر رود سر مخروط ظل بالاتر آید و چون افتاب بزیر
قدم رسد مخروط ظل بالای سر آید و چون از انجا افتاب

افتاب بجانب مشرق رود سر مخروط ظل از بالای سر
بجانب مغرب میل کند و چون افتاب در آخر شب
بمشرق نزدیک شود انچه از مخروط ظل روشنست در بالای
مشرق نمایان شود باریک و دراز چون ستون از ان صبح
کاذب و فجر اول گویند اما در اینوقت مشرق تاریک باشد
و چون افتاب اندکی دیگر در زیر افق بمشرق نزدیک شود
آن روشنی بیشتر شود و مشرق روشن شود و روشنی در مشرق
پهن گردد و این صبح صادقست و اول وقت نماز صبح
اینست و از این شکل تصور انچه گفتیم آسان شود
فصل بدانکه متعلق نیست بصبح کاذب مگر اندکی از عبادات
مثل داخل شدن وقت و فضیلت نماز وتر زیرا که افضل
اوقات وتر از طلوع صبح کاذبست تا طلوع صبح صادق

روایت کرده شیخ طوسی قدس سره در کتاب تهذیب
بسند صحیح که اسمعیل ابن سعد الاشعری گفت پرسیدم
از حضرت امام رضا علیه السلام از افضل ساعات وتر
پس آنحضرت فرمود که دوسترین ساعتهای وتر نزد
من فجر اولست ودر حدیث است که شخصی در اول شب
پرسید از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از وقت وتر
آنحضرت جواب نگفت تا وقتی که صبح کاذب وصبح
صادق شد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بیرون آمد
بمسجد وسه بار ندا کرد که کجاست آنکه سؤال کرد از وقت
وتر بگو ساعتیست نماز وتر را این ساعت بعد از آن بجا
آنحضرت نماز وتر را بجای آورد وسنتست که چون صبح صادق
طلوع کند این دعا بخواند یا فالق من حیث لا ادری

ویخرجه

ویخرجه من حیث اری صل علی محمد وآله
واجعل اول یومنا هذا صلاحا واوسطه
فلاحا واخره نجاحا روایت کرده ابن بابویه قدس
سره در کتاب فقیه بسند صحیح که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
هرگاه صباح وشام کردی دم هر یک ده بار بگو اللهم
انی اشهدک انه ما اصبح بی من نعمة و
عافیة فی دین او دنیا فمنک وحدک لا شریک
لک لک الحمد ولک الشکر بها علی حتی
ترضی وبعد الرضی پس باین سبب بود نام ان
عبد شکور شد روایت کرده کلینی در کتاب کافی بسند حسن
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که چون صبح میشد
حضرت امیر المؤمنین ع میگفت سبحان الملک القدوس

صلاح وصلوح نیک شدن ونیکوکار شدن نجح ونجاح رستگاری یافتن وفیروزی یافتن کنی

وبکویکی

سه بار اللهم انی اعوذ بک من زوال
نعمتک ومن تحویل عافیتک ومن فجاءة
نقمتک ومن درک الشقاء ومن شر ما سبق
فی اللیل والنهار اللهم انی اسئلک بعزة
ملکک وبشدة قوتک وبعظم سلطانک
وبقدرتک علی خلقک ان تصلی علی محمد
وآل محمد وان تفعل بی کذا وکذا وبعدی
کذا وکذا مطلب خود ذکر کند روایت کرده کلینی در
کتاب کافی بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلم
که حضرت پیغمبر ص گذشت بر شخصی که درخت می نشاند
در زمین محوطه خودش پس پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
ایستاد و گفت آیا دلالت کنم ترا بر نشاندن درختی

واز آنچه گفته میشود
از وقت طلوع صبح

سرمد

که اصل آن ثابت تر و رسیدن میوه آن زودتر و میوه
آن بهتر و باقی تر است آن شخص گفت بلی پس مرا دلالت
کن یا رسول الله پس آنحضرت فرمود که چون صباح[2] و شام [2] صبح ل
کنی بگو سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر پس بدرستی که از برای است بهر تسبیحی ده درخت
در بهشت از انواع میوه ها واین تسبیحات باقیات صالحات
پس امام محمد باقر علیه السلام فرمود که آن شخص گفت بدرستی
که ترا گواه میگیرم یا رسول الله که این محوطه من صدقه است
مقبوضه بر فقرای مسلمین که مستحق[2] صدقه باشند پس نازل [2] اهل ل
ساخت خدا تعالی آیه چند از قران مجید ه
فاما من اعطی واتقی وصدق بالحسنی فسنیسره
للیسری یعنی اما آن کسی که عطا کند و بپرهیزد و تصدیق

کند به نیکویی پس زود باشد که ما میسر سازیم او را برای آسانی
روایت کرده سید جلیل جمال العارفین رضی الدین علی بن
طاوس قدس الله روحه که حضرت امام محمد باقر علیه السلم
فرمود که کسی که صباح کند و در دست راست باشد انگشتری
که نگین او عقیق باشد و پیش از آنکه کسی را ببیند نگین او را بگرداند
بشکم دست و انا انزلناه بخواند تا آخر و بعد از آن بخواند
آمَنْتُ بِاللهِ وَحدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَكَفَرتُ بِالجِبْتِ
وَالطَّاغُوتِ وَآمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلانِيَتِهِمْ
وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ وَأَوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ نگاه دارد
خدا تعالی او را در آن روز از شر آنچه از زمین بیرون آید و آنچه
از آسمان پایین آید و آنچه باسمان بالا رود و در حرز خدا باشد
تا شام کند روایت است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که نزد

صباح سه بار باید گفت اَستَودِعُ اللهَ العَلِيَّ الأَعلَى
الجَلِيلَ العَظِيمَ دِينِي وَنَفسِي وَأَهلِي وَمَالِي وَوُلدِي
وَإِخوَانِيَ المُؤمِنِينَ وَجَمِيعَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي
وَجَمِيعَ مَا يَعنِينِي أَمرُهُ اَستَودِعُ اللهَ المَخُوفَ
المَرهُوبَ المُتَضَعضِعَ لِعَظَمَتِهِ كُلُّ شَيءٍ دِينِي
وَنَفسِي وَأَهلِي وَمَالِي وَوُلدِي وَإِخوَانِيَ المُؤمِنِينَ
وَجَمِيعَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَجَمِيعَ مَن يَعنِينِي أَمرُهُ

فصل باید در محل طلوع صبح صادق با وضو باشی
تا اذان صبح را با طهارت بگویی و ما اینجا وضوی کامل را
بیان کنیم بیان وضوی کامل پس چون خواهی که وضو بسازی
اول مسواک کن و باید که بعرض دندانها یعنی به پهنای دندانها مسواک کنی
نه بطول یعنی نه بدرازی آنها و کافیست انگشت روایت کرده

رئیس المحدثین در کتاب تهذیب که حضرت امام جعفر صادق ع
فرمود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرموده که مسواک کردن
با ابهام و مسبحه در وقت وضو مسواک است و غرض اینست
که مالیدن انگشت شهادت و انگشت بزرگ بر دندانها
و در وقت وضو ثواب مسواک کردن دارد و سنت است
رو بقبله بودن در حال وضو و اکثر علمای ما ذکر نکرده اند
و بعضی ذکر کرده اند و مستند شده باخبار منقولست از ائمه
علیهم السلام که بهترین مجالس آنست که رو بقبله باشد
پس اگر وضو از ظرفی سازی که ممکن باشد دست در آن فرو
بردن آنرا بر جانب راست بگذارد و اگر از نهری یا حوضی
وضو سازی پس چنان بنشین که آن بر جانب راست تو واقع
شود و اگر جمع نتوان کرد میان رو بقبله نشستن و گذاشتن آب وضو

یعنی با انگشت بزرگ بدل

[illegible]
الحدیث
روی عن ائمتنا
علیهم السلام خیر المجالس
ما استقبل به القبلة
ثم ان کان وضوئه من اناء
یمکن الاغتراف منه وضعه
بمینک من الاناء
والا تجلس کما یقع النهر و نحوه
[illegible]

بر جانب راست پس ظاهر ترجیح استقبالست و چون
نظر بر آب کنی بگو الحمد لله الذی جعل الماء
طهورا و لم یجعله نجسا پس بشود دستها را تا بندها
پیش از آنکه بآب فرو بری یکبار اگر از حدث بول یا خواب
وضو سازی نه از حدث باد و یا از حدث غایط و شستن
دستها پیش از آنکه وضو از غیر این سه حدث سنت نیست
و اگر وضو از حوضی یا ابریقی سازی پس مذهب اکثر علما
است که شستن دستها در این حال سنت نیست و بعضی
دیگر سنت میدانند و این بدنیست بعد از آن دست در آب
زن و بگو آنچه روایت کرده در تهذیب بسند صحیح که حضرت امام
محمد باقر علیه السلام فرموده که چون دست در آب بگذاری
بگو بسم الله و بالله اللهم اجعلنی من التوابین

و شستن بگو

وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ پس سه بار مضمضه
یعنی آب در دهن کن بگردان و سه بار در بینی کن و عقب
هر یک دعائی که در فصل آینده ذکر خواهیم کرد بخوان پس بدست
راست کفی آب بردار و نیت کن که وضوی واجب
میسازم برای مباح بودن جهت امتثال امر الله و مقارن
ساز به نیت شستن بالای رو را و حکم نیت را دایم دار
تا فارغ شدن و بسم الله بگوید روایت کرده در کافی از سید جلیل
امام محمد باقر علیه السلام و ظاهر آنست که بسم الله اول کافی
نیست بلکه اینجا هم بسم الله باید گفت زیرا که آن برای
شروع در دست بود و این برای شروع در وجه و
تجویز کرده اند مقارن ساختن نیت با شستن سرهای
دست و اگر شرایطش موجود باشد و بمضمضه و استنشاق

بهم

بهم بدلیل آنکه این هر سه از افعال وضوء کامل اند و ابن
طاوس قدس سره توقف کرده در جایز بودن مقارنه نیت
بغیر شستن رو و احتیاط با وست و اگر آب بر روی
ریزی دست بر آن کش چنانکه از اصحاب عصمت
سلام الله علیهم منقولست نزد حکایت وضوء بیانی
پیغمبر صلی الله علیه و آله بخلاف کسی که دست کشیدن را
واجب میدانند و واجب نیست که هر جزوی از اجزای رو
که بالاتر است بشوی پیش از جزوی که پائین آن جزو است
بلکه چون ابتدا بشستن اعلای رو کنی کافیست و حد
رو در طول و عرض آنست که دور کند بر ابهام و وسطی
یعنی انگشت بزرگ و انگشت میانین بر آن بگردد چنانکه
ناطق است از صحیحه زراره از حضرت امام محمد باقر علیه السلام

و بیان آن در شرح حدیث چهارم از کتاب چهل حدیث است
روایت بتخلیل یعنی رسانیدن اب بزیر موی که
پوست رو از زیران دیده شود در وقت مواجهه یعنی
روبرو بودن چنانکه شستن بران صادق اید اما موی
که پوست رو در مجلس مخاطبه دیده نشود تخلیل ان واجب نیست
بلکه واجب شستن ظاهر آن موست و چشمها را گشادن در حال
وضو روایت کرده در فقیه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
فرمود بگشائید چشمها را در وضو شاید که چشمها نه بیند
اتش جهنم و اکثر علمای ما ذکر این در سنتهای وضو
نکرده اند و بعضی ظن شده که وجه اهمال ان باشد که شیخ طوسی
قدس سره نقل کرده اجماع را بر انکه سنت نیست رسانیدن
اب وضو بدرون چشمها و شیخ شهید قدس سره در کتاب

ذکری فرموده که منافاتی نیست میان این دو امر زیرا که
میتواند بود که چشمها باز کردن سنت باشد و آب بدرون چشم
کردن سنت نباشد و چون فارغ شوی از شستن رو کفی
از آب بردار و بدست چپ چنانکه حضرت امام محمد باقر ع
کرده نیز و بیان وضو حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم و
بشویان دست راست را از مرفق تا سر انگشتان و دست
چپ بران بکش و اینجا واجبست رسانیدن اب بزیر مو
خواه مو بسیار باشد و خواه اندک و ابتدا کن بشستن ظاهر
دست و زن ابتدا کند بباطن بعد از ان بدست راست
کفی آب بردار و بان دست چپ را بشو چنانکه دست
راست را شستی باید که هر یک از دو دستها را یکبار
یکبار بشویی نه زیاده چنانکه مذهب کلینی است و ابن بابویه

در رفقیه و بسط این کلام در مشرق الشمسین و حبل المتین است پس

بسر انگشت تری دست راست مسح کن بسر انگشت پهلوی بهم نهاده پوست پیش سر را یا موئی را که بر انجا رویده و بکشیدن بیرون نرود از حد رو و به باقی مانده آن تری مسح کن پشت پای راست را از سر انگشتان تا کعب یعنی تا بندپا انجا که از هم جدا میشود پا از قدم و کافی نیست مسح پایین تر از کعب و این هم در مشرق الشمسین و حبل المتین مذکور است بعد از ان مسح کن پشت پای چپ را بتری دست چپ و باید که مسح سر و قدمها بکف دستها باشد نه بپشت دستها مگر برای ضرورتی و باید که دست کشیده شود بر سر و قدمها و کافی نیست گذاشتن دست بی کشیدن و باید که قدمهای را مسح کنی بتمام کف چنانکه در تهذیب روایت کرده بسند صحیح از احمد ابن محمد ابن ابی نصر بزنطی که گفت

سؤال

سؤال کردم از حضرت امام رضا علیه السلام از مسح بر قدمها که چگونه است پس انحضرت گذاشت کف دست خود را بر انگشتان پا پس مسح کرد انها را تا کعبها پس گفتم اگر کسی دو انگشت از انگشتان خود مسح کند اینچنین تا کعبین انحضرت فرموده لا الا بکفه کلها یعنی مسح تمام نیست مگر بکف و تمام کف و باید که افعال وضو را پی در پی بجای آری بی تاخیر میان آنها با رعایت ترتیب مذکور حتی در مسح قدمها چنانکه مختار جمعی استاد متقدمین علمای ما و کلینی در کافی روایت کرده بسند حسن که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که مسح کن بر قدمها و ابتدا کن بجانب راست و باید که بخوانی نزد هر فعل از افعال وضو دعایی که مقرر است برای آن فعل چنانکه در فصل آینده مذکور میشود و چون از وضو فارغ شوی

الحدیث
روی بقر الاسلام و الکافی بسند الحسن عن ابی عبد الله ع انه قال امیر المؤمنین ع الفلاسفین و ابناء ... الامن ...

بگو الحمد لله رب العالمین چنانکه شیخ طوسی قدس سره
در تهذیب روایت کرده بسند صحیح و بعد از ان بگوید
اللهم اجعلنی من التوابین واجعلنی من المتطهرین
اللهم انی اسئلک تمام الوضوء وتمام الصلوة
وتمام رضوانک والجنة بدانکه بعض از افعال مذکوره جمیع
دعاها سنت و افعالی که واجب ده است نیت با استدامت
حکمی و شستن رو و دستها و مسح سر و قدمها متصل از سر قدمها
تا کعب و ترتیب و موالات یعنی پی در پی بودن افعال و مباشرت
یعنی خود وضو ساختن مگر برای ضرورت و سنت است
ترک تمندل یعنی بعد از وضو بمندیل خشک کردن تری وضو
روایت کرده کلینی در کافی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که فرمود که کسی که وضو کند و تمندل نکند تا خشک شود او را یک حسنه و اگر تمندل

بکند تا آنکه خشک شود آب وضوی با آن او را سی حسنه و ظاهر
آنست که عمدا خشک کردن آب وضو بآفتاب و یا بآتش
مثل تمندل باشد و باکی نیست وضو ساختن در مسجد از غیر حدث
بول و غایط و این دو مکروهست چنانکه روایت کرده در کافی
بسند صحیح **فصل** روایت کرده در کافی ثقة الاسلام
و رئیس المحدثین در فقیه و شیخ الطایفه در تهذیب از عبد
الرحمن ابن کثیر الهاشمی که امام جعفر صادق علیه السلام نشسته
بود با پسر حنفیه رضی الله عنه گفت یا ای محمد بیار ظرفی از آب
وضو سازم برای نماز پس آورد برای حضرت محمد آب پس آنحضرت
کفی از آب بدست راست ریخت بر دست چپ پس گفت
بسم الله والحمد لله الذی جعل الماء طهورا ولم یجعله
نجسا حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که حضرت امیر المؤمنین

بعد از ان استنجا کرد و کفت اللهم حصن فرجی
واعفه واستر عورتی وحرمنی علی النار
فرمود که بعد از ان مضمضه کرد یعنی آب در دهن مبارک
کرد پس کفت اللهم لقنی حجتی یوم القاک واطلق
لسانی بذکرک پس استنشاق کرد و کفت اللهم
لا تحرم علی ریح الجنة واجعلنی ممن یشم ریحها
وروحها وطیبها فرمود پس روی را شست و کفت
اللهم بیض وجهی یوم تسود فیه الوجوه ولا
تسود وجهی یوم تبیض فیه الوجوه پس شست دست
راست را و کفت اللهم اعطنی کتابی بیمینی و
الخلد فی الجنان بیساری وحاسبنی حسابا یسیرا
بعد از ان شست دست چپ را و کفت اللهم لا تعطنی

یعنی آب در بینی مبارک کرد

کتابی بشمالی ولا من وراء ظهری ولا تجعلها
مغلولة الی عنقی واعوذ بک من مقطعات
النیران پس مسح کرد سر مبارکش را و کفت اللهم
اغشنی برحمتک وبرکاتک پس مسح کرد پاها را
و کفت اللهم ثبتنی علی الصراط یوم تزل
فیه الاقدام واجعل سعیی فیما یرضیک عنی
بعد از ان بالا کرد سر مبارکش را و نظر کرد به محمد و کفت
ای محمد کسی که وضو سازد مثل وضوء من و بکوید مثل کفتن
من خلق کند خدا تعالی از هر قطره فرشته که تسبیح و تقدیس و تکبیر
خدا کوید و بنویسد خدا تعالی برای او ثواب آنرا تا روز قیامت
بدانکه میان نسخهای کتاب کافی و فقیه و تهذیب اندک
اختلافست در بعضی الفاظ این دعاها وانچه اینجا مذکور است

بطريقيت كه شيخ طوسي قدس سره در تهذيب آورده
و نسخه كه پيش عاليحضرت استاد است دام ظله بخط والد
مبارکش قدس سره است كه همين نسخه را پيش شيخ زين الدين
نور الله ضريحه خوانده و آخر جلدی اجازه نوشته بخط مبارك
براي او **فصل** هر گاه از وضو فارغ شوی متوجه شو
بمسجد روايت كرده رئيس المحدثين در فقيه كه حضرت امام
جعفر صادق عليه السلام فرمود كسی كه راهی شود بمسجد
نگذارد پا بر هيچ تری و نه بر هيچ خشكی مگر آنكه تسبيح كنند
براي او زمين تا زمين هفتم و چون خواهی كه بمسجد روی
وقت بيرون رفتن از خانه بگو بسم الله الذي خلقني
فهو يهدين والذي هو يطعمني ويسقين و
اذا مرضت فهو يشفين والذي يميتني ثم يحيين

والذي اطمع ان يغفر لي خطيئتي يوم الدين رب
هب لي حكما والحقني بالصالحين واجعل لي لسان
صدق في الآخرين واجعلني من ورثة جنة النعيم
واغفر لابي و روايت كرده جمال السالكين در كتاب عدة الداعي
كه پيغمبر صلی الله عليه وآله فرموده كه كسي وضو سازد و بعد از آن
بيرون رود بجانب مسجد و در محل بيرون رفتن از خانه بگويد
بسم الله الذي خلقني فهو يهدين هدايت كند خدا تعالی
او را بصواب و ايمان و چون بگويد والذي هو يطعمني ويسقين
بخوراند خدا تعالی او را از طعامهای بهشت و بياشاماند او را از
شراب بهشت و چون بگويد واذا مرضت فهو يشفين
بگرداند خدای تعالی اين گفتن را كفاره گناهان و چون بگويد والذي
يميتني ثم يحيين بميراند خدای تعالی او را مرگ سعادت يافتگان

آداب الدخول في المسجد

فقد روى جمال السالكين في كتاب
عدة الداعي عن النبي صلى الله عليه وآله قال من
توضأ ثم خرج الى المسجد فقال
من يخرج من بيته بسم الله الذي
خلقني فهو يهدين هداه الله الى
الصواب والايمان واذا قال
والذي يطعمني ويسقين اطعمه الله
من طعام الجنة وسقاه من شرابها
واذا قال واذا مرضت فهو يشفين
جعل الله ذلك كفارة لذنوبه و
اذا قال والذي يميتني ثم يحيين اماته الله
ميتة الشهداء واحياه حياة السعداء
واذا قال والذي اطمع ان يغفر لي
خطيئتي يوم الدين غفر الله له
كل خطاه وان كان اكثر من زبد البحر
واذا قال رب هب لي حكما
والحقني بالصالحين وهب الله له
حكما وعلما والحقه بصالح من مضى
وصالح من بقي واذا قال واجعل لي
لسان صدق في الآخرين كتب الله
... بيضاء ان فلان ابن فلان بن
فلان بن فلان من الصادقين واذا قال

وچون بگوید وَالَّذِی اَطْمَعُ اَنْ یَغْفِرَ لِی خَطِیئَتِی یَوْمَ
الدِّینِ بیامرزد خدای تعالی جمیع خطاهای اورا اگرچه زیاده باشد
از کف دریا وچون بگوید رَبِّ هَبْ لِی حُکْمًا وَاَلْحِقْنِی
بِالصَّالِحِینَ بخشد خدای تعالی اورا حکمت وعلم و برساند
اورا بصالحان گذشتگان وصالحان باقی مانده گان و
چون بگوید وَاجْعَلْ لِی لِسَانَ صِدْقٍ فِی الْآخِرِینَ
بنویسد خدای تعالی برای او در ورقی سفید فلان ابن فلان
از راستگویانست وچون بگوید وَاجْعَلْنِی مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِیمِ
عطا کند خدای تعالی باو منزلها در جنت نعیم وچون بگوید
وَاغْفِرْ لِاَبِی بیامرزد خدای تعالی پدر ومادر اورا وچون
خواهی بمسجد داخل شوی واگر قایم مقام او باشد ملاحظه
کن که نجاستی نداشته باشد ومقدم دار پای راست را وبگو

کفش امام

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ وَاِلَی اللّٰهِ وَخَیْرُ الْاَسْمَاءِ
کُلِّهَا لِلّٰهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لِی اَبْوَابَ رَحْمَتِکَ وَتَوْبَتِکَ وَاَغْلِقْ
عَنِّی اَبْوَابَ مَعْصِیَتِکَ وَاجْعَلْنِی مِنْ زُوَّارِکَ
وَعُمَّارِ مَسَاجِدِکَ وَمِمَّنْ یُنَاجِیکَ فِی اللَّیْلِ وَ
النَّهَارِ وَمِنَ الَّذِینَ هُمْ فِی صَلٰوتِهِمْ خَاشِعُونَ وَادْحَرْ
عَنِّی الشَّیْطَانَ الرَّجِیمَ وَجُنُودَ اِبْلِیسَ اَجْمَعِینَ
وچون خواهی که کفش یا غیر آنها را از پا بیرون کنی پای چپ را
پیش از راست بیرون کن ودر پوشیدن بعکس واگر در پا نعل
عربی باشد نماز کردن بان ممکن باشد پس بان نماز کن واز آن بیرون مکن
زیرا که نماز در نعل عربی سنتست چنانچه روایت کرده در تهذیب بسند صحیح

الحدیث م
روی عن عبد الرحمن ابن ابی عبد الله عن ابی عبد الله علیه السلم
انه قال اذا صلیت فصل فی نعلیک اذا کانت طاهرة
من

هذا الحدیث صریح فی استحباب الصلوة م
النعلین ... بنا ان مراد ... ان کان
الصلوة فی ... لا ... لا یخفی
البحث فی ان النعلین العربیین ...
الصلوة ... علی العربی
من

الصلوة

[illegible]

لایخفی انه ذاب اثنا علیهم السلم ان یتقیلوا عنه احکام الشرعیة لیتق کما وکذا ان هذه العبادة فلذلک تشعر بعدیلم یجزم بالحکم تعنا الظاهر اندار ادته ره حاشیه

از ابن عمار که گفت دیدم بارها امام جعفر صادق علیه السلم

نماز میکرد در نعلینش و هرگز ندیدم که در وقت نماز کننده باشد

و روایت کرده از عبد الرحمن ابن ابی عبد الله که او گفت

حضرت امام جعفر صادق علیه السلم فرمود که هر گاه نماز میکنی

پس نماز کن در نعلینت اگر پاک باشد زیرا که گفته خواهد شد که این

از سنت ظاهر آنست که حضرت اراده کرده که هر گاه تو در نعلین

نماز کنی شیعه میدانند که نماز در این سنت است زیرا که راوی از

اعیان اصحاب امام است و اعتماد تمام در قول و فعل اوست

اذان [2] نعبر از ان بگو زیرا که اذان صبح از سنتهای موکد است حتی انکه بستد

مرتضی رضی الله عنه واجب دانسته بر مردان و ابن عقیل

با او موافقت کرده و زیادتی کرده و گفته که نماز صبح باطلست

بر کسان عمدا **فصول** اذان اینست الله اکبر چهار بار

اشهد ان لا اله الا الله دو بار باید گفت ~~و اما داخل~~

~~اذان نیست~~ اشهد ان محمدا رسول الله دو بار

اشهد ان علیا ولی الله دو بار [2] حی علی الصلوة

دو بار حی علی الفلاح دو بار حی علی خیر العمل

دو بار الله اکبر دو بار لا اله الا الله دو بار و سنت است

که در حال اذان ایستاده باشی رو بقبله انگشتهای شهادتین را

در گوشها کرده و باواز بلند بتانی بر هر فصلی از این هجده

فصل مذکور وقف کنی و بجانب راست و چپ نگردی و در اثنا

حرف نزنی و نزد ذکر پیغمبر صلی الله علیه و آله صلوات بر آنحضرت فرستی

روایت کرده رئیس المحدثین در فقیه بسند صحیح که امام محمد باقر

علیه السلام فرمود که صلوات فرست بر پیغمبر هر گاه ذکر آنحضرت کنی

یا ذکر آنحضرت کنند پیش تو ذکر کنند در اذان و غیر اذان و مخفی

[2] و اما داخل اذان نیست م

الحدیث روی رئیس المحدثین الثانی فی الفقیه بسند الصحیح عن ابی جعفر علیه السلام انه قال صل علی النبی کلما ذکرته او ذکره ذاکر عندک فی اذان وغیره من

في بيان الصلوة الدوانية

بت كه ظاهر اين حديث دلالت ميكند بر واجب بودن
صلوات بر پيغمبر هر كه ذكر آنحضرت را شنود در هر بار كه ياد كرده
و هر شنيدني و بعضي سنيان از مذهب اهل سنت كه واجبست
صلوات بر پيغمبر در مدت عمر يكبار و بعضي ايشان آنكه
واجبست در هر مجلسي يكبار و بعضي ايشان آنكه واجبست
هر گاه نام آنحضرت مذكور شود و اين موافق مذهب ابن بابويه است
قدس سره و صاحب كنز العرفان موافق اوست در
واجب بودن صلوة هر گاه اسم آنحضرت مذكور شود و اصح آنست
دليل اين ميتوان ساخت قول خدا تعالى را لَا تَجْعَلُوا
دُعَآءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَآءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا
يعني مگردانيد نام بردن و طلب كردن پيغمبر را ميان خود
مثل نام بردن و طلب كردن بعضي از شما بعضي را بانكه پيغمبر صلعم

فرموده كه هر كه من پيش او مذكور شوم و صلوة نفرستد بر من
داخل آتش شود پس دور كرده او را خدا تعالى و آنچه مرويست كه از آن
حضرت سوال كردند از قول خدا تعالى إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ
يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا
عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا پس آنحضرت فرمود كه اين از
علم مكنونست و اگر نه آنكه شما سوال كرديد از اين خبر نميدادم
شما را بدرستي كه خدا تعالى موكل ساخت براي من دو فرشته پس نام
من برده نشود نزد مسلمي و آن صلوات فرستد بر من مگر آنكه
براي آن دو فرشته گويند غَفَرَ اللَّهُ لَكَ و ميگويد
خدا تعالى و ملائكه آمين و مخفي نماند كه قول امام محمد باقر عم
در حديث اول كه هر گاه كه ذكر كني تو آنحضرت را ياد كر كند
پيش تو ذكر كننده تقاضا ميكند واجب بودن صلوات را

خواه آنحضرت مذکور شود باسم یا بلقب یا بکنایه ممکنست
کردکر آنحضرت بضمیر هم چنین باشد و در کلام علما چیزی دراین
بنا فیهم واحتیاط مقتضی عمومست ظاهر آنست که صلوة
واجبا بجا می باید بگفتن اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
واما آنچه روایت شده که چون این آیت نازل شد اصحاب
گفتند یا رسول الله سلام بر تو دانستیم صلواة بر تو چون است پس
آنحضرت گفت بگویید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيمَ وَآلِ اِبْرَاهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ -
پس ظاهر انست که حضرت بیان افضل کیفیات صلوة
فرموده اند بدانکه پیغمبر صلی الله علیه وآله افضلست از حضرت
ابراهیم علیه السلام ودر علم بلاغت مقرر است که مشبه به اقوی
باشد از مشبه پس تشبیه صلوات بر پیغمبر ما بصلوات ابراهیم خلاف

واما روی
ولما نزلت ذلك الایة قیل یا رسول الله
هذا السّلام علیك فقد عرفناه
فکیف الصلوة علیك فقال قولوا
اللهم صل على محمد وآل محمد كما صليت
على ابراهيم وآل ابراهيم وبارك
على محمد وآل محمد كما باركت على ابراهيم
وآل ابراهيم انك حميد مجيد منه

مقرر بلاغت باشد جواب آنست که چون پیغمبر ما صلی الله علیه وآله
از آل ابراهیم است پس باین گفتن دو صلواة جهة آنحضرت طلب شده
یکی صلواتی که خدای تعالی برا او برباقی آل ابراهیم ویکی دیگر صلواتی
که خدای تعالی بر ابراهیم فرستاده وشک نیست در آنکه صلواتی که شامل
هر دو باشد افضلست از آنکه مخصوص یکی باشد وبعضی از علما چنین
توجیه کرده که صلوات بر ابراهیم از آن جهت که پیشتر واقع شده اقوی است
وانیقدر در تشبیه کافیست واین وجه ضعیفست زیرا که حضرت پیغمبر صلعم
فرموده كُنْتُ نَبِيًّا وَآدَمَ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ یعنی
من پیغمبر بودم در آن وقت که طینت آدم گل بود وبعضی دیگر
چنین گفته که مشبه به صلوات مر آل محمد است ومعنی چنین است
که خدایا صلوات بفرست بر آل محمد چنانکه صلوات فرستاده بر
ابراهیم وآل ابراهیم واین هم ضعیفست زیرا که سؤال اصحاب

وتبع ... اذا قلت ... انه ... آل ابراهیم فالصلوة ... [illegible]
[illegible]

ار کیفیت صلوات بر آنحضرت بود از صلواة بر آل آنحضرت

و این را وجهها ی دیگر هست در کتاب حبل المتین **فصل**

چون از اذان صبح فارغ شدی سجده کن یا اندکی زمانی بنشین

و بگو اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِي بَارًّا وَ رِزْقِي دَارًّا وَ عَيْشِي

قَارًّا وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

مُسْتَقَرًّا وَ قَرَارًا بعد از ان هر دعایی که خواهی بخوان

و هر حاجتی که داری از خدا تعالی بطلب روایت است از حضرت پیغمبر صلعم

که دعای میان اذان و اقامت رد نمیشود بعد از ان برخیز

و اقامت بگو و فصول اقامت همان فصول اذانست اما همه دو بار

دو بار است مگر لا اله الا الله در آخر اقامت که یکبار است

و بعد از حی علی خیر العمل دو بار بگوید قد قامت الصلوة

و آدابی که در اذان مذکور شد در اقامت بجا آر مگر تانی و کشش

من الضالين فقد قال اصحابنا ان
المراد عمه و هو آذر والعم يسمى ابا و
الانبياء عندنا منزهون عن وصمة الكفر
في آبائهم و لعله عليه السلام يمكن في ذلك
الوقت ممنوعا من الاستغفار للكفار
و ما تضمنه دعاء الدخول الى المسجد في
قوله و اجعلني من عمار مساجدك ان اس
الفاصل لك الحنين اليك في قوله تعالى
في سورة برائة انما يعمر مساجد الله
ان يكونوا من المهتدين و قد فسرت
عمارة المساجد في الآية بتفسيرين
الاول بناؤها و كنسها و فرشها
والاسراج فيها الثاني التردد اليها
و شغلها بالعبادة و اخلاؤها
من الاعمال الدنيوية والصنايع و
ادخر بالمهملات على ان اعلم
اسم بمعنى ابعد والرجيم بمعنى المطرود
و هو فعيل بمعنى مفعول و اصله
من الرجم بالحجارة و قد روي في
تفسير الله اكبر ان المراد انه اكبر
من كل شيء و اكبر من ان يوصف و حي في حي على الصلوة بفتح الياء اسم ان فعل بمعنى اقبل
والفلاح الظهور بالاستينة والظفر بالمطلوب فمعنى حي على الفلاح اقبل على ما يوجب الفوز
والظفر بالسعادة العظمى والآخرة و معنى حي على خير العمل اقبل على عمل هو افضل الاعمال اعني الصلوة

الکشتها در گوشها و بلند کردن آواز که اینها در اقامت سنت نیست

و در طهارت و ایستادن اینجا تاکید بیشتر است حتی آنکه سید

مرتضی رضی الله عنه ایستادن و طهارت را در اقامت واجب

دانسته و چون از اقامت نماز صبح فارغ شوی رو بقبله بگو

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ مَرْضَاتَكَ طَلَبْتُ وَ ثَوَابَكَ

اِبْتَغَيْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْتَحْ قَلْبِي لِذِكْرِكَ وَ ثَبِّتْنِي

عَلَى دِينِكَ وَ لَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِي وَ هَبْ لِي

مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ و باید

که در نماز با وقار و خشوع ایستاده باشی و دستها را گذاشته بر رانها

برابر زانوها و پاها را از هم گشوده بقدر سه انگشت تا یک شبر

و نگاه بموضع سجود کنی نه آنکه چشم بر آسمان کنی و باید بجا آری

کر وداع نماز میکنی و چنان نماز را بجای آری که گویا نماز آخر است
بعد از آن نیت کن که نماز صبح واجب ادا میکنم برای امتثال امر
الله تعالی و مقارن ساز نیت را بیکی از هفت تکبیر افتتاح و
بهر کدام که مقارن سازی او را قصد تکبیرة الافتتاح کن و بهر
تکبیری دستها بردار تا برابر گوشها چنانکه ابتدای تکبیر با ابتدای
برداشتن دست باشد و انتهای برسیدن دستها برابر بود
از برابر گوشها نگذرد و کف دستها بقبله باشد و همه انگشتها پهلوی
هم باشد غیر انگشت بزرگ بدانکه بعضی از متاخرین فقهاء
در نیت تطویل کرده چنانکه باعث دشواری نیت شده بر اکثر
مردم و باعث وسواس ایشان شده و در احادیث
ائمه سلام الله علیهم چیزی از آنها نیست بلکه مستفاد
از تتبع اخبار ائمه هدی علیهم السلام آسانی نیت است

و از اینجهت متقدمین علما مباحث اذان بکرده اند حتی
آنکه بعضی از علما فرموده اند که اگر خدای تعالی ما را مکلف
میساخت بکاری به نیت هر آینه تکلیف ما لا یطاق میبود
و بخاطر گذرانیدن مقصود بر وجهی که تمیز یابد از غیرش
بقصد امتثال امر خدای تعالی در نهایت آسانیست و کسی که
مشکل داند خدای تعالی بر او آسان کرداند بدانکه سنت است هفت
تکبیر در اول نماز گفتن یکی تکبیرة الاحرام است که واجب و شش
دیگر سنت و باجماع علمای ما نیت را بهر کدام که خواهی مقارن
میتوان ساخت و آنرا قصد تکبیرة الاحرام باید کرد و اولی آنست
که چون نیت کنی و تکبیرهای سنت را بعد از آن چنانکه از ظاهر
حدیث زراره مستفاد میشود و سنت است در میان هفت تکبیر سه دعا
خواندن روایت کرده کلینی از حضرت امام جعفر صادق ع

فان الظهر مثلا نحن مکلفون باداتها فی هذا الوقت مثلا من متصور بهذا الوصف العنوانی الذی یمتاز عن جمیع ما عداها من العبادات فی غیرها و قصد ایقاعها امتثالا لامر الله لا اصعب منه اصلا کما یشهد به الوجدان الصحیح فمن وجده صعبا فقال الله ان یصح وجدانه انه علی کل شیء قدیر
منه

وبعد از تکبیر سوم بگو اللهم انت الملک الحق لا اله
الا انت سبحانک انی ظلمت نفسی فاغفر لی ذنبی
انه لا یغفر الذنوب الا انت و بعد از تکبیر پنجم
لبیک و سعدیک والخیر فی یدیک والشر
لیس الیک والمهدی من هدیت لا ملجأ
منک الا الیک سبحانک وحنانیک تبارکت
وتعالیت سبحانک رب البیت و بعد از تکبیر
هفتم که تکبیرة الاحرام باشد بگو وجهت وجهی للذی
فطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة
حنیفا مسلما وما انا من المشرکین ان صلوتی
ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین
لا شریک له وبذلک امرت وانا من المسلمین

ودر روا



ودر روایت دیگر چنین است وجهت وجهی للذی
فطر السموات والارض علی ملة ابراهیم
ودین محمد ومنهاج علی حنیفا مسلما وما
انا من المشرکین تا آخر بی اضافه عالم الغیب
والشهادة بعد از این دعا بگو اعوذ بالله من الشیطان
الرجیم یا اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان
الرجیم و گفتن استعاذه نزد علمای ما مخصوص است به رکعت
اول و آهسته باید گفت و بعد از آن الحمد بخوان بلند بتأنی
یعنی نه تندی و ترتیل کن یعنی چنان بخوان که همه الفاظ را
توان شمرد با حضور دل و بخاطر گذرانیدن معنیها و وقف
کن بر هر وقفی و بعد از الحمد ساکت شود بقدر یکنفس و بعد از آن
سوره بخوان یا سوره غاشیه یا سوره لا اقسم بیوم القیمة

باسوره دهر یا سوره دیگر که بقدر اینها باشد چنانکه شیخ طوسی
قدس سره روایت کرده در تهذیب بسند صحیح از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام بعد از سوره ساکت شو بقدر یکنفس
بعد از ان الله اکبر بگو دستها را برداشته برابر گوشها چنانکه
گفته شد و بعد از ان رکوع کن و اول دست راست را بر زانوی راست
بگذار پیش از گذاشتن دست چپ بر زانوی چپ و کف های
دستها را پر کن از زانوها و بانگشتها فرو گیر زانوها را چنانکه گویا
لقمه ایست و زانوها را بجانب عقب کن و پشت را هموار کن
و گردن را دراز کن و چشمها نگاه بمیان قدمها کن و بگو آنچه
ثقة الاسلام روایت کرده در کافی بسند صحیح از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام اَللّٰهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ
اَسْلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَاَنْتَ رَبِّي

كافي وجنة العابدات خ ل و
الفتوى كذا الى وصل النسخ
النسخ كلها هنا من

خشع

خَشَعَ لَكَ سَمْعِي وَبَصَرِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَلَحْمِي
وَدَمِي وَمُخِّي وَعَصَبِي وَعِظَامِي وَمَا اَقَلَّتْهُ
قَدَمَايَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَحْسِرٍ
پس بگو سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ هفت بار یا پنج بار
یا سه بار بعد ازین راست بایست پس بگو سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ
بعد ازین الله اکبر بگو ایستاده پس بسجود رو بخضوع و خشوع
و بر زمین گذار کفهای دست را پیش از زانوها و دستها را از
بدن دور کن چنانکه مرغ بال گشاده و کفهای دست را
و انگشتان را بهم گذاشته بر زمین گذار برابر سرهای دوش
و رو چنان سجده کن که هیچ عضوی از بدن تو بر عضو دیگر نباشد
و پیشانی را بر زمین گذار و متمکن ساز و افضل تربت حضرت
امام حسین علیه السلام است و بینی را بر خاک گذار و نگاه کن در

وعليک م

حال سجود بجانب سر پیشی پس بگو انچه در کافی بسند صحیح از حضرت
امام حسین عم اَللّٰهُمَّ لَکَ سَجَدْتُ وَبِکَ اٰمَنْتُ
وَلَکَ اَسْلَمْتُ وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ وَاَنْتَ رَبِّی سَجَدَ وَجْهِی
لِلَّذِی خَلَقَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ
الْعَالَمِیْنَ تَبَارَکَ اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخَالِقِیْنَ پس بگو سُبْحَانَ
رَبِّیَ الْاَعْلٰی وَبِحَمْدِهِ هفت بار یا پنج بار یا سه بار و بعد از ان
سر بردار و بنشین و الله اکبر بگو و تورک کن یعنی بران جب
بنشین و پشت پای راست را بر شکم پای چپ گذار و بگو
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّی وَاَتُوْبُ اِلَیْهِ پس بگو انچه ثقة الاسلام
روایت کرده بسند حسن از حضرت امام علیه السلم اَللّٰهُمَّ
اغْفِرْ لِی وَارْحَمْنِی وَاَجِرْنِی وَادْفَعْ عَنِّی اِنِّی
لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقِیْرٌ تَبَارَکَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِیْنَ

بعد از ان تکبیر دویم بگو و سجود دویم بکن بطریق اول و بعد از ان سر بردار
زمانی بنشین متورک و این را جلسه استراحت میگویند ترک این مکن
زیرا که سید مرتضی قدس سره این را واجب دانسته بعد از ان بر خیز و اول
زانوها را از زمین بردار پیش از دستها و تکیه کن در برخواستن بر
دستها و بگو بِحَوْلِ اللّٰهِ تَعَالٰی وَقُوَّتِهِ اَقُوْمُ وَاَقْعُدُ
وَاَسْجُدُ پس چون راست شوی بخوان الحمد و سوره چنانکه دانستی
در رکعت اول و سنت است اینجا سوره توحید و بعد از فراغت
سوره ساکت شو بقدر یک نفس بعد از آن تکبیر بگو برای قنوت
و دستها را بردار تا برابر رو و کفها با بطن انگشتها بهلوی هم گذاشته
الا دو انگشت بزرگ و کلمات فرج بخوان لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِیْمُ
الْکَرِیْمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ
السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِیْنَ السَّبْعِ وَمَا فِیْهِنَّ

دکر
ثم ارفع یدیک للقنوت ونفسک بکلمات
الفرج باطن کفیک تلقاء وجهک
مستقبلا بطنها السماء وظهرهما
اصابعها عند الابهام منه
٢ رافعا م

وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ كلينى در كتاب كافى كلمات فرج را چنين روايت

كرده بسند حسن از امام محمد باقر عليه السلام در بعض كتب دعا

بعضى
وَمَا تَحْتَهُنَّ بعد از او وَمَا فِيهِنَّ روايت كرده اند و در

وَمَا فِيهِنَّ بعد از او وَمَا تَحْتَهُنَّ و در بعضى وَهُوَ رَبُّ

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ و اين زيادتها را در روايت معتبره نيافته ام

و بعد از كلمات فرج بگو اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا

وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ بعد از آن بگو اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ شَخَصَتِ الْاَبْصَارُ وَنُقِلَتِ الْاَقْدَامُ

وَرُفِعَتِ الْاَيْدِي وَمُدَّتِ الْاَعْنَاقُ وَاَنْتَ دُعِيتَ

بِالْاَلْسُنِ وَاِلَيْكَ سِرُّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ فِي الْاَعْمَالِ رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا

وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَاَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْكُوا

اِلَيْكَ غَيْبَةَ اِمَامِنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا

وَتَظَاهُرَ الْاَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا فَفَرِّجْ ذٰلِكَ

اَللّٰهُمَّ بِعَدْلٍ تُظْهِرُهُ وَاِمَامِ حَقٍّ نَعْرِفُهُ اِلٰهَ الْحَقِّ

آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ بعد از آن بگو اَللّٰهُمَّ مَنْ كَانَ اَصْبَحَ

وَلَهُ ثِقَةٌ اَوْ رَجَاءٌ غَيْرُكَ فَاَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي يَا اَجْوَدَ

مَنْ سُئِلَ وَيَا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ اِرْحَمْ ضَعْفِي وَمَسْكَنَتِي

وَقِلَّةَ حِيلَتِي وَامْنُنْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ وَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ

النَّارِ وَعَافِنِي فِي نَفْسِي وَفِي جَمِيعِ اُمُورِي بِرَحْمَتِكَ

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و اگر خواهى كه زياده از اينها بخوانى اضافه

كن باينها قنوتها كه در باب ششم مذكور خواهد شد و بعد از آن

دستها را بردار بتكبير در ركوع و سجود بجا آور چنانكه دانستى و بعد از

سجده دويم بنشين براى تشهد متورك و نگاه كن بكنار جو دو بگو

بسم الله وبالله وخیر الاسماء لله اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله
ارسله بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة
واشهد ان ربی نعم الرب وان محمدا نعم الرسول
اللهم صل علی محمد وآل محمد وتقبل شفاعته
فی امته وارفع درجته بعد از ان دو بار یا سه بار بگو
الحمد لله و انا بنی الخ واجبت شهادتین وصلوات بر پیغمبرات
صلی الله علیهم بعد از ان بقصد بیرون رفتن از نماز بگو السلام
علیکم ورحمة الله وبرکاته وقصد کن انبیاء
ائمه وحفظه را واشاره کن بگوشه چشم راست به پهلوی راست

فصل چون از نماز فارغ شوی شروع کن در تعقیب در تفسیر آیه
فاذا فرغت فانصب والی ربک فارغب مذکور است

یعنی

یعنی هرگاه فارغ شدی از نماز واجبی پس رنج بکش و به
پروردگار خود رغبت کن به دعا و سؤال کن که او عطا میکند
روایت کرده شیخ طوسی قدس سره در تهذیب بسند صحیح که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده تعقیب بلیغتر است
در طلب رزق از تردد در شهرها و مراد بتعقیب دعاست در
عقب نمازها و هم در تهذیب بسند حسن که امام محمد باقر علیه السلم
فرموده اند دعا در عقب نماز واجبی افضلست از دعا در عقب
نماز سنتی مثل فضیلت نماز واجبی بر نماز سنتی و روایت کرده
ثقة الاسلام در کافی بسند حسن که امام محمد باقر علیه السلام
فرموده دعا بعد از نماز افضلست از نماز سنتی و روایات از
ائمه علیهم السلم در این باب بسیار است و افضل تعقیبها تسبیح
فاطمه زهرا علیها السلام است روایت کرده در تهذیب بسند صحیح

از امام جعفر صادق علیه السلام
روایت کرده صحیح

الفلاح

وقد روی عن ابی عبد الله علیه السلام انه قال انا نامر صبیاننا بتسبیح فاطمة
الزهراء علیها السلام کما نامرهم بالصلوة فالزمه فانه لم یلزمه عبد فشقی
وعنه علیه السلام انه قال تسبیح فاطمة علیها السلام فی کل یوم فی دبر
کل صلوة الواجب احب الی من صلوة الف رکعة فی کل
یوم منه

که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود کسی که تسبیح کند
بتسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بعد از نماز فریضه پیش از آنکه پاها را
پهلوی هم گذارد آمرزیده بود ابتدا کند بتکبیر و هم فرموده که
ما امر میکنیم اطفال خود را بتسبیح فاطمه زهرا علیها السلام چنانکه
امر میکنیم ایشان را بنماز پس لازم سازد بر خود زیرا که لازم نسازد
بر خود بنده که شقی باشد مگر که سعید گردد و هم آنحضرت ع
فرموده که تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام در هر روزی عقب هر نماز
دوستتر است نزد خدای تعالی از هزار رکعت نماز در هر روز و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرموده که هیچ بنده عبادت نکرده خدای
تعالی را بچیزی از تمجید که افضل باشد از تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام
و اگر چیزی افضل از آن می بود هر آینه از آن یاد میکرد حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله بفاطمه زهرا علیها السلام آنرا بیاموخت و باید که

ومن الباقر علیه انه قال ما من عبد
عبد الله بشیء من التحمید افضل من
تسبیح فاطمة الزهراء ع ولو کان شیء
افضل منه التسبیح لنحله رسول الله
ص فاطمة الزهراء ع
منه

روایات در فضیلت
تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام

نشستن برای تعقیب متصل باشد بنشستن نماز و همان
هیأت رو بقبله متورک و در اثنای تعقیب با کسی سخن نگوید و رو
از قبله نگرداند زیرا که روایت شده که هر چه مضرت نماز دارد
مضرت بکمال تعقیب دارد پس چون سلام نماز دادی سه تکبیر بگو
دستها را برداشته تا برابر رو و کفهای دستها برابر قبله و این
سه تکبیر اول تعقیب است بعد از آن بگو لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
اِلٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِلٰهًا
وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ لَا نَعْبُدُ
اِلَّا اِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَا
اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْاَوَّلِينَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ
الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ

وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ اسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اَللّٰهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَاَفِضْ
عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَانْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَاَنْزِلْ
عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُبْحَانَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اغْفِرْ لِي
ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعًا فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ
كُلَّهَا جَمِيعًا اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ
اَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ اَحَاطَ بِهِ
عِلْمُكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي اُمُورِي
كُلِّهَا وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْاٰخِرَةِ
وَاَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَ
قُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ

وَمِنْ شَرِّ الْاَوْجَاعِ كُلِّهَا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا
بعد از آن تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگوید پس ده بار بگوید این
مخصوص است بصبح و شام لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي بِيَدِهِ
الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و ده بار بگوید این هم مخصوص
صبح است سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و صد بار بگوید مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و صد بار بگوید
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ و صد بار اَسْتَجِيرُ بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ

روى الكليني في الكافي عن ابي عبد الله عليه السلام قال
من قال في دبر صلاة الفجر ودبر صلاة المغرب سبع مرات
بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم دفع الله عنه سبعين نوعا من انواع
البلاء اهونها الريح والبرص والجنون وان
كان شقيا محي من الشقاء وكتب في السعداء

وَاَسألُهُ الجَنّة وصد بار اللّهمّ صلِّ على محمّدٍ وآلِ
محمّدٍ وعجّل فرجهم وده بار اشهد ان لا اله
الّا الله وحده لا شريك له الهاً واحداً احداً
فرداً صمداً لم يتّخذ صاحبةً ولا ولداً وسی بار
سبحان الله والحمد لله ولا اله الّا الله والله اكبر
وافضل است که ذکرها وتسبیحها را بتسبیحی از خاک امام حسین ع
بشمرد روایت کرده در تهذیب بسند صحیح که حضرت صاحب الامر
صلوات الله علیه فرمود که تربت امام حسین علیه السلام افضل
چیزیست که تسبیح را بآن حفظ کند و بدرستی که تسبیح کننده
فراموش کند تسبیح کفتن را و تسبیح خاک امام حسین ع
در دست بگرداند پس نوشته شود آن تسبیح برای او یعنی ثواب
آن تسبیح که فراموش کرده بعد از آن بگو واین مخصوص است بصبح

يا مقلّب القلوب والابصار صلّ على محمّدٍ وآلِ
محمّدٍ وثبّت قلبي على دينك ودين نبيّك صلّى الله
عليه وآله ولا تزغ قلبي بعد اذ هديتني وهب لي
من لدنك رحمةً انّك انت الوهّاب اللّهمّ اني
اعوذ بك من زوال نعمتك وتحويل عافيتك ومن
فجاءة نقمتك ومن درك الشقاء ومن شرّ ما سبق
في الكتاب اللّهمّ اني اسئلك بعزّة ملكك
وعظم سلطانك وشدّة قوّتك على جميع خلقك
ان تصلّي على محمّدٍ وآل محمّدٍ وان تفعل بي كذا وكذا
مطلب خود ذکر کند بجای کذا وکذا وبعد از آن بگو اُعيذ
نفسي واهلي ومالي وولدي واخواني وما رزقني
ربّي وجميع من يعنيني امره بالله الاحد الصمد الذي

لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد و برب الفلق
و من شر ما خلق تا اخر سوره و برب الناس بخواند و خوان
الحمد و اية الكرسي تا هم فيها خالدون و اية شهد الله انه لا
اله الا هو و الملائكة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله
الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام و اية
الملك قل اللهم مالك الملك تؤتي الملك من تشاء
و تنزع الملك ممن تشاء و تعز من تشاء و تذل
من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير
تولج الليل في النهار و تولج النهار في الليل و
تخرج الحي من الميت و تخرج الميت من الحي و ترزق
من تشاء بغير حساب و اية السخرة ان
ربكم الله الذي خلق السموات والارض في ستة

ايام ثم استوى على العرش يغشي الليل النهار
يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات
بامره الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين
ادعوا ربكم تضرعا وخفية انه لا يحب المعتدين
ولا تفسدوا في الارض بعد اصلاحها وادعوه
خوفا وطمعا ان رحمت الله قريب من المحسنين
قل لو كان البحر مدادا لكلمات ربي لنفد
البحر قبل ان تنفد كلمات ربي ولو جئنا بمثله مددا
قل انما انا بشر مثلكم يوحى الي انما الهكم اله
واحد فمن كان يرجو لقاء ربه فليعمل عملا صالحا
ولا يشرك بعبادة ربه احدا و اول شافات
بسم الله الرحمن الرحيم

والصافات صفا فالزاجرات زجرا فالتاليات
ذكرا ان الهكم لواحد رب السموات والارض
وما بينهما ورب المشارق انا زينا السماء الدنيا
بزينة الكواكب وحفظا من كل شيطان
مارد لا يسمعون الى الملاء الاعلى ويقذفون
من كل جانب دحورا ولهم عذاب واصب الا
من خطف الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب وسه ایه اخر
صافات سبحان ربك رب العزة عما يصفون
وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين
وسه ایه از سوره الرحمن يا معشر الجن والانس ان استطعتم
ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا
لا تنفذون الا بسلطان فباي الاء ربكما تكذبان

يرسل

يرسل عليكما شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران
وچهار ایه آخر سوره حشر لو انزلنا هذا القران على
جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله
وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرو ن
هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة
هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو
الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز
الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله
الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى
يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز
الحكيم بعد از ان دوازده بار قل هو الله بعد از ان این دعا
بخواند کفهای دستها گشاده اللهم اني اسئلك باسمك

المكنون المخزون الطهر الطاهر المبارك
واسئلك باسمك العظيم وسلطانك
القديم يا واهب العطايا ويا مطلق الأسارى
يا فكاك الرقاب من النار اسئلك ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تعتق رقبتي من النار
وان تخرجني من الدنيا امنا وتدخلني الجنة
سالما وان تجعل دعائي اوله فلاحا واوسطه
نجاحا واخره صلاحا انك علام الغيوب
واين هم مخصوص بصبح است اللهم اني اصبحت اشهدك
وكفى بك شهيدا واشهد ملائكتك المقربين
وحملة عرشك وسكان سمواتك وارضك
وانبيائك ورسلك والصالحين من عبادك

وجميع



وجميع خلقك فاشهد لي وكفى بك شهيدا
اني اشهد انك انت الله وحدك لا شريك لك
وان محمدا صلى الله عليه وآله عبدك ورسولك
وان كل معبود مما دون عرشك الى قرار ارضك
السابعة السفلى باطل مضمحل ما عدا وجهك
الكريم فانه اعز واكرم واعظم من ان يصف
الواصفون كنه جلاله وتهتدي القلوب الى كنه
عظمته يا من فاق مدح المادحين فخر مدحه
وعدا وصف الواصفين مآثر حمده وجل عن مقالة
الناطقين تعظيم شانه صل على محمد وآل محمد وافعل
بنا ما انت اهله يا اهل التقوى واهل المغفرة تعدل آن
سبحان الله كلما سبح الله شيء وكما يحب الله ان يسبح

واجل

وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله و
الحمد لله كلما حمد الله شيء وكما يحب الله ان يحمد
وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز
جلاله ولا اله الا الله كلما هلل الله شيء و
كما يحب الله ان يهلل وكما هو اهله وكما ينبغي
لكرم وجهه والله اكبر كلما كبر الله شيء وعز جلاله بسم
وكما يحب الله ان يكبر وكما هو اهله
وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر
على كل نعمة انعم بها علي وعلى كل احد من خلقه
ممن كان او يكون الى يوم القيمة اللهم اني
اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد واسئلك

خير ما ارجوا وخير ما لا ارجو واعوذ بك من شر
ما احذر ومن شر ما لا احذر واین دعا بخوان وبا
درشام هم بخوان بسم الله خير الاسماء بسم الله
رب الارض والسماء بسم الله الذي لا يضر مع اسمه
شيء ولا داء بسم الله اصبحت وعلى الله توكلت بسم الله
على قلبي ونفسي بسم الله على ديني وعقلي بسم الله
على اهلي ومالي بسم الله على ما اعطاني ربي
بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الارض
ولا في السماء وهو السميع العليم الله الله
ربي حقا لا اشرك به شيئا الله اكبر الله اكبر الله اكبر
اعز واجل مما اخاف واحذر عز جارك وجل
ثناؤك وتقدست اسماؤك ولا اله غيرك اللهم

إني أعوذ بك من شر نفسي ومن شر كل سلطان
شديد ومن شر كل شيطان مريد ومن شر كل
جبار عنيد ومن شر قضاء السوء ومن شر كل دابة
انت آخذ بناصيتها إنك على صراط مستقيم وانت
على كل شيء حفيظ إن وليي الله الذي نزل
الكتاب وهو يتولى الصالحين فإن تولوا
فقل حسبي الله الذي لا إله إلا هو عليه توكلت
وهو رب العرش العظيم فسيكفيكهم الله وهو
السميع العليم ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي
العظيم وصلى الله على خير خلقه محمد وآله الطاهرين
این دعارا که مخصوص است بصبح بسم الله وصلى الله على
محمد وآله وأفوض أمري إلى الله إن الله بصير

بالعباد فوقه الله سيئات ما مكروا ولا إله إلا انت
سبحانك إني كنت من الظالمين فاستجبنا له
ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين حسبنا الله
ونعم الوكيل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم
يمسسهم سوء ما شاء الله لا حول ولا قوة إلا
بالله ما شاء الله لا ما شاء الناس ما شاء الله و
إن كره الناس حسبي الرب من المربوبين حسبي الخالق
من المخلوقين حسبي الرازق من المرزوقين
الذي لم يزل حسبي حسبي من كان منذ حسبي
حسبي الله لا إله إلا هو عليه توكلت وهو رب
العرش العظيم پس بو اللهم أصبح ظلمي مستجيرا بعفوك
وأصبحت ذنوبي مستجيرة بمغفرتك وأصبح خوفي

كنت صم

مستجيراً بأمانك وأصبح فقري مستجيراً بغناك
وأصبح ضعفي مستجيراً بقوتك وأصبح وجهي
الفاني مستجيراً بوجهك الباقي يا كائناً قبل
كل شيء ويا كائناً بعد كل شيء صل على محمد وآل
محمد واجعل لي من أمري فرجاً ومخرجاً وارزقني
من حيث أحتسب ومن حيث لا أحتسب بعد از ان
بدست راست ریش خود را بگیر دست چپ را بجانب آسمان
بگشا وبگو هفت بار یا رب محمد وآل محمد صل على
محمد وآل محمد وعجل فرج محمد وآل محمد پس هفت بار
بگو یا رب محمد وآل محمد صل على محمد وآل محمد
وأعتق رقبتي من النار پس بگو یا الله یا رحمن
یا رحیم یا حي یا قیوم برحمتك أستغيث اللهم

أنت ثقتي في كل كربة وأنت رجائي في كل
شدة وأنت لي في كل أمر نزل بي ثقة
وعدة فاغفر لي ذنوبي كلها واكشف همي
وفرج غمي اللهم أغنني بحلالك عن حرامك
وبفضلك عمن سواك پس بگو أصبحت اللهم
معتصماً بذمامك المنيع الذي لا يحاول
ولا يطاول من شر كل غاشم وطارق من سائر
ما خلقت من خلقك الصامت والناطق في
جنة من كل مخوف بلباس سابغة ولاء أهل
بيت نبيك محمد صلواتك عليه وعليهم أجمعين
محتجباً من كل قاصد لي بأذية بجدار حصين
الإخلاص في الاعتراف بحقهم والتمسك

بجبلهم موقنا بان الحق معهم وفيهم وبهم
اوالي من والوا واجانب من جانبوا فصل على
محمد وآل محمد واعذني اللهم بهم من شر كل
ما اتقيه يا عظيم حجزت الاعادي عني ببديع
السموات والارض وجعلنا من بين ايديهم
سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم
لا يبصرون پس بگو واين مخصوص است بصبح الحمد لله
الذي اذهب الليل بقدرته وجاء بالنهار
برحمته خلقا جديدا ونحن في عافية بمنه وجوده
وكرمه مرحبا بالحافظين ومتوجه شو بجانب راست وبگو
وحياكما الله من كاتبين ومتوجه شو بجانب چپ وبگو
اكتبا رحمكما الله بسم الله اشهد ان لا اله الا الله

وحده

وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده و
رسوله واشهد ان الساعة اتية لا ريب فيها
وان الله يبعث من في القبور على ذلك احيى وعليه
اموت وعليه ابعث انشاء الله اقراء محمدا صلى الله
عليه وآله مني السلام پس بگو اللهم صل على محمد
وآل محمد في النهار اذا تجلى وصل على محمد وآل
محمد في الليل اذا يغشى وصل على محمد وآل محمد
في الآخرة والاولى وصل على محمد وآل محمد ما لاح
الجديدان وصل على محمد وآل محمد ما اطرد الخافقان
وصل على محمد وآل محمد ما حدى الحاديان وصل
على محمد وآل محمد ما عسعس ليل وما دلهم
ظلام وما تنفس صبح وما اضاء فجر اللهم اجعل

محمداً خطيب وفد المؤمنين اليك والمكسوا
حلل الامان اذا وقف بين يديك والناطق اذا
خرست الالسن بالثناء عليك اللهم اعل
منزلته وارفع درجته واظهر حجته وتقبل شفاعته
وابعثه المقام المحمود الذي وعدته واغفر له
ما احدث المحدثون من امته بعده اللهم
اني اسئلك موجبات رحمتك وعزائم مغفرتك
والغنيمة من كل بر والسلامة من كل اثم واسئلك
الفوز بالجنة والنجاة من النار اللهم صل على محمد
وآل محمد واجعل لي في صلوتي ودعائي بركة
تطهر بها قلبي وتؤمن بها روعي وتكشف بها كربي
وتغفر بها ذنبي وتصلح بها امري وتغني بها فقري

وتذهب

وتذهب بها ضري وتفرج بها همي وتسلي بها
غمي وتشفي بها سقمي وتؤمن بها خوفي وتجلو
بها حزني وتقضي بها ديني وتجمع بها شملي
وتبيض بها وجهي واجعل ما عندك خيراً لي
عبادان بكو اللهم ولرحمة لا تنال الا منك ولحاجة
لا يقضيها الا انت يا كريم اللهم كما كان من
شانك ما اردتني به من ذكرك والهمتنيه من
شكرك ودعائك فليكن من شانك الاجابة لي
فيما دعوتك والنجاة فيما فزعت اليك منه فان لم
اكن اهلاً ان ابلغ رحمتك اهل ان تبلغني و
تسعني لانها وسعت كل شيء وانا شيء فلتسعني
رحمتك يا مولاي این دعا را بجوان بگریه واگر گریه نیاید

إني أدعوك لهمّ لا يفرّجه غيرك صح

فإن رحمتك صح

اوازاخال کند کر کویا کریه میکیی الهی ان ذنوبی وکثرتها
قد غبرت وجهی عندک وحجبتنی عن استیهال
رحمتک وباعدتنی عن استیجاب مغفرتک ولولا
تعلقی بآلائک وتمسکی بالرجاء لما وعدت امثالی
من المسرفین واشباهی من الخاطئین بقولک
یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا
من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا انه هو
الغفور الرحیم وحذرت القانطین من رحمتک
فقلت ومن یقنط من رحمة ربه الا الضالون
ثم ندبتنا برحمتک الی دعائک فقلت ادعونی
استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی
سیدخلون جهنم داخرین الهی لقد کان ذل

الایاس علی مشتملا والقنوط من رحمتک بی
ملتحقا الهی قد وعدت المحسن ظنه بک ثوابا
واوعدت المسیء بک ظنه عقابا اللهم وقد
اسبل دمعی حسن الظن بک فی عتق رقبتی
من النار وتغمد زللی واقالة عثرتی وقلت و
قولک الحق الذی لا خلف فیه ولا تبدیل یوم
ندعوا کل اناس بامامهم اللهم انی اقر واشهد
واعترف ولا اجحد واسر واظهر واعلن و
ابطن بانک انت الله الذی لا اله الا انت وحدک
لا شریک لک وان محمدا عبدک ورسولک
وان علیا امیر المؤمنین وسید الوصیین و
وارث علم النبیین وقاتل المشرکین وامام المتقین

ومجاهد الناكثين والقاسطين والمارقين
امامي وحجتي وصراطي ودليلي ومحجتي ومن
لا اثق بالاعمال وان زكت ولا اراها
منجية وان صلحت الا بولايته والايتمام
به والاقرار بفضائله والقبول من حملتها و
التسليم لرواتها اللهم واقر باوصيائه من
ابنائه ائمة وحججا وادلة وسرجا واعلاما
ومنارا وسادة ابرارا وادين بسرهم وجهرهم
وباطنهم وحيهم وميتهم وشاهدهم وغائبهم
وظاهرهم
لا شك في ذلك ولا ارتياب ولا تحول عنه ولا
انقلاب اللهم فادعني يوم حشري وحين نشري
بامامتهم واحشرني في زمرتهم واكتبني في اصحابهم

وانقذني

وانقذني بهم يا مولاي من حر النيران فانك ان اعفيتني
منها كنت من الفائزين اللهم وقد اصبحت في يومي
هذا لا ثقة لي ولا مفزع ولا ملجا غير من توسلت
بهم اليك من آل رسولك علي وفاطمة والحسن
والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي
ومحمد وعلي والحسن ومحمد صلواتك عليهم اجمعين
اللهم فاجعلهم حصني من المكاره ومعقلي من
المخاوف ونجني بهم من كل عدو طاغ وفاسق باغ
ومن شر ما اعرف وما انكر وما استتر علي وما ابصر
ومن شر كل دابة ربي آخذ بناصيتها ان ربي على
صراط مستقيم اللهم بوسيلتي اليك بهم وتقربي
بمحبتهم افتح علي ابواب رحمتك ومغفرتك وحببني

الى خلقك وجنبني عداوتهم وبغضهم انك على
كل شيء قدير اللهم ولكل متوسل ثواب ولكل
ذي شفاعة حق فاسئلك بمن جعلتهم اليك
سببي وقدمتهم امام طلبتي ان تعرفني بركة
يومي هذا وشهري هذا وعامي هذا اللهم
فهم معولي في شدتي ورخائي وعافيتي وبلائي
ونومي ويقظتي وظعني واقامتي وعسري و
يسري وصباحي ومسائي ومنقلبي ومثواي
اللهم ولا تخلني بهم من نعمتك ولا تخيبني
بهم من نائلك ولا تقطع رجائي من رحمتك
ولا تفتني باغلاق ابواب الارزاق وانسداد
مسالكها وارتتاج مذاهبها وافتح لي من لدنك

فتحا يسيرا واجعل لي من كل ضنك مخرجا والى كل
سعة منهجا برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم و (اجعل)
الليل والنهار مختلفين علي برحمتك ومعافاتك
ومنك وفضلك ولا تفقرني الى احد من خلقك
برحمتك يا ارحم الراحمين انك على كل شيء قدير
وبكل شيء محيط اللهم اني اسئلك يا مدرك (وبعد از ان بگويد)
الهاربين ويا ملجا الخائفين ويا صريخ المستصرخين
ويا غياث المستغيثين ويا منتهى غاية السائلين
ويا مجيب دعوة المضطرين يا ارحم الراحمين يا الله
يا رباه يا عزيز يا حكيم يا غفور يا رحيم يا قاهر يا عليم
يا سميع يا بصير يا لطيف يا خبير يا قهار يا جبار يا
رحمن يا منان يا سبوح يا قدوس يا مبدئ يا بهي

يا باعث يا وارث يا فارج الهم يا كاشف الغم
يا منزل الحق يا قائل الصدق يا ذا البلاء الجميل
والطول العظيم يا معروفا بالاحسان ويا موصوفا
بالامتنان يا من قصرت عن وصفه السن الواصفين
وانقطعت عنه افكار المتفكرين يا شاهد النجوى
يا كاشف الغم ودافع البلوى يا نعم النصير والمولى
يا منعم يا مفضل يا محسن يا مجمل يا من لا يشغله
صغير عن كبير ولا حقير عن خطير يا من بدا بالنعمة عن هم
قبل استحقاقها وبالفضيلة قبل استيجابها يا
احق من عبد وحمد ورجي واعتمد اسئلك
بكل اسم مقدس مطهر مكنون اخترته لنفسك وكل
ثناء عال رفيع كريم رضيت به مدحة لك وبحق
كل

كل ملك قربت منزلته عندك وبحق كل نبي
ارسلته الى عبادك وبحق كل شيء جعلته
مصدقا لرسلك وكل كتاب فصلته واحكمته
وشرعته وكل دعاء سمعته فاجبته وعمل رفعته
واسئلك بكل من عظمت حقه واعليت
عظمت
قدره وعرفتنا امره ومن لم تعرفنا مقامه ولم
تظهر لنا شانه ممن خلقته من اول ما ابتدات
به خلقك وممن تخلقه الى انقضاء الدهر
واسئلك بتوحيدك الذي فطرت عليه
العقول واخذت به المواثيق وارسلت به
الرسل وجعلته اول فروضك ونهاية طاعتك
واتوجه اليك بجودك ومجدك وكرمك وعزك

وجلالك وعفوك وامتنانك وتطولك وا
يا الله يا الهه يا الهه يا رباه يا رباه يا رباه وار
اليك خاصا وعاما واولا واخرا بحبيبك ور
محمد سيد المرسلين واشرف الاولين والاخرين
وبالرسالة التي اداها والعبادة التي اجتهد
فيها والمحنة التي صبر عليها والمغفرة التي دعا
اليها والديانة التي حض عليها منذ وقت
رعالتك اياه الى ان توفيته وبما بين ذلك
من اقواله الحكيمة وافعاله الكريمة ومقاماته
المشهودة وساعاته المعدودة ان تصلي عليه
كما وعدته من نفسك وتعطيه افضل ما امل
من ثوابك وتزلف لديك منزلته وتعلي

عندك درجته وتبعثه المقام المحمود وتر
حوض الكرم والجود وعلى آله الطيبين
الاطهار المنتجبين الابرار وعلى جبرئيل
وميكائيل والملائكة المقربين وجميع الانبياء
والمرسلين والشهداء والصالحين اللهم
اني اصبحت لا املك لنفسي ضرا ولا نفعا ولا
موتا ولا حيوة قد انقطعت وسائلي وذهبت
مسائلي وخذل ناصري واسلمني اهلي وولدي
اللهم وقد اكدى الطلب واعيت الحيل
الا عندك وانقطعت الطرق وضاقت المذا هب
الا اليك ودرست الآمال وانقطع الرجاء
الا منك وكذب الظن واخلفت العدات الا عدتك

اللهم ان مناهل الرجاء لفضلك مترعة
وابواب الدعاء لمن دعاك مفتحة والاستعانة
لمن استعان بك مباحة والاستغاثة لمن
استغاث بك موجودة وانت لداعيك بموضع
الاجابة وللصارخ اليك ولي الاغاثة وللقاصد
اليك قريب المسافة وانت لا تحتجب عن خلقك
الا ان تحجبهم الاعمال السيئة وقد علمت ان
افضل زاد الراحل اليك عزم ارادة واخلاص
نية وقد دعوتك بعزم ارادتي واخلاص
نوبتي وصادق نيتي فها انا ذا مسكينك
بائسك اسير ضرك فقرك سائلك منيخ بفنائك
قارع باب رجائك وانت اولى بنصر الواثق بك

وانى

واحق برعاية المنقطع اليك سري لك مكشوف
وانا اليك ملهوف اذا اوحشتني الغربة آنسني
ذكرك واذا اصبت على الامور استجرت بك واذا
تلاحكت على الشدائد املتك واين يذهب بي
يا رب عنك وازمة الامور كلها بيدك صادرة
عن قضائك مذعنة بالخضوع لقدرتك ففقير
والى عفوك ذات فاقة الى رحمتك وقد مسني
الفقر ونالني الضر وشملتني الخصاصة وعرتني
الحاجة وتوسمت بالذلة وعلتني المسكنة وحقت
على الكلمة واحاطت بي الخطيئة وهذا الوقت
الذي وعدت اولياءك فيه الاجابة فامسح
ما بي بيمينك الشافية وانظر الي بعينك الراحمة

وادخلني في رحمتك الواسعة واقبل عليّ بوجهك
ذي الجلال والاكرام فانك اذا اقبلت بِرٍّ على ضالٍّ
هديته وعلى جائرٍ آويته وعلى ضعيفٍ قويته و
على خائفٍ آمنته اللهم انك انعمت عليّ فلم
اشكر وابتليتني فلم اصبر فلم يوجب عجزي عن شكرك
منع المؤمّل من فضلك واوجب عجزي عن الصبر
على بلائك كشف ضرّك وانزال رحمتك فيا من
قلّ عند نعمائه شكري فاعطاني اسئلك المزيد
من فضلك والايزاع لشكرك والاعتداد بنعما ئك
في اعفى العافية واسبغ النعمة انك على كل شيءٍ
قدير اللهم لا تخلني من يدك ولا تتركني
لقا لعدوك ولا لعدوي ولا تو حشني من لطا ئفك

الخفية

الخفية وكفاياتك الجميلة هذا مقام العائذ
بك اللائذ بعفوك المستجير بعز جلالك قد رأى
اعلام قدرتك فأره آثار رحمتك اللهم نوّلني
ولا تمنعني بها عن سواها واعطني عطية
لا احتاج الى غيرك معها فانها ليست ببدع
من ولايتك لا ينكر من عطيتك ادفع الضرّ عنّي
وانعش السقطة وتجاوز عن الزلة واقبل
التوبة وارحم الهفوة وانج من الورطة واقل
العثرة يا منتهى الرغبة وغياث الكربة وولي
النعمة وصاحبا في الكربة ورحمن الدنيا
والآخرة خذ بيدي من دحض المزلة فقد كبوت
وثبتني على الصراط المستقيم والا غوت باها دي

الطريق يا فارج المضيق يا جاري اللصيق
يا ركني الوثيق احلل عني المضيق واكفني شر
ما اطيق وشر ما لا اطيق يا اهل التقوى واهل
المغفرة والعزة والقدرة والآلاء والعظمة
يا ارحم الراحمين واكرم الناظرين ورب
العالمين لا تقطع منك رجائي ولا تخيب
دعائي ولا تجهد بلائي ولا تسئ قضائي
ولا تجعل النار ماواي واجعل الجنة مثواي
واعطني من الدنيا مناي وبلغني من الآخرة
املي ورجائي وآتني في الدنيا حسنة وفي
الآخرة حسنة وقني عذاب النار انك على
كل شيء قدير وبكل شيء محيط بعد از آن دعای

صباح

صباح امام زین العابدین علیه السلام در صحیفهٔ کامله مذکور است

الحمد لله الذي خلق الليل والنهار بقوته وميز
بينهما بقدرته وجعل لكل واحد منهما حدا
محدودا وامدا ممدودا يولج كل واحد
منهما في صاحبه ويولج صاحبه فيه بتقدير
منه للعباد فيما يغذوهم به وينشئهم عليه
فخلق لهم الليل ليسكنوا فيه من حركات التعب
ونهضات النصب وجعله لباسا ليلبسوا
من راحته ومنامه فيكون ذلك لهم جماما
وقوة ولينالوا به لذة وشهوة وخلق لهم
النهار مبصرا ليبتغوا فيه من فضله و
ليتسببوا
الى رزقه ويسرحوا في ارضه طلبا لما فيه

نيل العاجل من دنياهم ودرك الآجل في اخراهم
بكل ذلك يصلح شأنهم ويبلو اخبارهم
وينظر كيف هم في اوقات طاعته ومنازل
فروضه ومواقع احكامه ليجزي الذين
اساؤا بما عملوا ويجزي الذين احسنوا
بالحسنى اللهم فلك الحمد على ما فلقت لنا
من الاصباح ومتعتنا به من ضوء النهار
وبصرتنا به من مطالب الاقوات ووقيتنا
فيه من طوارق الآفات اصبحنا واصبحت
الاشياء كلها بجملتها لك سماؤها وارضها
وما بثثت في كل واحد منهما ساكنه ومتحركه
وشاخصه ومقيمه وما علا في الهواء وما كن

تحت الثرى اصبحنا في قبضتك يحوينا
ملكك وسلطانك وتضمنا مشيتك و
نتصرف عن امرك ونتقلب في تدبيرك ليس
لنا من الامر الا ما قضيت ولا من الخير الا
ما اعطيت اللهم وهذا يوم حادث جديد
وهو علينا شاهد عتيد ان احسنا ودعنا
بحمد وان اسانا فارقنا بذم اللهم صل على
محمد وآله وارزقنا حسن مصاحبته واعصمنا
من سوء مفارقته بجريرة او اقتراف صغيرة
او كبيرة واجزل لنا فيه من الحسنات واخلنا
فيه من السيئات واملأ لنا ما بين طرفيه
حمداً وشكراً واجراً وذخراً وفضلاً واحساناً

بارتكاب

اللهم يسر على الكرام الكاتبين مؤونتنا واملأ
لنا من حسناتنا صحائفنا ولا تخزنا عندهم
بسوء اعمالنا اللهم اجعل لنا في كل ساعة
من ساعاته حظا من عبادك ونصيبا من
شكرك وشاهد صدق من ملائكتك
اللهم صل على محمد وآله واحفظنا من
بين ايدينا ومن خلفنا وعن ايماننا وعن شمائلنا
ومن جميع نواحينا حفظا عاصما من معصيتك
هاديا الى طاعتك مستعملا لمحبتك
اللهم صل على محمد وآله ووفقنا في يومنا هذا
وليلتنا هذه وفي جميع ايامنا لاستعمال الخير
وهجران الشر وشكر النعم واتباع السنن ومجانبة

البدع

البدع والامر بالمعروف والنهي عن المنكر وحياطة
الاسلام وانتقاص الباطل واذلاله ونصرة الحق
واعزازه وارشاد الضال ومعاونة الضعيف و
ادراك اللهيف اللهم صل على محمد وآله واجعله
ايمن يوم عهدناه وافضل صاحب صحبناه وخير
وقت ظللنا فيه واجعلنا من ارضى من مر عليه الليل
والنهار من جملة خلقك اشكرهم لما اوليت من نعمك
واقومهم بما شرعت من شرائعك واوقفهم عما حذرت ت ح
من نهيك اللهم اني اشهدك وكفى بك شهيدا واشهد شهد صح
سمائك وارضك ومن اسكنتهما من ملائكتك و
سائر خلقك في يومي هذا وساعتي هذه وليلتي هذه
ومستقري اني اشهد انك انت الله الذي لا اله الا هذا صح

قائماً بالقسط عدلاً بالحکم رؤفاً بالعباد مالک
الملک رحیماً بالخلق وان محمداً عبدک ورسولک
وخیرتک من خلقک حملته رسالتک فاداها
وامرته بالنصح لامته فنصح لها اللهم فصل علی
محمد وآله اکثر ما صلیت علی احد من خلقک و
آته افضل ما آتیت احداً من عبادک واجز
عنا افضل واکرم ما جزیت احداً من انبیائک
عن امته انک انت المنان بالجسیم الغافر للعظیم
وانت ارحم من کل رحیم وصلی الله علی سیدنا
ونبینا محمد وآله الطیبین الطاهرین الاخیار
الانجبین بدانکه دعاها وذکرها که وارد است از اصحاب
عصمت سلام الله علیهم در تعقیب نمازها بسیار است خصوصاً

نماز صبح وازانجا نهایت اختصار شده باینها بدانکه انچه مذکور است
انجا از تعقیبها ماخوذ است از روایات بسیار وجمیع اینها در یک
روایت نیست پس اگر کسی را کاری باشد بعضی را ترک کند
وهر گاه که نفس را ماندگی شود ودل را توجهی نبایستد قطع کند
زیرا که توجه واقبال دل روح عبادت ودعاست وسنت است
نشستن در جای نماز بعد از نماز صبح تا برآمدن آفتاب
اگرچه مشغول بتعقیب نباشد روایت شده که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام فرموده کسی که بنشیند در جای نمازش تا طلوع
آفتاب آن نشستن ساتر باشد برای او از آتش وسنت است
بعد از تعقیب خواندن سورهٔ یس زیرا که خوانندهٔ آن در
صباح دایم محفوظ است ومرزوق است تا شام کند وازا سورهٔ
واقعه می خوانند زیرا که دفع میکند از خوانندهٔ خود هر شری را

وقاضیه میگویند زیرا که برجمی آرد برخواننده خود مرحاجتی را
توضیح اهدنی من عندک مکفت که مراد بهدایت
رسانیدن بمطلوب باشد که فایز شدن بهشت یا دلالت
کردن بچیزی که برساند بمطلوب مثل زائل کردن علائق
جسمانی و برداشتن پردهای عوائق هیولانی و تعقل اسرار
جلالی و مطالعه انوار جمالی وقدرتك التي لا يمتنع منها
شيء اشاره است بانکه ممتنع را شیء نمیگویند و لا تزغ قلبي
مشتق است از زیغ که میل است از راه حق یعنی از من بر طرف
مساز توفیق باقی بودن بر هدایت را فجأة بضم فا و بعد واقع
شدن چیزیست یکبار بی خبر نقمة بفتح نون بر وزن کلمة و بکسر نون
بر وزن نعمة بمعنی عقابست ومن درك الشقاء درك بتحریك
اطلاق میشود بر مکان و طبقات آتش درکات و طبقات بهشت درجات

وکاهی اطلاق میکنند بر عقاب بمعنی ومن يعنيني امره بعين بی نقطه
و یای دو نقطه تحتانی میان دو نون بمعنی اهتمامست بچیزی بالله
الاحد الصمد چنانکه از لفظ الله مراد ذاتیست که مستجمع باشد جمیع
صفات کمال را که صفات ثبوتیست همچنان مراد بلفظ احد ذاتیست مستجمع
جمیع صفات جلال که صفات سلبیست زیرا که واحد حقیقی آنست
که منزه باشد ذاتش از ترکیب ذهنی و خارجی واز تعدد و آنچه لازم داشته
باشد یکی از اینها را مثل جسمیت و متحیز بودن و شریک داشتن خواه
در حقیقت ذات باشد و خواه در لوازم ذات مثل وجوب وجود
ذات و قدرت ذاتی و حکمت تامه و صمد کسی است که مرجع و معتمد
باشد در حوائج و کفو بمعنی مثل است اول سوره اخلاص دالست بر
احدیت الهی و آخرش بر واحدیت برب الفلق فلق بمعنی
شکافته شدن است و آنچه از چیزی بشکافتن برارند و این عامست

شکافته

جمیع ممکنات زیرا که حضرت عزّ شانه از ظلمت عدم همه بنور ایجاد
غاسق شب سیاه و تاریک را گویند و وقب یعنی فرو رفته و داخل
شد تاریکی آن در هر چیزی وَمِن شَرِّ النَّفّاثاتِ فِی العُقَدِ نفوس یا زنان
ساحره که گره میکنند ریسمانها را و بر آن نفس میدمند بدانکه مذهب اثنا عشریه
آنست که سحر در حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله کارگر نکرده و امر آنحضرت
در این سوره باستعاذه از سحر زنان ساحره دلالت نمیکند بر تاثیر
سحر در آن حضرت صلی الله علیه و آله بلکه از مقوله رَبَّنا لا تُؤاخِذنا
إن نَسِینا أو أخطَأنا و اما آنچه مخالفین نقل کرده اند که سحر در آنحضرت
اثر کرده چنانکه روایت کرده بخاری یا مسلم که حضرت پیغمبر را
سحر کردند حتی آنکه آنحضرت را خیال شده که کار نکرده را کرده
پس این از دروغهاست پس اگر این نقل راست باشد لازم
آید که سخن کفار إن تَتَّبِعونَ إلّا رَجُلاً مَسحوراً راست

باشد



باشد و عذری که مخالفین خواسته اند که مراد از این آیه
سحر نیست که باعث جنون باشد عذر نیست واهی و بیمعنی
زیرا که اثری که ایشان نقل کرده اند کم از جنون نیست
خَنّاس آنست که چون ذکر خدا کنند پس رود و برگردد و تفسیر
فانه در خاتمه مذکور میشود لا تَأخُذُهُ سِنَةٌ وَلا نَوم
سنه حالتیست و فتوری و سستی که پیش از خواب دست میدهد
و تقدیم آن بر نوم در اینجا با آنکه قیاس در نفی ترقی از اعلاست
با دنی بعکس اثبات بجهت تقدم اوست بر خواب بالطبع
با آنکه مراد نفی حالتیست که مرکب از این دو است چنانکه حیوان
وَلا یَؤُدُهُ حِفظُهُما یعنی از نگاه داشتن آسمانها و زمین سنگینی
و تعبی ندارد و طاغوت شیطانست یا هرچه غیر از خدا عبادت کنند
یا چیزی که منع کند از عبادت خدای تعالی لا انفِصامَ لَها

یعنی نیست پاره شدن او را ثُمَّ اسْتَوَىٰ یعنی مستولی
و متوجه خلق عرش شد يُغْشِي یعنی می پوشاند يَطْلُبُهُ حَثِيثًا
مشتق است از حث یعنی در عقب آن دیگر است بسرعت
گویا که یکی از شب و روز طلب میکند آن دیگر را بسرعت
وَالشَّمْسُ وَالنُّجُومُ بنصب عطف است بر السَّمٰوَاتِ و
مُسَخَّرَاتٍ بنصب حالست از اینها و برفع الشَّمْسُ وَالنُّجُومُ
مبتدا است و مُسَخَّرَاتٌ خبر تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً یعنی در حالی
که زاری مخفی کنید زیرا که دعای پنهان افضلست إِنَّهُ
لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ یعنی دوست نمیدارد خدا تجاوز
کننده گان را از حد و تفسیر کرده اند بطلب کننده گان چیزی
که ایشان لایق آن نیستند رتبه انبیا و تفسیر کرده اند بفریاد
کردن در دعا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا یعنی دعا کنید

درحالتی

در حالتی که ترس ناک باشید از خدا بجهت قصور اعمال و طمع
اجابت داشته باشید بجهت بسیاری رحمت و وفور کرم الهی
مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي یعنی سیاهی باشد برای نوشتن
کلمات علم و حکمت خدا تعالی لَنَفِدَ الْبَحْرُ یعنی هر آینه تمام شود
و هیچ از او باقی نماند وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا یعنی اگرچه بیاریم
مثل آن دریا زیادتی و معونتی فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ
یعنی کسی که امیدوار است نیکو راجع شدن بخدا در روز قیامت
وَالصَّافَّاتِ بعضی تفسیر کرده اند بملایکه که صف میزنند در مقام
عبودیت هر یکی در مرتبه خود وَالزَّاجِرَاتِ را بفرشتها که زجر میکنند
اسمانها و زمینها را بانچه اراده الهی ست از اینها وَالتَّالِيَاتِ را
بفرشتها که ایات خدا تعالی را میخوانند بر پیغمبران و بعضی تفسیر
کرده اند بعلما که صف میزنند در عبادت و منع میکنند از کفر



وفسوق براهین ونصایح ومیخوانند ایات وشرایع الهی وبعضی
تفسیر کرده بنفوس جهاد کننده کان که صف میزنند در محل جنگ
وزجر میکنند اسپهارا یا دشمنان را ومیخوانند ذکر الهی او احکام
ایات را مشغول نمیسازد از ذکر وَرَبُّ الْمَشَارِقِ یعنی پروردگار
مشرقها آفتاب یا مشرقهای کواکب اِنَّا زَیَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا
یعنی ما زینت داده ایم اسمان که نزدیکست وپایین تراست بِزِينَةٍ
الْكَوَاكِبِ اضافه زینت بکواکب بیانیست ودر قرائتی که زینةٍ
بتنوین میخوانند کواکب بدلست از زینة وانچه مشهور است
که جمیع ستارهای ثوابت مرکوز است در فلک هشتم وهر یک
از ستارهای سبع سیاره را فلکیست دلیلی برین قایم نیست
ولکن در فلک قمر ستاره چند باشند واقع در غیر ممر سیارات
وممر ثوابتی که رصد کرده اند دلیلی بر امتناع ان نیست واگر ثابت

شود مدفوع نمیکند در بودن فلک قمر باین اجرام نورانی زیرا که
اینها همه در فلک قمر دیده میشود اگرچه در بالاتر باشند وَحِفْظًا
مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ حفظاً منصوبست که مفعول له
باشد ودلالت میکند بر علت کلام سابق ما کردانیدیم ستارها را
وحفظ ومارد بیرون رونده است از طاعت لَا يَسَّمَّعُونَ
اِلَى الْمَلَإِ الْاَعْلَى جمله ایست مستانفه جهة بیان حال ایشان
بعد از حفظ ونه صفت شیاطینی که مفهوم میشود از مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ
زیرا که حفظ نمی باشد از کسی که نمی شنود وملاء اعلی فرشتهانید
که ساکنند در بالاها وملاء اسفل انس وجن اند که ساکنند در زمین
ومتعدی ساختن يَسَّمَّعُونَ بالی بنابر قراءت تخفیف ونزد تشدید
تضمین معنی اصغاست برای مبالغه در نفی آن وَيُقْذَفُونَ
مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا یعنی انداخته میشود بر ایشان از هر جانب

از اطراف آسمان ایشان که قصد کنند برای گوش کردن وَدُحُورًا
مفعول له است یعنی انداخته میشود برای ایشان یا مفعول
مطلق است زیرا که معنی دحورا و یکیست بمعنی قذف وَلَهُمْ
عَذَابٌ وَاصِبٌ یعنی ایشان را عذاب سخت است در آخرت
إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ استثناست از فاعل یسمعون
یعنی مگر کسی از شیاطین که از کلام ملائکه چیزی بطریق دزدی
بشنود فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ یعنی در عقب او میدود
شهابی سوراخ کننده گویا که میشکافد هوا را بر روشنی و
شهاب آنست که عوام گویند ستاره ریخت و اکثر طبیعیون
خیال کرده اند که بخاریست با دهنیت و چربی است از زمین
بالا میرود و تا کره آتش انجا آتش در او میگیرد پس این ثابت
نشده و اگر صحیح باشد منافاتی ندارد با آیه کریمه بر آن دلالت

میکنند

میکنند و آیه إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا
رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ زیرا که شهاب و مصابیح را اطلاق
میکنند بر چیزی که شعله دار باشد و هرچه در بالا شعله کشد زینت
آسمانست و دور نیست که در آن وقت خدای تعالی آن بخار دهنی را
بالا فرستد برای سوختن شیاطین پس آتش در او گیرد
و بسوزاند و خلق شیاطین محض نیست چنانکه خلق آدم از خاک
از آتش صحه
محض نیست پس سوختن شیاطین با آتشی که قوی تر است از آتش
او ممکنست و شاید که شیاطین کلام ملائکه را نشنوند مگر وقتی که
بنزدیک کره آتش رسند پس چون شیاطین آنجا گوش کند و خواهد
که پائین آید شهاب باو برسد و او را بسوزاند لهذا خدای تعالی
تعبیر کرده از رسیدن شهاب باو بتابع شدن که بمعنی از پی
رفتن است إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا یعنی اگر خواهید و استطاعت

باشد شما را که بیرون روید از اطراف آسمانها و زمین و
بگریزید از خدا پس بیرون روید از آنها لَا تَنفُذُونَ إِلَّا
بِسُلْطَانٍ جمله است علیحده یعنی قدرت ندارید بر بیرون
رفتن از آنها مگر بقوتی تمام و آن قدرت کجاست شما را
و سلطان مصدر است مثل غفران بمعنی مسلط بودن چنانکه
در آیه قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا
یعنی کسی که کشته شود بظلم پس بتحقیق که ما گردانیده ایم برای
ولی او تسلطی بر قصاص یا گرفتن دیت شُوَاظٌ یعنی
زبانه آتش و نحاس برفع عطف است بر شواظ و بجر عطف است
بر نَارٍ یعنی دخان یا مسمی که گداخته که ریخته شود بر سرهای ایشان
فَلَا تَنتَصِرَانِ یعنی منع کرده نشوید از آن خَاشِعًا یعنی
یعنی شق شونده و غرض سرزنش خواننده است بر خشوع نکردن
نزد قرائت

نزد قرائت قران بواسطه قساوت قلب و کم فکر کردن در معانی
آن عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ یعنی عالمست بانچه از حس
غایب باشد و آنچه حاضر باشد یا عالمست بسر و علانیه یعنی
یعنی پنهان و آشکارا الْقُدُّوسُ یعنی در نهایت و غایت
پاکیزه گی است از چیزی که موجب نقص باشد السَّلَامُ مصدر
و وصف بآن برای مبالغه است و مراد سالم از جمیع نقصها
و بهشت را دار السلام میگویند بجهة آنکه سکان او سالمند
از آفتی یا بجهت آنکه خوانه خداست یعنی سالم الْمُؤْمِنُ
بخشنده امن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست
که خدایتعالی را مؤمن نامست برای آنکه امن میکند از عذاب
کسی را که اطاعت او کند الْمُهَيْمِنُ یعنی مطلع و نگاه دارند
هر چیز الْعَزِيزُ یعنی هیچ چیز عدیل و مثل او نیست یا غالب

که هرگز مغلوب نگردد وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ یعنی غلبه کرد
بر من در خطاب و تکلم الْجَبَّارُ الکسی که جبر و قهر میکند
خلق را بر بعضی چیزها که ایشانرا در ان اختیار نیست و
قدرت بر تغیر ان ندارند یا انکه جبر و اصلاح حال میکند
الْمُتَکَبِّرُ یعنی صاحب کبریاست از نقص و محتاج بودن
الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ یعنی را ظنست که هر سه
یک معنی دارند زیرا که همه بمعنی ایجاد و انشا اند پس ذکر
برای تاکید است و اینچنین نیست بلکه هر یک را معنی است
چنانکه بناها محتاج اند بطول و عرض و بگذاشتن سنگها و
چوبها بر نهجی خاص و بزینت دادن و نقش و صورت کردن
پس این سه امر از خدای تعالی میشود در ایجاد خلایق از کتم
عدم پس خدای تعالی را باعتبار هر یک نامیست برین ترتیب

یسبح

يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ یعنی تسبیح میکنند برای
خدای تعالی انچه در اسمانهاست و انچه در زمین است و این تسبیح
یا بزبان حالست زیرا که هر ذره از موجودات ندا میکند بزبان
حال بر وجود صانعی حکیم واجب لذاته و یا بزبان قالست و
این در ذوی العقول ظاهرست و اما حیوانات پس فرقهٔ عظیم
از علما را مذهب اینست که هر طایفه از حیوانات تسبیح پروردگار
خود میکنند بلغت و اواز خود بر این حمل کرده اند قول خدای تعالی
وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا
أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ یعنی هیچ جنبنده نیست در زمین و هیچ پرنده
که می پرد بپرهای خود که انها اند مثل شما و اما غیر حیوانات از
جمادات پس جماعتی بسیار را مذهب اینست که انها را هم
تسبیحی زبانی هست و موید اورده اند وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ

إِلّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ يعني هيچ چيز نيست مگر كه تسبيح خدا ميكند
وحال انكه متلبس است بحمد خدا وگفته اند اگر مراد تسبيح حالي باشد
بحاجت قول خدا تعالى وَلَكِن لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ
بتاويل ود ذكر كرده اند كه اعجاز در تسبيح سنگ ريزه در كف
پيغمبر صلى الله عليه وآله از جهت نفس تسبيح نيست بلكه شنوانيدن
اصحابست والا سنگ ريزها همه در تسبيح خوانيد اَن
تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا آمِنًا يعني انكه بيرون بري مرا از دنيا
ايمن از گناهها كه در ميان من و تو است بانكه توفيق توبه
دهي پيش از مردن واز ان گناهها كه ميان من وخلق است
بانكه توفيق دهي كه پيش از مرگ خود را از انها خلاص
سازم وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ سَالِمًا وداخل سازي مرا در
بهشت در حالي كه مرا سلامت داشته باشي از عقاب

بانكه از من عفو كني ومراد اخل بهشت سازي واين جمله تاكيد
سابقست وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ مراد بحول قدرتست
يعني قدرتي بر چيزي وقوتي نيست مگر بمدد كاري خدا تعالى
ودر كتاب توحيد ابن بابويه روايت كرده از حضرت امام
محمد باقر عليه السلام كه اينجا بمعنى انتقالست يعني برگشتن
از معصيت ومنتقل شدن نيست مگر بعون الهي وقوتي
بر طاعت نيست مگر بتوفيق سبحاني وَاكْشِفْ هَمِّي وَفَرِّجْ
غَمِّي فرق ميان هم وغم انست كه هم چيزيست كه قادر باشد
ادمي بر زايل كردن ان نباشد چون مردن فرزند وبعضي
گفته اند كه هم پيش از نزول مِن شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ يعني تعدي
كننده وَطَارِقٍ يعني واقع شونده در شب [illegible]
بسيار اطلاق ميكنند بر جاد وناطق بر حيوان اگر چه حيواني

مثل افلاس وغم انكه قدرت
بر زايل كردن ان صح



بی زبان باشد در قول عرب فلانٌ لا یملکُ صامتًا
ولا ناطقًا یعنی مالک هیچ چیز نیست و قول فقها الزکوة
فی الناطقِ والصامتِ وجایز است اینجا مراد بناطق
معنای مشهور باشد بدیعُ السمواتِ والارضِ از قبیل
حسنُ الغلام است یعنی آسمانها و زمین بدیعند یعنی بی
نظیرند و ممکنست که مراد مبدع باشد یعنی موجد چیزی
بی مثل سابق ما الاح الجدیدانِ یعنی مادام که ظاهراند
شب و روز وما اطردَ الخافقانِ یعنی مادام که مشرق
و مغرب باقیند وما حدی الحادیانِ یعنی مادام که رانند
مردم را شب و روز گویا که شب و روز مردم را می رانند
تا قبور مثل کسی که شتر را میراند ما عسعسَ لیلٌ
بمعنی اقبل و ادبر است یعنی مادام که شب بیاید و برود

وما

وما ادلهمّ ظلامٌ یعنی مادام که شب سخت تاریک
و تنفّسَ صبحٌ یعنی که مادام که صبح ظاهر شود و تعبیر کرده
بنفس زدن بجهة وزیدن نسیم نزد صبح پس گویا که نفس زده
خطیبُ وفدِ المؤمنینَ خطیب قوم در لغت بزرگ
ایشانست که مخاطبه و مکالمه میکند با سلطان در حوایج
ایشان و وفد اینجا بمعنی گروه و جماعتست المکسوُّ حُللَ
الامانَ یعنی پوشانیده شده حلهای امان از آتش زیرا
که خدا تعالی میفرماید ولسوفَ یعطیکَ ربُّکَ فترضیٰ
یعنی زود باشد که عطا کند بتو پروردگار تو چندانکه تو راضی
شوی و حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله راضی نمیشود بدخول
یکی از امتش در دوزخ چنانکه در حدیث وارد است ٥
وحُلَلَ الامانِ استعاره است و ذکر کسوه ترشیح ٥

وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ یعنی امر شهایی که بر خود واجب کرده

فیما فرغتم الیک مینه یعنی در چیزی که الفاکر دم بتو از آن رە است

قَدْ عَفَّرْتُ وَجْهِي یعنی غبار آلوده کرده روی مرا و کلام استعا

وَلَوْلا تَعَلُّقِي جواب لکان لاتقنطوا یعنی مایوس نشوید لولا

نَدَبْتَنا یعنی مارا دعوت کرده بود آخرین یعنی دلیل و گواهی

قَدْ أَسْبَلَ دَمْعِي حُسْنُ الظَّنِّ بِكَ اسبال اشک جاری

کردنست یعنی مرا بگریه آورده حسن ظن من بعفو تو از گناه

کاران اگرچه گناهشان عظیم باشد و خطاشان بسیار اگر کسی

گوید که حسن ظن موجب خوشحالیست وابتهاج نه باعث گریه

گوئیم مراد گریه است که از غایت خوشحالی باشد وَتُعَمِّدُ

ذَلَّتِي یعنی بپوشانی بعفو و مغفرت لغزش مرا وَاِقالَةِ

عَثْرَتِي یعنی مسامحه کنی و بگذری از گناه من وَمُجاهِدِ

النّاكِثِينَ یعنی جهاد کننده شکنندگان بیعت لشکر جمل

باشند و سرداران ایشان که بیعت حضرت امیر علیه السلام را

شکستند وَالقاسِطِينَ یعنی عدول کنندگان که معاویه

و لشکر او باشند که از حضرت امیر سلام الله علیهم عدول کردند

و قسوط عدولست از حق وَالمارِقِينَ مراد خارجیانند که

از دین بیرون رفتند چنانکه تیر از کمان بیرون رود چنانکه

در حدیث امامی خبر آن است و سابقش همه صفت

امیر المؤمنین و مراد اینجا ثبوتست نه حدوث پس صحیحست

که اینها صفت معرفه باشند مثل مالِكِ يَوْمِ الدِّينِ وَالقَبُولِ

مِنْ جُمْلَتِها وَالتَّسْلِيمِ لِرُواتِها عطف برای بیانست

و توضیح وَاَعْلامًا جمع علمست بفتح لام کوهی که نشان راه

باشد در صحرا وَمَنارًا بفتح میم جای بلندی که بالای

ان التش روشن کنند برای هدایت راه لا مَفَرَّ وَلا مَلْجَأَ
عطف تفسیر است وَمَعْقِلِي بفتح میم وکسر قاف بمعنی
حصن وحصار است واطلاق میکنند بر پناه اِمامَ طَلِبَتِي
بفتح طا وکسر لام یعنی پیش حاجتم وَمُعَوَّلِي بصیغه اسم
مفعول یعنی معتمد من وَظَعْنِي بظاء نقطه دار وعین بی نقطه
ساکن ومفتوح یعنی سیر وصفر من وَمُنْقَلَبِي یعنی محل اقامت
وسکون اِذ بِتاج بدو طای دو نقطه بالا یعنی بسته شدن راهها
انهامن کُلِّ ضَنْكٍ بضاد نقطه دار ونون ساکنه بمعنی تنگیست
وَمَجْدَكَ بمعنی بزرگی وعظمت تو وَالدِّیانَةِ الَّتِي حَضَّ
عَلَیْها یعنی دیانتی که مبالغه وبرغبت بیان کرده اَمَّ بتشدید میم
بمعنی قصد وترلغه بروزن تکرم یعنی نزدیک ساری وَقَدْ
أَكْدَی الطَّلَبُ بدال مهمله یعنی دشوار ومتعذر ومنقطع شد

طلب وَأَعْیَتِ الْحِیَلُ بعین مهمله ویای دو نقطه زیر یعنی وامانده
مُنِیخٌ بنون واخرش خای نقطه دار یعنی اقامت کرده بِفِنائِكَ
بکسر فا فضای دور خانه وَإِذا تَلاحَكَتْ یعنی بهم در رفت
وملتصق شد وَنالَنِي الضُّرُّ بضم ضاد یعنی رسید بمن
بدحالی وبفتح نقیض نفع است وَشَمِلَتْنِي الْخَصاصَةُ بخای
نقطه دار ودو صاد بی نقطه یعنی فرو گرفته مرا احتیاج وَتُوُسِّمْتُ
بِالذِّلَّةِ یعنی موسوم ومعروف شدم بذلت وَحَقَّتْ عَلَیَّ الْكَلِمَةُ
یعنی سزاوار شد بر من عذاب فَامْسَحْ بسین وصاد هر دو یک
معنیست اینجا مابی یعنی زایل ساز وببر آنچه از علتها بر من است
وَالْإِیزاعَ بیای دو نقطه زیر وزای نقطه دار وعین بی نقطه بمعنی
الهامست وَلا تُخْلِنِي مِنْ یَدِكَ بجای یا نقطه وتشدید
لام از تخلیه است یعنی خالی مدار مرا از نعمت خود لیست بیلع

بسکون دال مِنْ وَلایَتِكَ بفتح واو یعنی عطیه از تو که با آن
احتیاج بغیر نباشد امری بدیع وغریب نیست از امداد واعانت تو
لا یُنکَرُ یعنی امری منکر ومستبعد نیست وَارْحَمِ العَفْوَةَ بفتح
حا وسکون فا یعنی رحم کن بر زلت ولغزش وخطای من خذ
بیدی مِنْ دَحْضِ بحای مهمله وضاد بانقطه المَزَلَّة یعنی
خلاص کن مرا از لغزش خطا فقد کبوتُ بباء یکنقطه زیر
یعنی افتادم برروی خود یُولِجُ کُلَّ واحِدٍ مِنْهُما فی صاحِبِه
دَیُولِجُ صاحِبَهُ فیه یعنی داخل میسازد هر یک از شب وروز
را در آن دیگر باینکه کم میکند از یکی وزیاد میکند دیگر را مثل کم
شدن روز زمستان وزیاد شدن شبش وزیاد شدن روزهای
تابستان وکم شدن شبش واگر گویی که اینمعنی مفهوم میشد
اِذ یُولِجُ کُلَّ واحِدٍ مِنْهُما فی صاحِبِه پس چه حاجت به یولج

صاحبه فیه بود گویم غرض حضرت علیه السلم تنبیه است بر امر غریبی
که حصول زیاده ونقصانست باهم در هر یک از شب وروز در
یکزمان واین بحسب اختلاف بقاعست مثل بقعه شمالی خط استوا
وبقعه جنوبی خط استوا خواه آنجا کسی باشد وخواه نباشد پس
زیاده ونقصانش واقعند در یک وقت لکن در دو بقعه و
همچنین زیادتی شب ونقصانش واگر حضرت صلوات الله علیه
تفریع نمیکرد بیولج صاحبه فیه تنبیه براینمعنی نمیشد بلکه ظاهر
کلام آن می بود در دو وقت چنانکه متعارفست وَنَهَضاتِ
بنون وضاد بانقطه از نهوضست یعنی افعال بدنی که موجب تعبست
ودر بعضی روایات بظاء بانقطه است بمعنی ثقل وسنگینی ٥
لِیَکُونَ لَهُمْ جَماماً یعنی تا باشد برای ایشان راحت وَیَبْلُوا
یعنی امتحان کند وظاهر سازد فَلَقْتَ لَنا مِنَ الإِصْباحِ

معلوم شد وَمَا بَثَّتْ بدو ثای سه نقطه مشتق است از بث
بمعنی متفرق کردن مُقیمُهُ وَشَاخِصُهُ مراد بشاخص
اینجا ضد مقیم است لَیْسَ لَنَا مِنَ الْاَمْرِ اِلَّا مَا قَضَیْتَ
یعنی نیست مار ا از نفعها مگر آنچه تو قضا کرده و فقره بعد از این
مفسر اینست شَاهِدُ عَتِیْدُ بتای دو نقطه بالا بمعنی حاضر و
مهیا یا رِ بِنْگَابِ جَرِیْرَةٍ یعنی جنایت و گناه وَاقْتِرَافِ یعنی
کسب کردن وَاَجْزِلْ لَنَا یعنی بسیار کن برای وَاَخْلِنَا
یعنی خالی کردان و ما را در این روز از بدیها وَحَیَاطَةِ بجای
بی نقطه و یای دو نقطه و طای بی نقطه یعنی حرض و حفظ وَاَوْقِفْهُمْ
و ماخوذ است از قول عرب که وقف فیه یعنی داخل شد در آن وَ
خِیَرَتُکَ بخای با نقطه و یای دو نقطه زیر مفتوح و رای بی نقطه
مفتوح یعنی اختیار کرده شده و برگزیده شد و بسکون یا هم آمده

بدانکه از حضرت ائمه معصومین صلوات الله علیهم
منقولست که هر یک ساعتی از ساعتهای دوازده گونه روز
متعلقست بیکی از ائمه معصومین صلوات الله علیهم و مخصوصست
بدعای خاص پس ساعتی از طلوع فجر تا طلوع آفتاب منسوبست
بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام و اینست دعای آن ٥
اَللّٰهُمَّ رَبَّ الظَّلَامِ وَالْفَلَقِ وَالْفَجْرِ وَالشَّفَقِ وَاللَّیْلِ
وَمَا وَسَقَ وَالْقَمَرِ اِذَا اتَّسَقَ خَالِقَ الْاِنْسَانِ مِنْ عَلَقٍ
اَظْهَرْتَ قُدْرَتَکَ بِبَدِیْعِ صُنْعِکَ وَخَلَقْتَ عِبَادَکَ
وَهَدَیْتَهُمْ بِکَرَمِ فَضْلِکَ اِلٰی سَبِیْلِ طَاعَتِکَ وَتَفَرَّدْتَ
فِیْ مَلَکُوْتِکَ بِعَظِیْمِ السُّلْطَانِ وَتَوَدَّدْتَ اِلٰی خَلْقِکَ
بِقَدِیْمِ الْاِحْسَانِ وَتَعَرَّفْتَ اِلٰی بَرِیَّتِکَ بِجَسِیْمِ الْاِمْتِنَانِ
یَا مَنْ یَسْئَلُهُ مَنْ فِی السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ کُلَّ یَوْمٍ هُوَ

فِي شَانٍ اَسْاَلُكَ اَللّٰهُمَّ بِمُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ الَّذِي
نَزَلَ الرُّوحُ الْاَمِينُ عَلَى قَلْبِهِ لِيَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ
بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ وَبِاَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ ابْنِ
اَبِي طَالِبٍ ابْنِ عَمِّ الرَّسُولِ وَبَعْلِ الْبَتُولِ الَّذِي
فَرَضْتَ وَلَايَتَهُ عَلَى الْخَلْقِ وَكَانَ يَدُورُ حَيْثُ دَارَ
الْحَقُّ عَنْ يُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ جَعَلْتُهُمْ
وَقَدَّمْتُهُمْ اَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَاَنْ تَغْفِرَ
لِي ذَنْبِي وَتُطَهِّرَ قَلْبِي وَتَسْتُرَ عَيْبِي وَتُفَرِّجَ كَرْبِي
وَتُبَلِّغَنِي مِنْ طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ اَمَلِي وَتَقْضِيَ
لِي حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ واگر خواهی
که این دعا را تعقیب نماز کنی باید که آخر آنچه بعد ازان بجای آری
سجده های شکر باشد روایت کرده رئیس المحدثین در فقیه

که حضرت

که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که سجده شکر
واجبست بر هر مسلمانی تمام میکنی بان نماز خود را و راضی
میکنی بان پروردگار خود را و تعجب میکنند ملائکه از تو
و بدرستی که هرگاه بنده نماز کند و بعد از آن سجده شکر
کند میگشاید و برمیدارد خدای تعالی حجاب را از میان
بنده و میان فرشتها و پس میگوید این فرشتهای من
نظر کنید به بنده من ادا کرد فرض مرا و تمام کرد عهد مرا بعد از ان
سجده کرد برای من بجهة شکر آنچه من انعام کرده ام باو ای
فرشتهای من چه چیز است مراد را پس ملائکه میگویند
ای پروردگار ما رحمت تو بعد ازان خدای تعالی میگوید
دیگر مراد را چیست ملائکه گویند ای پروردگار ما جنت تو
پس خدای تعالی گوید دیگر مراد را چیست ملائکه گویند کفایت

بهتم او پس خدا تعالی کوید دیکر مراد را چیست پس هیچ چیز
نیک نماند مکر که ملائکه کویند پس خدا تعالی کوید این فرشتهای
من دیکر مراد را چیست پس ملائکه کویند ای پروردکار ما
مارا دیکر علمی نیست پس خدا تعالی کوید هر آینه شکر او کنم چنانکه
او شکر من کرده و را او یاد کنم بفضل خودم و بنمایم برا او رحمت
خودم را سنت است طول دادن و بسیار بودن در سجدهٔ
شکر روایت کرده در عقبه که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
سجدهٔ شکر میکرد بعد از نماز صبح پس سر مبارک بر نمیداشت
تا روز بلند میشد **فصل** چون سجدهٔ شکر کنی هر دو ساقها
و دستها را فرش کن بر زمین و سینه و شکم را ملصق بساز
بزمین و بکو آنچه در کافی شنید حسن از حضرت ابی الحسن الماضی
علیه السلام روایت کرده بکو در سجده شکر اللهمّ

انّي

اشهدك واشهد ملائكتك وانبيائك ورسلك
وجميع خلقك انّك انت الله ربّي والاسلام ديني و
محمّدا صلّى الله عليه وآله نبيّي وعليّا والحسن و
والحسين وعليّا ومحمّدا وجعفرا وموسى وعليّا
ومحمّدا وعليّا والحسن ومحمّدا سلام الله
عليهم ائمّتي بهم اتولّى ومن عدوّهم اتبرّأ پس سه بار
بکوید اللّهمّ انّي انشدك دم المظلوم پس بکو اللّهمّ
انّي انشدك بايوائك على نفسك لاوليائك ه
لتظفرنّهم بعدوّك وعدوّهم ان تصلّي على محمّد و
آل محمّد وعلى المستحفظين من آل محمّد صلّى الله عليهم
وآله وسه بار بکو اللّهمّ انّي اسئلك اليسر بعد
العسر پس بکذار جانب راست رو را بر زمین و بکو یا کهفي حين

تعیینی المذاهب وتضیق علی الارض بما رحبت یا
باری خلقی رحمة بی وکان عن خلقی غنیا صل
علی محمد وآل محمد وعلی المستحفظین من آل محمد
صلی الله علیه وآله بعد از ان بگذار جانب چپ را بر زمین
وسه بار بگو یا مذل کل جبار ویا معز کل ذلیل قد
وعزتك بلغ بی مجهودی پس سه بار بگو یا حنان یا منان
یا کاشف الکرب العظام بعد از ان سجده دویم کن وصد بار
در ان بگو شکرا شکرا بعد از ان حاجت خود طلب کن واز
حضرت علیه السلام منقولست که در سجده با گریه ورنجش
با واز حزین میگفت عصیتك رب بلسانی ولو شئت
وعزتك لاخرستنی وعصیتك ببصری ولو شئت
وعزتك لاکمهتنی وعصیتك بسمعی ولو شئت

وعزتك لاصممتنی وعصیتك بیدی ولو شئت
وعزتك لکنعتنی وعصیتك برجلی ولو شئت
وعزتك لجذمتنی وعصیتك بفرجی ولو شئت
وعزتك لعقمتنی وعصیتك بجمیع جوارحی التی
انعمت بها علی ولیس هذا جزاؤك منی بعد از ان
هزار بار میگفت العفو العفو پس میچسپانید روی راست را
بر زمین وسه بار باواز حزین میگفت بؤت الیك بذنبی
عملت سوء وظلمت نفسی فاغفر لی فانه لا یغفر
الذنوب غیرك یا مولای پس جانب روی چپ را
بر زمین مینهاد وسه بار میگفت ارحم من اساء واقترف
واستکان واعترف وچون سر از سجده شکر بر داری
بگو اللهم لك الحمد علی ما خلقتنی ولم اك شیئا

بؤت الیک ذنبی لوبت بالباء الموحدة
المضمومة والهمزة وآخره تاء مثناة ای
اقررت وبوائق الدهر مصائبه ودعلی
فلا تبلی بالباء الموحدة والثنی المهملة
ای بلائت وقتی الی الهلاک ودمر واد نم
ان تبسل نفس بما کسبت ام الی البعید
فیهجید ای نفس وجبر اذا وصی
منه

مذكوراً ارب اعنّي على احوال الدنيا وبوائق الدهر
ونكبات الزمان ومصيبات الليالي والايام
واكفني شرّ ما يعمل الظالمون في الارض وفي سفري
فاصحبني وفي اهلي فاخلفني وفيما رزقتني فبارك
لي وفي نفسي لك فذللني وفي اعين الناس فعظمني
والبك فحببني وبذنوبي فلا تفضحني وبعملي
فلا تبسلني وبسريرتي فلا تخزني ومن شرّ الجن
والانس فسلّمني ولمحاسن الاخلاق فوفقني
ومن مساوي الاخلاق فجنبني الى من تكلني يا رب
المستضعفين وانت ربي الى عدو ملكته امري
ام الى بعيد فيتجهمني فان لم تكن غضبت عليّ
يا رب فلا ابالي غير ان عافيتك اوسع لي وا

واحب الي اعوذ بنور وجهك الذي اشرقت به
السموات والارض وكشفت به الظلمة وصلح عليه
امر الاولين والاخرين ان يحل عليّ غضبك او
ينزل بي سخطك لك الحمد حتى ترضى وبعد الرضى
ولا حول ولا قوة الا بك **باب دويم** در بيان آنچه از طلوع
آفتاب تا وقت ظهر بايد بجا آورد قبل از اين مذكور شد كه هر ساعتي
از دوازده ساعت روز متعلق است بيكى از ائمه معصومين
سلام الله عليهم اجمعين و ساعت اول از حضرت امير المؤمنين
عليه السلام است و دعاي ان مذكور شد **ساعت دويم** از طلوع
آفتاب است از حضرت امام حسن عليه السلم و دعاي ان اينست
اللهم يا خالق السموات والارض ومالك البسط
والقبض ومدبر الابرام والنقض ومن لا يخيب

المضطر اذا دعاه ويكشف السوء يا مالك يا جبار
يا واحد يا قهار يا عزيز يا غفار يا من لا تدركه الابصار
وهو يدرك الابصار يا من لا يمسك خشية الانفاق
ولا يفتر خوف الاملاق يا كريم يا رزاق يا مبتدئا
بالنعم قبل الاستحقاق يا من ينزل الروح من امره
على من يشاء من عباده لينذر يوم التلاق كبرت
نعمتك علي وصغر في جنبها شكري ودام غناك
عني وعظم اليك فقري اسالك يا عالم سري
وجهري يا من لا يقدر سواه على كشف ضري ان
تصلي على محمد رسولك المختار وحجتك على الابرار
والفجار وعلى اهل بيته الطاهرين الاخيار و
اتوسل اليك بالانزع البطين علما وبالامام الحسن

الزكي

الزكي المقتول فقد استشفعت بهم اليك وقدمتهم
امامي وبين يدي حوائجي ان تزيدني من لدنك
علما وتهب لي حكما وتجبر كسري وتشرح بالتقوى
صدري وترحمني اذا انقطع من الدنيا اثري
وتذكرني اذا نسي ذكري برحمتك يا ارحم الراحمين

ساعت سیم از وقت برطرف شدن سرخی آفتاب تا بلند
شدن روز از حضرت امام حسین علیه السلام است و نیت

اللهم رب الارباب ومسبب الاسباب ومالك
الرقاب ومسخر السحاب ومسهل الصعاب يا حليم
يا تواب يا كريم يا وهاب يا مفتح الابواب يا من حيث
ما دعي اجاب يا من حجابه ليس له حاجب ولا بواب
يا من ليس لخزائنه قفل ولا باب يا من لا يرجى

عليه ستر ولا يضرب دونه حجاب يا من يرزق
من يشاء بغير حساب يا غافر الذنب وقابل التوب
شديد العقاب اللهم انقطع الرجاء الا من فضلك
وخاب الامل الا من كرمك فاسئلك بمحمد رسولك
وبعلي ابن ابي طالب صلى الله عليه صفيك وبا
لحسين الامام التقي الذي اشترى نفسه ابتغاء
مرضاتك وجاهد الناكثين عن صراط طاعتك
فقتلوه ساغبا ظمآنا وهتكوا حرمته بغيا و
عدوانا وحملوا راسه في الآفاق واحلوه محل
اهل العناد والشقاق اللهم فصل على محمد وآله
وجدد على الباغي عليه مرزبات لعنتك واسقامك الباغي بر
ومرزبات سخطك ونكالك اللهم اني اسئلك

بمحمد



بمحمد وآله واستشفع بهم اليك واقدمهم امامي
وبين يدي حوائجي ان لا تقطع رجائي من امتنانك
ولا تخيب آمالي في احسانك ونوالك ولا تهتك
الستر المسدول علي من جهتك ولا تغير عني
عوائد طولك ونعمك ووفقني لما يقربني اليك
واصرفني عما يباعدني عنك واعطني من الخير
افضل ما ارجو واكفني من الشر ما اخاف واحذر
برحمتك يا ارحم الراحمين ساعت چهارم از چاشت تا زوال
از حضرت امام زين العابدين عليه السلام است و دعاش اينست
اللهم انت الملك المالك وكل شيء سوى وجهك
الكريم هالك سخرت بقدرتك النجوم السوالك
وامطرت بقدرتك الغيوم السوافك وعلمت



ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة في الظلمات
الحوالك يا سميع يا بصير يا بر يا شكور يا غفور
يا رحيم يا من يعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور
يا من له الحمد في الاولى والآخرة وهو الحكيم
الخبير اسئلك سؤال البائس الحسير وانضرع
اليك تضرع الضائع الكسير واتوكل عليك
توكل الخاشع المستجير واقف ببابك وقوف
المؤمل الفقير واتوسل اليك بالبشير النذير
والسراج المنير محمد خاتم النبيين وابن عمه امير
المؤمنين وبالامام علي ابن الحسين زين العابدين
وامام المتقين المخفي للصدقات والخاشع
في الصلوات والدائب المجتهد في المجاهدات

الساجد

الساجد ذي الثفنات ان تصلي على محمد وآل
محمد فقد توسلت بهم اليك وقدمتهم امامي
وبين يدي حوائجي وان تعصمني من مواقعة
معاصيك وترشدني الى مواقعة ما يرضيك
وتجعلني ممن يؤمن بك ويتقيك ويخافك
ويرجيك ويراقبك ويستجيبك ويتقرب اليك
بموالات من يواليك ويتحبب اليك بمعاداة
من يعاديك ويعترف لديك بعظيم نعمك
واياديك برحمتك يا ارحم الراحمين
بدانکه نسخ این دعاها اختلاف بسیار دارد و آنچه درین
کتابت معتمد علیه استاد دام ظله است

فصل

در بیان آنچه در اوایل روز بجا آرند سنتست که در اول

روز تصدق کند هرچه میسر باشد اگرچه اندکی روایت کرده کلینی
که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه وآله فرمود که بَکِّرُوا بِالصَّدَقَةِ فَاِنَّ البَلاءَ لا یَتَخَطّاها
یعنی در وقت بکر که ابتدای روز است تصدق کنید که بلا
از آن وقت نگذرد یعنی باقی روز بسلامت باشد و هم او روایت
کرده از آنحضرت صلی الله علیه وآله که فرمود که در وقت ابتدا
تصدق کنید و در آن وقت رغبت کنید پس هیچ مؤمنی
نباشد که تصدق کند تصدقه که خواهد بان ثوابی را که نزد خدای
تعالی است تا دفع کند از و بان صدقه شر آنچه نازل میشود از آسمان
بزمین در آن روز مگر که نگاه دارد خدای تعالی او را از شر آنچه
نازل شود در ان روز و از آنچه در اوایل روز گفته شد کلا ثبت
در حدیث است از اصحاب عصمت سلام الله علیهم که کسی که مسح کند

روی

روی خود را بجلاب برسد باو در آن روز بلائی و فقری و باید
که مسح کند رو و دستها را و صلوة بفرستد بر پیغمبر صلی الله علیه وآله
و چون آنچه در اوایل روز بجا می آرند در اغلب بستن عمامه و پوشیدن
رخت و موزه و نعلین است پس بعضی از آداب و دعاهای
آنها مذکور سازیم اما بستن عمامه یعنی دستار بر سر پیچیدن پس
در حدیث است که نزد آن باید گفت اَللّهُمَّ سَوِّمْنِی بِسیماءِ
الایمانِ وَتَوِّجْنِی بِتاجِ الکَرامَةِ وَقَلِّدْنِی حَبْلَ الاِسْلامِ
وَلا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الایمانِ مِنْ عُنُقِی و باید که نشسته عمامه
بپیچد و چون عمامه پیچد بهمان تحت الحنک بندد زیرا که سنت مؤکد است
روایت کرده شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب بسند حسن که حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام فرموده کسی که عمامه بندد و عمامه را
زیر حنک خود نگرداند برسد باو دردی که او را دوا نباشد پس ملامت

نکند

توضیح [illegible] بسیماء الایمان
[illegible]

نفس خود را روایت کرده رئیس المحدثین در فقیه که حضرت
امام جعفر علیه السلام فرموده بدرستی که من تعجب میکنم از کسی که
بجاجتی برود و او با وضو باشد چون بر نیاید حاجت او و بدرستی
که من تعجب میکنم از کسی که بحاجتی برود و او عمامه از زیر حنک
گردانیده باشد چون بر نیاید حاجت او و احادیث در ترغیب
تحت الحنک بسیار است و اجماع علمای ما منعقد است برآن
و عجب از مخالفان که ایشان انکار میکنند با آنکه در کتابهای
خود روایت کرده اند که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله نهی کرده
از اقتعاط و امر کرده بتلحی و صاحب صحاح گفته که اقتعاط نبستن
عمامه است بر سر بی تحت الحنک و این حدیث را نقل کرده و تلحی
گردانیدن عمامه است بزیر لحیین یعنی دو استخوان که لحیه در آنجا است
بدانکه سنت بودن تحت الحنک عامست در جمیع اوقات و حالات

الحدیث
روی رئیس المحدثین فی الفقیه عن الصادق [illegible] انه قال انی
لاعجب ممن یاخذ فی حاجة و هو علی وضوء کیف
لا یقضی حاجته [illegible]
و الاحادیث و الترغیب [illegible]
الاجماع منا علیه [illegible]
ینکر و یشنع [illegible]
نهی عن الاقتعاط و امر بالتلحی [illegible]
الصحاح الاقتعاط [illegible] تحت الحنک [illegible]
عن [illegible] و امر بالتلحی
عن الاقتعاط [illegible] و التلحی اداره العمامه تحت الحنک
منه

وخصوص نیست بحال نماز اگرچه در نماز افضل است و این سنت
علیحده خواه نماز گذارد و خواه نگذارد و من در روایت کتب
اصول خود نیافتم چیزی که دلالت کند بر مخصوص بودن بحال
نماز بلکه عامست و باین تصریح کرده علامه در منتهی المطلب و
بعد از آنکه احادیث تحنک را ذکر کرده فرمود که ظاهر شد باین
احادیث که آن سنت مطلقا در حال نماز و غیر آن پس چون
در وقت نماز تحنک کند باید که قصد کند که آن سنتیست علیحده
برای سر نه آنکه سنت لغیره و اما آداب و رخت پوشیدن باید
که قبا را کوتاه کند در تفسیر آیه کریمه وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ نقل شده
که بمعنای قصر است رختهای خود را کوتاه کن و باید که آستین
دراز تر از سر دست نباشد و همیشه رخت و زینت خود را
بپوشد و رخت شهرتی هم بپوشد و در وقت نماز سفید بپوشد

و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که مکروهست
سیاه مگر در سه چیز موزه و عمامه و کسا یعنی ردا اما دعا
نزد پوشیدن قبا از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
مرویست که بگوید اللهم اجعله ثوب یمن و تقوی
و برکة اللهم ارزقنی فیه شکر نعمتک و حسن عبادتک
و العمل بطاعتک و الحمد لله الذی رزقنی ما استر
به عورتی و اتجمل به فی الناس و از حضرت امام محمد
باقر علیه السلام مرویست که چون قبای نو پوشید بگوید
اللهم اجعله ثوب یمن و تقوی و برکة اللهم ارزقنی
فیه حسن عبادتک و عملاً بطاعتک و اداء شکر
نعمتک الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی
و اتجمل به فی الناس و روایتست که نزد پوشیدن زیر جامه

بگوید

بگوید اللهم استر عورتی و امن روعتی و اعفف فرجی
و لا تجعل للشیطان فی ذلک نصیبا و لا له الی
ذلک وصولا فیضع لی المکائد و یهیجنی لارتکاب
محارمک و باید که رو بقبله بپوشد و اما موزه و نعلین
و کفش باید که نشسته بپوشد و پای راست را پیش از چپ و در وقت
بیرون کردن ایستاده و پای چپ را پیش از راست و این دعا
در وقت پوشیدن هر یک بخواند بسم الله و بالله اللهم صل
علی محمد و آل محمد و وطئ قدمی فی الدنیا و الاخرة
و ثبتهما علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام و این دعا در وقت
بیرون کردن بخواند بسم الله و بالله الحمد لله الذی رزقنی
ما اوقی به قدمی من الاذی اللهم ثبتهما علی صراطک
و لا تزلهما عن صراطک السوی و روایتست از

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کراهة پوشیدن موزه
سرخ در حضر دون سفر روایتست که آنحضرت فرموده که از [سنت است]
پوشیدن موزهٔ سیاه و کفش زرد و مکروه داشته آنحضرت
پوشیدن کفش سیاه و از آنحضرت علیه السلام روایتست کسی که
بپوشد کفش زرد کهنه نکند او را تا بهم رساند مالی و از آنحضر[ت]
که کسی که بپوشد کفش زرد خوشی لی تا آنکه کهنه کند از ا ۵

فصل چون عادت جاریست که مابین طلوع افتاب
تا زوال اکل و شرب واقع شود پس بعضی از اداب و دعاهای
آن که از حضرت ائمه معصومین علیهم السلام منقولست مذکور
سازیم پس چون خواهی که چیزی بخوری بنشین بر جانب چپ
و چهار زانو منشین که از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست
که آن نشستن و صاحبش را خدا تعالی دشمن میدارد و چون دست

دراز

درازکنی برای چیزی خوردن بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ روایتست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
که پدرش گفت که هرگاه مرد خواهد چیزی بخورد پس دست دراز
کند و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بیامرزد
خدای تعالی او را پیش از آنکه لقمه در دهن ان شود روایت شده
که سنت بودن گفتن بسم الله بر خوردن از هر ظرفی که در سفره
باشد اگرچه همه یکرنگ باشد و کسی که فراموش کرده باشد بسم الله را
بر هر رنگی و بخاطرش آید باید که بگوید بِسْمِ اللّٰهِ عَلَىٰ اَوَّلِهِ وَآخِرِهِ
و باید که وقت شروع در خوردن بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يُطْعِمُ
وَلَا يُطْعَمُ وَيُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ وَيَسْتَغْنِي وَيُفْتَقَرُ
اِلَيْهِ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ مَا رَزَقْتَنَا مِنْ طَعَامٍ وَاِدَامٍ
فِي يُسْرٍ وَعَافِيَةٍ مِنْ غَيْرِ كَدٍّ مِنَّا وَلَا مَشَقَّةٍ بِسْمِ اللّٰهِ

بسم الله گفتن
در سنت است
بر هر رنگی و هم روایت شده

خَيْرَ الاَسْماءِ بِسْمِ اللهِ رَبِّ الاَرْضِ وَالسَّماءِ
بِسْمِ اللهِ الَّذي لايَضُرُّ مَعَ اِسْمِهِ شَيْءٌ فِي الاَرْضِ وَلا فِي السَّماءِ وَهُوَ السَّمِيعُ العَلِيمُ اَللّٰهُمَّ اَسْعِدْني في مَطْعَمي هٰذا بِخَيْرِهِ وَاَعِذْني مِنْ شَرِّهِ وَامْتِعْني بِنَفْعِهِ وَسَلِّمْني مِنْ ضَرِّهِ و باید هر روز پیش از چیزی خوردن بیست و یک مویز سرخ بخوری روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده هر که بخورد هر روز ناشتا بیست و یکمویز سرخ علتی بهم نرسد مگر علت موت و هر دو دست را بشوید پیش از طعام و بعد از طعام اگر چه یکی خورده باشی روایت کرده رئیس المحدثین در فقیه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده کسی که بشوید دستش را پیش از طعام و بعد از طعام باشد معیشت زندگی او در فراخی و عافیت یابد از بلا در جسدش

بیو

فقی النبی ص قال کل من اکل کل
یوم علی الریق احدی و عشرین
زبیبة حمراء لم یصبه الا علة
الموت
منه
الحدیث
و روی رئیس المحدثین فی الفقیه
عن النبی ص انه قال من غسل یده قبل
الطعام و بعده عاش فی سعة و عوفی
من عوی فی جسده و قد روی امیر
المؤمنین ع انه یزید فی العمر و یجلو
البصر
منه

و روایت است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که زیاده میکند عمر را و جلا میدهد چشم را و باید که در شستن اول صاحب طعام دست بشوید بعد از ان کسی که در جانب راست اوست و در شستن بعد از طعام صاحب طعام اخر بشوید و اول کسی که بر جانب چپ اوست در بعضی روایات انست که اول کسی که بر جانب راست که در خانه است بشوید در شستن دویم خواه ازاد باشد و خواه بنده و بعد از شستن اول دست را خشک نکند و بعد از دویم خشک کند بعد از ان که دست بر چشم مالیده باشد و اگر اثر طعام بر دست باشد اولی میکند و در اثنای خوردن تکرار حمد الهی کند و صاحب طعام پیش از دیگران شروع کند در خوردن و بعد از همه دست بکشد و مکروهست به پشت چپ چیزی خوردن و همچنین اشامیدن و همچنین به دو انگشت خوردن و چون

لون حاضر شود انتظار چیزی دیگر نکشند و لون را زیر کاسه

نگذارد و پاره نکند بکارد و ابتدا کند بنمک و ختم بان و ختم

بر سرکه هم در روایتی وارد است و سنت است حاظر ساختن

سبزی در سفره و در یک روز دو بار گوشت نخورد و در هر سه روز

یکبار بخورد و مکروهست ترک گوشت چهل روز و استخوانرا

بسیار خالی و پاک نکند بلکه اندک گوشتی در آن بگذارد و در

روایتیست که جن را در ان نصیبی است و اگر کسی که پاک کند

از خانهٔ او برود چیزی که بهتر از آن گوشت باشد که پاک کرده

و باید که صاحب طعام بر سفره بسیار نشیند روایت کرده کلینی

بطریق حسن از زراره که گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام میفرمود سه چیز است که هرگاه مرد یاد گرفت انها

باعث زیادتی عمر اوست و باقی بودن نعمت بر وبس گفتم

و روی ثقة الاسلام في الكافي بطريق حسن عن زراره قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول اذا [illegible]

سر زنهی

انها چیست گفت طول دادن امر رکوع و سجودش را و طول دادن

نشستن بر صفره و بر طعامش اگر طعام دهد و نیکوئی کردن ان

با اهلش و دیگر بعد از فارغ شدن از طعام خوردن انچه روایت

شده از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام الحَمدُ لِلّهِ

الَّذي اَطعَمَنا في جائعين وَسَقانا في ظامئين وَكَسانا

في عارين وَهَدانا في ضالّين وَحَمَلَنا في راجلين

وَآوانا في ضاحين وَاَخدَمَنا في عانين وَفَضَّلَنا

على كَثيرٍ مِنَ العالَمينَ و اما خواندن سورهٔ الحمد بعد از

طعام چنانکه در این زمان مشهور است در کتب حدیث بران

مطلع نشدیم و باید که حاضران همه در یک طشت دست بشویند

و اب طشت را نریزند تا پر نشود و سنت است خلال کردن و مکروهست

خلال شاخ خرما و نی و چوب ریحان و مورد و انار و باید انداختن

آنچه بخلال از میان دندانها بیرون آورد و باکی نیست
بفرو بردن آنچه بزبان بیرون آورد و باید که خورش تو چیزی باشد
که عیال ترا بآن میل باشد نه آنچه ترا میل باشد پس روایت کرده
کلینی که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده المؤمنُ یاکلُ بشهوةِ اهلِهِ
یعنی مؤمن میخورد آنچه اهلش میل میکنند وَ المُنافِقُ یاکلُ
اهلُهُ بشهوتِهِ یعنی منافق را اهلش میخورند آنچه او میل
میکند اما اداب خوردن آب انکه بگوید نزد آن الحمدُ لله
المنزِلِ الماءِ مِنَ السَّمآءِ و مُصرِّفِ الامرِ کیفَ یشآءُ
بِسمِ اللهِ خیرِ الاسماءِ و بعد از آب خوردن بگوید الحمدُ لله
الَّذی سَقانا ماءً عذباً فُراتاً و لم یجعلهُ مِلحاً
اُجاجاً بِذُنوبی الحمدُ لله الَّذی سَقانی فَاَرْوانی

واعطا

وَ اَعطانی فَاَرضانی وَ عافانی وَ کَفانی اللّهُمَّ
اجعلنی مِمَّن تَسقیهِ فِی المَعادِ مِن حَوضِ مُحَمَّدٍ ص
وَ تُسعِدُهُ بِمُرافَقَتِهِ بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ
سنتست آشامیدن آب کم کم مکیدن نه بیکبار سر کشیدن
روایت است از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بیکبار
سر کشیدن آب مورث کباد است یعنی مرض جگر باید که آب
بسه نفس خوری و بهر دو دست برداری و حمد خدا تعالی گویی
بعد از هر نفسی و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سؤال
کرده شد از آشامیدن آب بیک نفس پس آنحضرت علیه السلام
فرمود که اگر آب بتو میدهد اگر مملوک تو است پس بخور بسه نفس
و اگر آزاد است بخور بیک نفس در روایتست که کسی آب خورد پس
دور کند از او و حال آنکه میل داشته باشد و حمد خدا تعالی کند

الحدیث
و سئل عن الصادق ع عن الرجل یشرب بنفس واحد
فقال ان کان الذی یناوله جاریة او مملوکا فاحب الی ان یشرب
منه ثلثة انفاس و ان کان حرا فلیشرب بنفس
واحد ... شرب و حمد الله ... فحمد الله
ثم ... ...
... ...

[illegible]

جون سه بار جنین کند واجب شود براي او جنت وباید که از تشنگی

دسته[بیشتر] اب نخورد و نه از جاي شکسته و اب بسیار نخورد ودور اهم

که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده بپرهیز از

خوردن آب زیرا که ان مادهٔ هر دردیست و روایت است

که کسی که آب بخورد و حضرت امام حسین علیه السلام را یاد

کند ولعن قاتل او کند بنویسد خداي تعالی براي او صد هزار

حسنه و بر طرف کند از او صد هزار سیئه و رفع سازد براي

او صد هزار درجه و چنان باشد که ازاد کرده صد هزار بنده

باب سیم در بیان انچه از وقت زوال افتاب که ظهر است

تا وقت فرو رفتن افتاب بجا باید آورد و در ان مقدمه است

وچند فصل **مقدمه** روایت کرده در فقیه که حضرت پیغمبر صلی الله

علیه واله فرموده هرگاه زائل شد افتاب کشوده میشود

درهاي اسمان و درهاي بهشت و مستجاب میشود دعا فطوبی

لِمَن رُفِعَ لَهُ عَمَلٌ صَالِحٌ پس خوشا حال کسي که بالا برده شود براي

او عمل صالحي واحتمال دارد که معني طوبي که ان باشد که درخت

طوبی کسی راست و هم او روایت کرده که پیغمبر صلی الله علیه واله

فرموده که بتحقیق که افتاب را نزد زوال خلقه ایست که در ان داخل

میشود پس هرگاه داخل شود در ان زوال شمس میشود پس تسبیح

میکنند هر چیزي که پائین عرش است براي حمد پروردگار من عز و جل

و ان ساعتی است که صلوة میفرستد بر من در ان ساعت پروردگار

من جل جلاله واجب کرده بر من و بر امت من در ان ساعت نماز

او گفته اَقِمِ الصَّلٰوةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ اِلیٰ غَسَقِ اللَّیْلِ و ان

ساعتیست که مي ارند در ان جهنم را روز قیامت پس نباشد مومنی

که اتفاق افتد در این ساعت انکه او ساجد یا راکع یا در نماز ایستاده

الحدیث

روي رئیس المحدثین في الفقیه عن النبي صلعم انه قال اذا زالت الشمس فتحت ابواب السماء وابواب الجنان واستجیب الدعاء

[illegible]

باشد مگر انکه حرام کند خدای تعالی جسد او را بر اتش دوزخ ه

فصل اول باید نماز در اول وقت کردن خواه واجب باشد و خواه سنتی مگر انچه استثنا شده روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که فضل اول وقت بر آخر وقت همچو فضل آخرت بر دنیا از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت که اول وقت رضوان خداست و آخرش عفو خداست و ظاهر انست که این فضیلت دریافته شود بمشغول شدن در اول وقت بمقدمات نماز چنانکه شیخ شهید فرموده و مخصوص نیست بمشغول شدن در اول وقت بمقدمات نماز واما انچه روایت شده از ائمه معصومین علیهم السلام که تعظیم و تکریم نماز نکرده کسی که تاخیر کند طهارت را تا وقت نماز داخل شود پس از اسناد معتبری نیست و داخل بودن ان در ضمن عمل بحدیث حسنی که کلینی روایت کرده

از حضرت

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که کسی که بشنود چیزی از ثواب را بر عملی پس او بجا آرد او را اجر آن باشد اگر چه چنان نباشد که باو رسیده و دلالت میکند بر انکه مشغول بودن بطهارت در اول وقت مانع است از تعظیم نماز نه از یافتن فضیلت اول وقت و میان این هر دو فرقست و سنتست انتظار وقت نماز بنت روایت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله انتظار دخول وقت میکشید و میفرمود ارحنا یا بلال یعنی راحت ده ما را باعلام دخول وقت چنانکه میفرمود قُرَّةُ عَینِی فِی الصَّلوةِ یعنی خوشحالی من در نمازست وال زوال شروع سایه هست و در زیادتی بعد از انکه بنهایت نقصان رسیده باشد یا بهم رسیدن سایه بعد از برطرف شدن زیرا که هر چند افتاب بلندتر میشود سایه کوتاه‌تر میشود تا وقتی که افتاب بنهایت بلندی رسد در اکثر بلاد پس سایه

روی ثقة الاسلام فی الکافی بسنده عن الصادق علیه السلام [illegible] ... علی نصفه کان للاجر ... [illegible]

[illegible]

هم بنهایت کوتاهی رسد تا برطرف شود و این وقتیست که
افتاب بدایره نصف النهار رسد و معلومست که افتاب
در اینوقت بنسبت بساکنان اقالیم سبعه مختلف الاوضاعست
گاه در جانب جنوب سمت الراس بعضی اقالیمست و گاه در شمال
ان و گاه بر سمت الراس ایشان پس در قسم اول و دوم سایه
نصف النهار برطرف نمیشود بلکه در اینوقت در نهایت کوتاهی است
در جانب شمال یا جنوب و در این دو وقت چون شروع در زیادتی
کند اول وقت زوالست و در قسم سیوم که افتاب در نصف النهار
بر سمت راس ایشان باشد سایه بالکلیه برطرف میشود و بعد از آن
ظاهر میگردد و اول ظهور آن وقت زوالست و سایه شاخص را
پیش از زوال ظل میگویند و بعد از زوال فی مشتقست از
فاء یفیء بمعنای رجع زیرا که رجوع میکند کم کم بانچه پیش از ان بوده

و ممتداست وقت فضیلت ظهر تا انکه فی یعنی سایه که بعد از زوال
بهم رسیده مساوی شاخص شود و وقت فضیلت عصر تا انکه فی
دوبرابر شاخص شود و سنتست تاخیر هر یک از این دو نماز از
اول وقت بمقدار ادای نافله ان نماز و کسی که نافله نکند تاخیر
سنت نیست و نافله ظهر را صلوه اوابین می نامند و وقت
او از زوالست تا انکه فی دو قدم شود یعنی مقدار دو سبع
شاخص زیرا که قامت اغلب مردم هفت قدم اوست و
نافله عصر را سبحه می نامند و وقت ان از فارغ شدن
از نماز ظهر است تا انکه فی چهار قدم شود و بعضی علمای
ما را اعتقاد ممتد بودن وقت این نافلهاست بامتداد
وقت این نمازها پس وقت نافله ظهر ممتد است تا انکه فی
مثل شاخص شود و نافله عصر تا انکه دو برابر شود و این دور نیست

و بعض الاخبار یدل علی ان المراد بالاذان
شیخنا البهائی طاب ثراه ... سنه

و در اخبار معتبره دلالتی برین هست بلکه در بعضی روایات
دلالت بر زیادتی وسعت وقت نافله میکند روایت کرده
در تهذیب بسند صحیح که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که نماز تطوع بمنزلهٔ هدیه است هر گاه که بجا اورده شود
مقبولست پس مقدم و از انچه خواهی مؤخر و از انچه خواهی
مؤخر دار انچه خواهی اما ظن انست که هیچیک از علمای ما عمل
باطلاق این حدیث از وسعت تقدیم و تاخیر نکرده و شاید که
مراد بتقدیم ادا باشد و بتاخیر قضا والله اعلم مشهور میانه
علمای ما انست که جایز نیست اعتماد بر ظن در دخول وقت
مگر با عدم قدرت بر تحصیل علم پس بنا بر این جائز نباشد اعتماد
بر قول یک عادل و نه بر اذان شهر اگرچه مؤذن عادل باشد
مگر با عجز از علم و ظاهر کلام محقق در معتبر جواز اعتماد بر اذان یک

کما رواه الشیخ الطائفة فی التهذیب بسند صحیح
عن الصادق علیه السلام انه قال صلوة التطوع بمنزلة
الهدیة متی اتی بها قبلت [illegible]
قد یقال المراد ان
التطوع الغیر الموقتة و الروایة موقتة و فیه نظر لان
[illegible] فقدم منها ما شئت و اخر ما شئت
ای الکلام فی الموقتة ای التقدیم و
التاخیر انما یجوز
فیها فلا تغفل
منه

عادلست

علامتست اما خبر دادن دو عادل بدخول وقت یا اذان ایشان
پس ظاهر جواز اعتماد است بر آن اگرچه قدرت داشته باشد بر علم
بان زیرا که علم شرعی باو حاصلست و کسی که اهتمام یافتن فضیلت اول
وقت و بجای آوردن سنتها داشته باشد باید که در خانهٔ خود چوب
راستی را بر زمین فرو برد و او چوب را هفت قسم کرده باشد پس هر گاه
سایه بغایت نقصان رسد یا شروع کند در حادث شدن پس شروع کند
در نافلهٔ زوال اگر موفق باشد بسعادت سنت کردن یا شروع کند در نماز ظهر
در اول وقت اگر محروم باشد از ان سعادت و باید که ملاحظه کند
نماید پس چون بقدر دو سبع شاخص یا مثل شاخص شود وقت
نافلهٔ ظهر بیرون میرود پس اگر از نافلهٔ ظهر یک رکعت تمام نکرده باشد نافله را
ترک کند و مشغول گردد بنماز واجبی و اگر از نافله یک رکعت تمام کرده باشد
و این بفارغ شدن از ذکر سجده دوم رکعت اول متحقق میشود



چه اگر سر از سجده برنداشته باشد نافله را اتمام و بعد از ان مشغول شود
بفرض و اظهر انست که در اینصورت شش رکعت دیگر هم اداست
زیرا که این هشت رکعت در حکم یک نماز است بعد از ان نماز ظهر
بگذارد و بعد از ان ملاحظه فی نماید اگر چند سبع شاخص یا دو برابر
شاخص نشده باشد شروع کند در نافله عصر و اگر نشده باشد و وقت
نافله بیرون رفته حکم این هم مثل نافله ظهر است در اتمام و ترک اما
در روز جمعه زیاده کند بر هشت رکعت نافله ظهر و هشت رکعت نافله
عصر چهار رکعت دیگر که مجموع بیست رکعت باشد همه نافله جمعه است
شش رکعت در وقتی بگذارد که شعاع افتاب پهن شود و شش
رکعت وقتی که افتاب بلند شود و شش رکعت وقتی که راست
بایستد و دو رکعت بعد از زوال **فصل دویم** چون زوال
متحقق شود بگو انچه رئیس المحدثین در فقیه روایت کرده

ازحضرت

ازحضرت امام محمد باقر علیه السلام تعلیم کرده محمد ابن مسلم را
و باو گفته که محافظت و مداومت کن برین چنانکه محافظت میکنی
چشمهای خود را سُبْحَانَ اللهِ وَلَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَالْحَمْدُ لِلهِ
الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ
يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا بعد از ان وضو بساز
و شروع کن در نافله زوال پس نیت کن که دو رکعت نافله زوال
میگذارم سنت قربة الی الله و تکبیرة الاحرام بگو و دو تکبیر و دعای
اَللَّهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ تا اخر بخوان بعد از ان دو تکبیر دیگر بگو
و دعای لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ تا آخر بخوان و بعد از ان بگو
اهسته اَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و بعد از ان الحمد
و قُلْ يَا اَيُّهَا الْكَافِرُونَ بخوان و در رکعت دویم بعد از الحمد و قل
هو الله احد چنانکه کلینی روایت کرده بسند صحیح و بعد از سلام سه تکبیر بگو

وتسبیح فاطمه زهرا علیها السلم بخوان بعد از ان بگو اَللّهُمَّ
إِنِّي ضَعِيفٌ فَقَوِّ فِي رِضَاكَ ضَعْفِي وَخُذْ إِلَى الْخَيْرِ
بِنَاصِيَتِي وَاجْعَلِ الْإِيمَانَ مُنْتَهَى رِضَايَ وَبَارِكْ لِي
فِيمَا قَسَمْتَ لِي وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كُلَّ الَّذِي أَرْجُو مِنْكَ
وَاجْعَلْ لِي وُدّاً وَسُرُوراً لِلْمُؤْمِنِينَ وَعَهْداً عِنْدَكَ
بعد از ان دو رکعت نماز دیگر بگذارد اما در اول ای یک تکبیر افتتاح
بگوپس دو رکعت بعد از ان این دعا بخوان و همچنین تا شش رکعت
بگذارد بعد از ان اذان برای نماز ظهر بگو و دو رکعت نافله بکن بعد از ان
اقامت بگو و بعد از اقامت این دعا بخوان اَللّهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ
الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلٰوةِ الْقَائِمَةِ بَلِّغْ مُحَمَّداً صَلَّى اللّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَالْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ
بِاللّهِ أَسْتَفْتِحُ وَبِاللّهِ أَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

ونفصل بین الاذان والاقامة برکعتین علی
ذلک المنوال و بهما تمام الرکعتین جماعة بعض
[illegible] بعضهم و بعض العبد
الاقامة [illegible] منه

اَتَوَجَّهُ

اَتَوَجَّهُ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ
عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ
بعد از ان مشغول شو بنماز ظهر بادابی که در نماز صبح مذکور شد
و بسم الله الرحمن الرحیم بلند بگو و باقی را آهسته بخوان و در
رکعت اول بعد از الحمد سوره سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى بخوان
یا سوره والشمس یا سوره که بمقدار اینها باشد چنانکه در تهذیب
روایت شده از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بسند صحیح
و در دو رکعت اخر سوره الحمد تنها یا سه بار بگو سُبْحَانَ اللّهِ
وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّهُ وَاللّهُ أَكْبَرُ أَسْتَغْفِرُ اللّهَ
بعد از ان تکبیر رکوع بگو دستها را برداشته و چهار رکعت تمام
کن چنانکه گذشت و بعد از سلام سه بار الله اکبر بگو بعد از ان
بخوان لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّهُ إِلٰهاً وَاحِداً وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

تا آخر چنانکه در تعقیب صبح مذکور شد بعد از آن تسبیح فاطمه
زهرا علیها السلام بگو و هر دعائی که خواهی از آنها که در تعقیب
صبح مذکور شد بخوان سوای که مخصوص است بصبح مثل اللهم متضمن
دعوات صحت و مدد دعای اخر بعد از آن بگو یا من اظهر الجمیل
وستر القبیح یا من لم یؤاخذ بالجریرة ولم یهتک
الستر یا کریم الصفح یا عظیم المن یا حسن
التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط الیدین
بالرحمة یا سامع کل نجوی و یا منتهی کل شکوی
یا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها یا ربّاه یا ربّاه
یا ربّاه یا سیّداه یا سیّداه یا سیّداه یا غایة رغبتاه
یا ذا الجلال والاکرام اسألک بحق محمد وعلی وفاطمة
والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی

وعلی

وعلی ومحمد وعلی والحسن ومحمد صاحب الزمان
سلام الله علیهم اجمعین ان تصلی علی محمد وآل
محمد وان تکشف کربی وتغفر ذنبی وتنفس همی
وتفرج غمی وتصلح شأنی فی دینی ودنیای وان
تدخلنی الجنة ولا تشوه خلقی بالنار ولا تفعل بی
ما انا اهله برحمتک یا ارحم الراحمین بعد از آن
بگو یا سامع کل صوت یا جامع کل فوت یا باری
النفوس بعد الموت یا باعث یا وارث یا اله الالهة لهتر
یا جبار الجبابرة یا ملک الدنیا والآخرة یا رب
الارباب یا سید السادات یا ملک الملوک
یا بطاش ذا البطش الشدید یا مبدئ یا معید
یا فعالا لما یرید یا محصی عدد الانفاس ونقل

الاقدام يا من السر عنده علانية اسئلك بحق خيرتك
من خلقك وبحقهم الذي اوجبت لهم على نفسك
ان تصلي على محمد واهل بيته وان تمن على الساعة
بفكاك رقبتي من النار وان تنجز لوليك وابن
نبيك الداعي اليك باذنك وامينك في ارضك
وعينك في عبادك وحجتك على خلقك عليه
صلواتك وبركاتك اللهم ايده بنصرك وقو
اصحابه وصبرهم واجعل لهم من لدنك سلطانا
نصيرا وعجل فرجهم ومكنه من اعدائك واعداء
رسولك يا ارحم الراحمين پس بگو اللهم رب
السموات السبع ورب الارضين السبع وما
فيهن وما بينهن وما تحتهن ورب العرش العظيم

ورب

ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل ورب السبع
المثاني والقرآن العظيم ورب محمد خاتم
النبيين صلى الله عليه وآله واسئلك باسمك
الاعظم الذي به تقوم السموات والارض وبه
تحيي الموتى وترزق الاحياء وتفرق بين المجتمع
وتجمع بين المتفرق وبه احصيت عدد الاجال
ووزن الجبال وكيل البحار اسئلك يا من هو
كذلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفعل
بي كذا وكذا پس حاجت خود بطلب پس سجده هاى شكر
و در انها و بعد از انها بگو انچه در اول مذكور شد فصل
بعد از فارغ شدن نماز ظهر برخيز بنافلهٔ عصر و در اينجا هفت
تكبير سنت نيست بلكه همان تكبير افتتاح است زيرا كه ان هفت

المراد بالاجال الاعمار والمراد اعمار المواليد
الثلثة اعني الحيوانات والنباتات والمعادن
قال الكفعمي رحمه [illegible]
[illegible]

تکبیر در نمازهای سنتی سنت نیست مگر در چهار نماز اول
نافله زوال و اول نافله مغرب و در وتیره و یک رکعت وتر
و آنچه خواهی بخوان در نافله عصر از سورها اگر سورها نیست
که از ائمه هدی علیهم السلام ترغیب در آنهاست و اخبار
کند سوره که خواندنش باعث بیرون رفتن وقت نباشد
از حضرت امام محمد باقر علیه السلم مرویست که هر که سوره صف در نماز
واجبی و سنتی بخواند خدا تعالی او را در صف ملایکه و انبیای
مرسل بدارد و هم از آن حضرتست هر که مداومت کند بر خواندن
سوره ق در نمازهای واجبی و سنتی وسیع کرداند خدای تعالی
روزی او را و عطا کند کتاب او را بدست راستش و
حساب کند او را حساب اندکی و از آن حضرتست که بسیار
تلاوت کنید الحاقه را در نمازهای واجبی و سنتی زیرا که این از ایمان

طجزا

الحدیث

وقد روی عن
الباقر ع منه من قرا سورة
الصف فی فرایضه و نوافله صفه الله
مع ملائکته و انبیائه المرسلین و عنه
ع من اومن قراءة سورة ق فی سایر فرایضه و نوافله
وسع الله علیه رزقه و اعطاه کتابه بیمینه و
حاسبه حسابا یسیرا و عنه ع اکثروا تلاوة
سورة الحاقة فی الفرایض والنوافل
لان ذلک من الایمان بالله
و رسوله وان تایب
قاریها دینه حتی
یموت منه

بخدا و رسول اوست و هرگز از خواننده آن سلب نشود ایمان
تا بمیرد و بعد از فراغ از دو رکعت اول بگو اَللّٰهُمَّ اَنْتَ لا
اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الحَیُّ القَیُّومُ العَلِیُّ العَظِیمُ الحَلِیمُ
الکَرِیمُ الخالِقُ الرّازِقُ المُحیِی المُمِیتُ البَدِیُٔ البَدِیعُ
لَکَ الحَمدُ وَلَکَ المَنُّ وَلَکَ الکَرَمُ وَلَکَ الجُودُ وَ
لَکَ الامرُ وَحدَکَ لاشَرِیکَ لَکَ یا واحِدُ یا اَحَدُ
یا صَمَدُ یا مَن لَم یَلِد وَلَم یُولَد وَلَم یَکُن لَهُ کُفُوًا اَحَد
وَلَم یَتَّخِذ صاحِبَةً وَلا وَلَدًا صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَافعَل
بِی کَذا وَ کَذا پس دو رکعت دیگر بگذارد و بعد از آنها
بگو اللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰواتِ السَّبعِ تا آخر پس دو رکعت
دیگر بگذارد و بعد از آنها بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَدعُوکَ
بِما دَعاکَ بِهِ عَبدُکَ یُونُسُ اِذ ذَهَبَ مُغاضِبًا

مابقا العبد الرکعتین
الثانیتین منها

مابقا العبد الخامس و
السادس

فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان
لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
فاستجبت له ونجیته من الغم فانه دعاک وهو
عبدک وانا ادعوک وانا عبدک وسالک و
هو عبدک وانا اسئلک وانا عبدک ان تصلی
علی محمد وآل محمد وان تستجیب لی کما استجبت له و
وادعوک بما دعاک به عبدک ایوب اذ مسه الضر
فدعاک انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین فاستجبت
له وکشفت ما به من ضر وآتیته اهله ومثلهم
معهم فانه دعاک وهو عبدک وسالک وهو
عبدک وانا اسالک وانا عبدک ان تصلی علی
محمد وآل محمد وان تفرج عنی کما فرجت عنه وان

تستجیب

تستجیب لی کما استجبت له وصل علی محمد وآل محمد
وافعل بی کذا وکذا و حاجت خود ذکر کن و دو رکعت آخر
بگذار و بعد از آنها بگو یا من اظهر الجمیل وستر القبیح
تا آخر
پس اذان بگو برای نماز عصر و فاصله کن میان اذان و
اقامت بسجده و دعا کن بانچه گذشت در نماز صبح وظهر پس
مشغول شو بنماز عصر بهمان آدابی که مذکور شد وبخوان در رکعت
اول اذا جاء نصر الله والفتح یا الهیکم التکاثر ومثل اینها چنانکه
روایت کرده شیخ الطایفه در تهذیب از امام جعفر صادق ع
بسند صحیح و بعد از فراغ از نماز عصر تعقیب بخوان آنچه در عقب
نماز ظهر میخوانی مگر آنچه مخصوص ظهر باشد و بعد از اینها بخوان آنچه
مخصوص عصر است استغفر الله الذی لا اله الا
هو الحی القیوم الرحمن الرحیم ذا الجلال والاکرام

واسئله ان يتوب على توبة عبد ذليل خاضع
فقير بائس مسكين مستجير لا يملك لنفسه ضرا
ولا نفعا ولا موتا ولا حيوة ولا نشورا اللهم
اني اعوذ بك من نفس لا تشبع ومن قلب
لا يخشع ومن علم لا ينفع ومن صلوة لا ترفع
ومن دعاء لا يسمع اللهم اني اسئلك اليسر
بعد العسر والفرج بعد الكرب والرخاء بعد
الشدة اللهم ما بنا من نعمة فمنك وحدك
لا اله الا انت استغفرك واتوب اليك
وسنت است هفتاد بار استغفار بعد از نماز عصر و ده
بار خواندن سوره انا انزلناه في ليلة القدر و امام جعفر
صادق عليه السلام فرموده كسي كه بعد از نماز عصر هفتاد بار

اي لا يحصل نفعه الى في الاخرة كا
لعلوم التي ليس لها دخل في امر الدين
فكيف العلوم التي تضر بالدين نعوذ
بالله منها
منه ره

استغفار

استغفار كند بيامرزد خداي تعالى هفتصد گناه او را و حضرت
امام محمد تقي عليه السلام فرموده كسي كه انا انزلناه في ليلة القدر
بخواند ده بار بعد از عصر بگذرد آن خواندن بر مثل اعمال خلايق
يعني ثواب آن خواندن برابر ثواب عملهاي نيك خلايق باشد
در آن روز بعد از آن دو سجده شكر كن و بخوان در آنها آنچه پيش
گذشت و بايد كه اخر اين دعا بخوانی اللهم اني وجهت
وجهي اليك واقبلت بدعائي عليك راجيا اجابتك
طامعا في مغفرتك طالبا ما اوليت به على نفسك
مستنجزا وعدك اذ تقول ادعوني استجب لكم
فصل على محمد وآل محمد واقبل الي بوجهك واذ حني
واستجب دعائي يا اله العالمين **فصل** بدانكه ساعت
پنجم روز از زوال تا انعقاد كه چهار ركعت بگذارند از حضرت

امام محمد باقر علیه السلام است و دعای ان اینست و بهتر است
که این دعا را بعد از رکعت چهارم زوال بخوانی

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَاْخُذُهُ سِنَةٌ وَ
لَا نَوْمٌ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ
وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ
وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ فَالِقُ
الْاِصْبَاحِ وَجَاعِلُ اللَّيْلِ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا
ذٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ يَا غَالِبًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ
وَيَا شَاهِدًا غَيْرَ مَشْهُودٍ لَا يَغِيبُ يَا قَرِيبُ يَا مُجِيبُ
ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبِّي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَاِلَيْهِ
اُنِيبُ اَتَذَلَّلُ الطَّالِبِينَ وَاَخْضَعُ بَيْنَ يَدَيْكَ خُضُوعَ
الرَّاغِبِينَ وَاَسْاَلُكَ سُؤَالَ الْفَقِيرِ الْمِسْكِينِ وَاَدْعُوكَ

تضرعا

تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً اِنَّكَ لَا تُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَاَدْعُوكَ
خَوْفًا وَطَمَعًا اِنَّ رَحْمَتَكَ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ وَ
اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِخِيَرَتِكَ وَصَفْوَتِكَ مِنَ الْعَالَمِينَ
الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ
عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ النَّذِيرِ الْمُبِينِ وَبِوَلِيِّكَ
وَعَبْدِكَ عَلِيِّ ابْنِ اَبِي طَالِبٍ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ
بِالْاِمَامِ مُحَمَّدِ ابْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عُلُومِ الْاَوَّلِينَ وَ
وَالْاٰخِرِينَ وَالْعَالِمِ بِتَاْوِيلِ الْكِتَابِ الْمُسْتَبِينِ
وَاَسْاَلُكَ بِمَكَانِهِمْ عِنْدَكَ وَاُقَدِّمُهُمْ اَمَامِي
وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي اَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَ مَا اَوْلَيْتَنِي
مِنْ نِعَمِكَ وَتَجْعَلَ لِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا مِنْ كُلِّ كَرْبٍ
وَغَمٍّ وَتَرْزُقَنِي مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَتُيَسِّرَ لِي مِنْ فَضْلِكَ

وَمِنْ حَيْثُ لَا اَحْتَسِبُ

ما تغنيني به عن كل مطلب واقذف في قلبي
رجاك واقطع رجائي ممن سواك حتى لا ارجوا
الا اياك انك تجيب الداعي اذا دعاك وتغيث
الملهوف اذا ناداك وانت ارحم الراحمين
واما ساعت ششم از ان زمانکه بمقدار چهار رکعت بگذرد
از اول زوال تا نماز ظهر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است
ودعای ان اینست اللهم انت انزلت الغيث
برحمتك وعلمت الغيب بمشيتك ودبرت
الامور بحكمتك وذللت الصعاب بعزتك
واعجزت العقول عن علم كيفيتك وحجبت
الابصار عن ادراك صفتك والاوهام عن
حقيقة معرفتك واضطررت الافهام الى الاقرار

بوحدانيتك يا من يرحم العبرة ويقيل العثرة
لك العزة والقدرة لا يعزب عنك في الارض
ولا في السماء مثقال ذرة اتوسل اليك بالنبي
الامي محمد رسولك العربي المكي المدني الهاشمي
الذي اخرجنا به من الظلمات الى النور وبامير
المومنين علي ابن ابي طالب عليه السلام الذي
شرحت بولايته الصدور وبالامام جعفر بن
محمد الصادق في الاخبار المؤتمن على مكنون
الاسرار صلى الله عليه واهل بيته بالعشي
والابكار اللهم اني اسئلك بهم واستشفع
بمكانهم لديك واقدمهم امامي وبين يدي
حوائجي فاعطني الفرج الهني والمخرج الوحي

والصنع الغريب والامان من الفزع في اليوم
العصيب وان تغفر لي موبقات الذنوب و
تستر علي فاضحات العيوب فانت الرب
وانا المربوب وانا الطالب وانت المطلوب
وانت الذي بذكرك تطمئن القلوب وانت
الذي تقذف بالحق وانت علام الغيوب
يا اكرم الاكرمين ويا خير الفاصلين ويا احكم
الحاكمين ويا ارحم الراحمين ساعت هفتم
كه از وقت ظهر است تا مقدار چهار ركعت نماز از حضرت
امام موسى كاظم است ودعاي ان اينست اللهم
انت المرجو اذا اشتد الامر وانت المدعو اذا
مس الضر ومجيب الملهوف المضطر والمنجي

من

من ظلمات البر والبحر ومن له الخلق و
الامر والعالم بوساوس الصدور والمطلع
على خفي والسر يا عالم كل نجوى ومنتهى
كل شكوى يا من له الحمد في الاخرة والاولى
يا من خلق الارض والسموات العلى الرحمن
على العرش استوى له ما في السموات وما
في الارض وما بينهما وما تحت الثرى وان
تجهر بالقول فانه يعلم السر واخفى الله
لا اله الا هو له الاسماء الحسنى اسئلك
بمحمد خاتم النبيين خيرتك من خلقك و
المؤتمن على اداء رسالتك وبامير المؤمنين
علي ابن ابي طالب ع الذي جعلت ولايته

مقرونة معرفة مع ولايتك ومحبته مقرونة برضاك
ومحبتك وبالامام الكاظم موسى ابن جعفر
عليهما السلام الذي سالك ان تفرغه
لعبادتك وتخليه لطاعتك فاجبت دعوته
ان تصلي على محمد وآل محمد صلوة تقضي بها
عني واجب حقوقهم وتمتعني بها في اداء فروض
واتوسل اليك بهم واستشفع بمنزلتهم وقد
قدمتهم امامي وبين يدي حوائجي ان تجريني
على جميل عوائدك وتمنحني جزيل فوائدك وتأخذ
بسمعي وبصري وبشري وناصيتي وقلبي و
عزمتي ولبي الى ما تعنيني به على هواك
وتقربني من اسباب رضاك وتوجب لي نوافل

فضلك

فضلك وتستديم لي منائح طولك يا ارحم
الراحمين **ساعت هشتم** كه بعد از گذشتن مقدار چهار ركعت
تا وقت نماز عصر از حضرت امام رضا عليهم السلام است ودعاى
آن اينست اللهم انت الكاشف للملمات والكافي
للمهمات والمفرج للكربات والسامع للاصوات
والمخرج من الظلمات والمجيب للدعوات الراحم
للعبرات جبار الارض والسموات يا ولي يا مولى
يا علي يا اعلى يا كريم يا اكرم يا من له الاسم الاعظم
يا من علم الانسان ما لم يعلم فاطر السموات والارض
وهو يطعم ولا يطعم اسئلك بمحمد المصطفى من
الخلق المبعوث بالحق وبامير المؤمنين الذي ولّيته
فالفيته شاكرا وابتليته فوجدته صابرا وبالامام

الرضا علي ابن موسى الذي اوفى بعهدك ووفى بوعدك
واعرض عن الدنيا وقد اقبلت اليه ورغب عن زينتها
وقد رغبت فيه ان تصلي على محمد وآل محمد فقد توسلت
بهم اليك وقدمتهم امامي وبين يدي حوائجي ان تهديني
الى سبل رضائك وتيسر لي اسباب طاعتك و
توفقني لابتغاء الزلفة بموالاة اولياءك وادراك
صدود الحظوة من معاداة اعدائك وتعينني اعداء فوزي
واستعمال سنتك وتوفقني على المحجة المؤدية
الى العتق من عذابك والفوز برحمتك يا ارحم الراحمين

وساعت نهم كه از نماز عصر است تا آنكه دو ساعت بگذرد از

حضرت امام محمد جواد است عليه السلام ودعاش اينست اللهم
يا خالق الانوار ومقدر الليل والنهار تعلم

ما تحمل

ما تحمل كل انثى وما تغيض الارحام وما تزداد
وكل شيء عندك بمقدار اذا تفاقم امر طرح عليك
واذا غلقت الابواب قرع باب فضلك واذا ضاقت
الحاجات فزع الى سعة طولك واذا انقطع الامل
من الخلق اتصل بك واذا وقع الياس من الناس
وقف الرجاء عليك اسئلك بحق النبي الاواب
الذي انزلت عليه الكتاب ونصرته على الاحزاب
وهديتنا به الى دار المآب وبامير المؤمنين
علي ابن ابي طالب الكريم النصاب المتصدق بخاتمه
في المحراب وبالامام الفاضل محمد ابن علي عليه
السلام الذي سئل فوفقته لرد الجواب وامتحن
فعضدته بالتوفيق والصواب صلى الله عليه وآله

وعلى اهل بيته الاطهار ان تجعل موالاتي بهم عصمة
من النار ونجاة الى دار القرار فقد توسلت
بهم اليك وقدمتهم امامي وبين يدي حوائجي
وان تعصمني من التعرض لمواقف سخطك وتوفقني
لسلوك سبيل محبتك ومرضاتك يا ارحم الراحمين

وساعت دوم بعد از دو ساعت از وقت عصر تا پیش از

زردی آفتاب از حضرت علی الهادی نسبت علیهم السلام و دعا کن
بذکر اللهم انت الولی الحمید الغفور الودود
المبدئ المعید ذو العرش المجید و البطش الشدید
فعال لما ترید یا من هو اقرب الی من حبل الورید
یا من هو علی کل شیء شهید یا من لا تتعاظمه
الذنوب و لا یکبر علیه الصفح عن العیوب اسئلك

بجلال

بجلال وجهك الذي ملا اركان عرشك وبقدرتك
التي قدرت بها على خلقك وبرحمتك التي وسعت
كل شيء وبقوتك التي ضعف منها كل كبير وبرسولك
الذي رحمت به العباد وهديت به الى سبل
الرشاد وبامير المؤمنين علي ابن ابي طالب ع
اول من آمن برسولك وصدق والذي وفى
بما عاهد عليه وصدق وبالامام البر علي بن
محمد عليه السلام الذي كفيته حيلة الاعداء
واريتهم عجب الاثر اذ توسلوا به في الدعاء
ان تصلي على محمد وآل محمد فقد استشفعت بهم
اليك وقدمتهم امامي وبين يدي حوائجي وان تجعلني
من كفايتك في حرز حريز ومن كلائك تحت عز

عزيز وتوزعني شكر آلائك ومنتك وتوفقني
للاعتراف بآلائك ونعمك يا ارحم الراحمين

ساعت یازدهم پیش از زردی آفتاب از حضرت امام حسن
عسکری علیهم السلام است و دعاش اینست اللهم

انك منزل القرآن وخالق الانس والجان وجاعل
الشمس والقمر بحسبان المبتدئ بالطول والامتنان
والمبدء للفضل والاحسان وضامن الرزق
لجميع الحيوان لك الحامد والمادح ومنك العوائد
والمنائح واليك يصعد الكلم الطيب والعمل
الصالح وانت العالم بما تخفي الصدور والجوانح
اسئلك بمحمد صلى الله عليه وآله رسولك الى الكافة
وامينك المبعوث بالرحمة والرافة وبامير المؤمنين

علي

علي ابن ابي طالب المفترض طاعته على القريب
والبعيد المؤيد بنصرك في كل موقف مشهود وبالا
لامام الحسن بن علي الذي طوح للسباع فخلصته
من مرابضها وامتحن بالدواب الصعاب فذللت لكت
له مراكبها ان تصلي على محمد وآل محمد فقد توجهت
بهم اليك وقدمتهم امامي وبين يدي حوائجي
وان توجهني بالتوفيق لترك معاصيك ما ابقيتني
وتعينني على التمسك بطاعتك وما احييتني
وان تختم لي بالخيرات اذا توفيتني وتفضل
علي بالمياسرة اذا حاسبتني وتهب لي العفو
اذا كاشفتني ولا تكلني الى نفسي فامتل بحوائجي
الى غيرك فاذل ولا تحملني ما لا طاقة لي به

فَاَضعُفَ وَلا تبتلني بما لا صبر لي فاعجز وَاجرِ بي
عَلى جميلِ عوائدك عِندي وَلا تؤاخذني بسوء
عملي وَلا تسلط عَلى من لا يرحمني برحمتك يا ارحم
الراحمين وساعت دوازدهم از زردي افتاب تا غروب
افتاب از حضرت امام محمد مهدي صلوات الله عليه است
ودعاش اينست اَللّٰهُمَّ يا خالِقَ السَّقفِ المَرفُوعِ
وَالمِهادِ المَوضُوعِ وَرازِقَ العاصِي وَالمُطيعِ
الَّذي لَيسَ لَهُ وَليٌّ وَلا شفيعٌ اسألك بِاسمِكَ
الَّتي اِذا سُمِّيَت عَلى طَوارِقِ العُسرِ عادَت يُسراً
وَاِذا وُضِعَت عَلى الجِبالِ كانَت هَباءً مَنثُوراً
وَاِذا رُفِعَت اِلَى السَّماءِ تَفَتَّحَت لَهَا المَغالِقُ
وَاِذا هَبَطَت اِلى ظُلُماتِ الاَرضِ اتَّسَعَت

لَهَا المَضائِقُ

لَهَا المَضائِقُ وَاِذا دُعِيَت بِهَا المَوتى انتَشَرَت مِنَ
اللُّحُودِ وَاِذا نُودِيَت بِهَا المَعدُومات خَرَجَت اِلَى الوُجُودِ
وَاِذا ذُكِرَت عَلَى القُلُوبِ وَجِلَت خُشُوعاً وَاِذا
قَرَعَتِ الاَسماعَ فاضَت فَاضَتِ العُيُونُ دُمُوعاً اَسأَلُكَ بِحَقِّ
مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ المُؤَيَّدِ بِالمُعجِزاتِ المَبعُوثِ بِمُحكَمِ
الآياتِ وَبِاَميرِ المُؤمِنينَ عَلِيِّ ابنِ اَبي طالِب ع
اَختَرتَهُ لِمُؤاخاتِهِ وَوَصِيَّتِهِ وَاصطَفَيتَهُ لِمُصافاتِهِ
وَمُصاهَرَتِهِ وَبِصاحِبِ الزَّمانِ المَهدِيِّ الَّذي تَجمَعُ
عَلى طاعَتِهِ الآراءَ المُتَفَرِّقَةَ وَتُؤَلِّفُ بَينَ الاَهواءِ المُختَلِفَةِ
وَتَستَخلِصُ بِهِ حُقُوقَ اَولِيائِكَ وَتَنتَقِمُ بِهِ مِن شِرارِ
اَعدائِكَ وَتَملَأُ بِهِ الاَرضَ عَدلاً وَاِحساناً وَتُوَسِّعُ
عَلَى العِبادِ بِظُهُورِهِ فَضلاً وَامتِناناً وَتُعيدُ الحَقَّ

الی مکانه عزیزاً حمیداً و ترجع الذین علی یدیه
غضاً جدیداً ان تصلی علی محمد و ال محمد فقد استشفعت
بهم الیک وقدمتهم امامی و بین یدی حوائجی و ان
توزعنی شکر نعمتک فی التوفیق لمعرفته والهدایة
الی طاعته و تزیدنی قوة فی التمسک بعصمته
والکون فی زمرته انک سمیع الدعاء برحمتک یا ارحم
الراحمین **باب چهارم** در بیان اکه میان فرو رفتن افتاب
تا وقت خواب بجا باید آوردن اول وقت نماز مغرب بنابر قول
مشهور برطرف شدن سرخی مشرقست و میکشد وقت فضیلتش
تا برطرف شدن شفق مغرب و وقت اداء ان میکشد تا انکه
از نصف اول شب مقدار گذاردن نماز شام بگذرد و قدر گذاردن
نماز خفتن بماند و چون وقت نماز شام متحقق شود ده بار بگو اگر

روایت

روایت کرده ابن بابویه قدس سره در فقیه بسند صحیح از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام از دعاء نوح علیه السلام و اگر
روایت کرده کلینی بسند صحیح از امام محمد باقر علیه السلام
و هر دو گذشت و دعاهای وقت طلوع فجر بعد از ان دست
بر سر بگذار و بکش بر روی خود و ریش خود را بگیر و بگو
احطت علی نفسی و اهلی و مالی و ولدی من غائب
و شاهد بالله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة
الرحمن الرحیم الحی القیوم لا تاخذه سنة و لا نوم
تا وهو العلی العظیم و اگر خواهی اکتفا بیکی از این سه دعا
خصوصاً در وقت ترس از تنگی وقت بعد ان باید ابتدا بنماز مغرب
زیرا که مستفاد از روایات معتبر از اصحاب عصمت سلام الله علیهم
تنگی وقت مغربست و روایات در این بسیار است چنانکه

روایت کرد کلینی قدس سره بسند صحیح که امام جعفر صادق علیه السلم
فرموده بدرستی که جبرئیل ع آمد بحضرت پیغمبر صلعم بدو وقت غیر
نماز مغرب که وقت آن یکیست و وقت ان سقوط آفتابست
و چنانکه روایت کرده محمد ابن بابویه در مجلس شصت دویم امالی
از ابی اسامه که گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که میگفت کسی که تاخیر کند نماز مغرب را تا آنکه ستارها مشتبک شوند
یعنی ظاهر شوند پس من از او بیزارم و چنانکه روایت کرده شیخ
طوسی در تهذیب بسند صحیح از ذریح که گفت که گفتم بحضرت امام
جعفر صادق ع بدرستی که جمعی مردم از اصحاب ابی الخطاب میکشند
نماز مغرب تا وقتی که ستارها مشتبک شود یعنی ظاهر گردد پس آنحضرت
فرمود که من بری ام بخدا از کسی که این کار کند عمداً و چنانکه روایت
کرده هم در تهذیب بسند صحیح از آنحضرت که فرمود بدرستی که جبرئیل ع

امر کرد بحضرت پیغمبر صلعم بهمه نمازها پس گردانیدن برای هر نمازی
دو وقت مگر مغرب که بدرستی که گردانیدن برای آن یکوقت
و بتحقیق که وارد شده در روایت معتبره بیرون رفتن وقت
مغرب به برطرف شدن شفق و عمل کرده بآن جمعی از علمای ما
و گردانیدن میان مغرب و برطرف شدن شفق را وقت مختار
و ما بعدش را وقت از برای مضطر و اظهر مذهب متاخرینست که
مضیق وقت فضیلتش تا وقت اداش پس حمل کرده می شود
برائت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را از کسی که تاخیر کند
تا اشتباک نجوم بر کسی که اعتیاد کند که واجبست تاخیر مغرب
تا آن وقت و باید که ترک اذان و اقامت مغرب نکنند زیرا
که جمعی از علمای ما مثل سید مرتضی قدس الله سره و ابن ابی
عقیل و ابن جنید قائلند با آنکه نماز مغرب باطلست اگر

کسی عمداً ترک اذان و اقامت کند و فاصله کن میان اذان
و اقامت و سکته باشتنی روایتست از حضرت امام جعفر صادق
که فرمود کسی که بنشیند میان اذان مغرب و اقامتش باشد مثل کسی
که در خون خود غلطیده در راه خدا و از آنچه باید میان اذان مغرب
و اقامتش گفت این دعاست اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاِقْبَالِ
لَيْلِكَ وَاِدْبَارِ نَهَارِكَ وَحُضُورِ صَلَوَاتِكَ وَاَصْوَاتِ
دُعَائِكَ وَتَسْبِيحِ مَلَائِكَتِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ اَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ واما فصل

بکام نهادن پس در کتب فروع مذکور هست و شیخ شهید قدس
سره در ذکری فرموده که حدیثی بران نیافته و بگو بعد از اقامت
آنچه در نمازهای دیگر گذشت بعد از ان افتتاح نماز کن باداب که پیش
گفته شد و در رکعت اول بعد از فاتحه سوره قدر با تکاثر یا مثل اینها

در کوتاهی

[illegible]

در کوتاهی که آن و در رکعت دوم سوره توحید و بعد از سلام
تعقیب کن به تکبیر و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بعد از ان سه بار بگو
آنچه در فقیه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ بعد از ان
برخیز و نافله مغرب و اگر خواهی که در تعقیب تطویل کنی پس افضل
آنست که زیاده بر آنچه مذکور شد بعد از نافله بجا آری و اگر وقت را
وسعت آن باشد و وارد شده از اصحاب عصمت سلام الله
علیهم ترغیب بر نافله مغرب و روایتست از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که فرمود که حارث بن مغیره که وا مگذار چهار رکعت
بعد از مغرب در سفر و حضر اگر چه طلب کنند ترا سواد آن و مکروهست
سخن کردن میان مغرب و نافله اش در روایت خفاف از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دلالتی هست برین روایت کرده

يَفْعَلُ صح

الحديث

فقد روي عن الصادق عليه السلام انه قال يا حارث بن المغيرة ولا تدع اربع ركعات بعد المغرب في سفر ولا حضر وان طلبتك الخيل
كذا في المنتهى [illegible]
وان كانت [illegible]

[illegible]

در فقیه که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده کسی که
بگذارد نماز مغرب را بعد از ان تعقیب بخواند و سخن بکند تا انکه
دو رکعت نماز کند ان دو رکعت نوشته شود از برای او در علیین یعنی
مقبول و مشهور رفته است کراهت سخن کردن در میان چهار
رکعت و دلالت میکند بر کراهت ان روایت کرده ابی الفوارس
گفت نهی کرد مرا امام جعفر صادق علیه السلام از انکه حرف زنم
میان چهار رکعتی که بعد از مغربست و استدلال کرده علامه قدس
سره در منتهی باین روایت بر کراهت سخن میان مغرب و میانه
این چهار رکعت و موافقت کرده باو شیخ شهید قدس سره در ذکری
برای استدلال و مخفی نیست اگر رد انست و اول وقت این
چهار رکعت فارغ شدن از مغربست و اخرش بر مذهب
مشهور برطرف شدن شفق است و مزاحمت میرساند بان



نماز عشا خواه شروع در انها کرده باشد و خواه نه و بعضی را
مذهب انست که گفته شده که ممتد است وقتش تا انکه باقی
ماند بعد از مغرب و پیش از نصف شب مقدار ادای ان
و میل کرده باین شیخ شهید قدس سره در ذکری لیکن کلام
علامه در منتهی دلالت میکند بر اتفاق علمای ما بر انکه آخر
وقتش غایب شدن شفق است پس نباید عدول کرد از
مشهور اگر وقتش فوت شود باید قضا کرد مثل باقی سنتهای
راتبه و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که خدای تبارک و تعالی مباهات
میکند به بنده که قضا کند نماز شب بروز میگوید ای فرشتهها
من نظر کنید به بنده من قضا میکند چیزی را که من بر او در شب
واجب نکرده ام گواه میگیرم شما را بدرستی که من او را امرزیدم

الحدیث
فعن الصادق علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله ان الله تعالی
یباهی بالعبد یقضی صلوة اللیل بالنهار یقول
یا ملائکتی انظروا الی عبدی یقضی ما لم افترض
علیه اشهدکم انی قد غفرت له و جری ذلک
عنهم اذ [illegible] علی صلوتهم و الذین هم
ای یدومون علی السنة ان فاتتهم باللیل
فضوها بالنهار وان فاتتهم بالنهار
فضوها باللیل

و روایتست از حضرت ائمه معصومین علیهم السلام در تفسیر آیه
والذین هم علی صلوتهم دائمون یعنی مداومت میکنند
بر نماز سنتی اگر فوت شود در شب قضا کنند بشب و باید که رکعت
اول ابتدا کند بهفت تکبیر با سه دعا که گذشت و بخواند در آن
بعد از الحمد قل هو الله احد سه بار و در رکعت دوم انا
انزلناه فی لیلة القدر و اگر خواهد در رکعت اول قل یا ایها
الکافرون بخواند و در دوم قل هو الله احد و اگر الحمد تنها بخواند
کافیست چنانکه در باقی سنتها و باید که قرائت را در آن
بلند بخواند و در جمیع نافله شب و بعد از فراغ از دو رکعت اول بگو
اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ تَرَیٰ وَلَا تُرَیٰ وَاَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلیٰ
وَاِنَّ اِلَیْکَ الرُّجْعیٰ وَالْمُنْتَهیٰ وَاِنَّ لَکَ الْمَمَاتَ
وَالْمَحْیَا وَاِنَّ لَکَ الْاٰخِرَةَ وَالْاُولیٰ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوذُ بِکَ

ان نذل

اَنْ نَذِلَّ وَنَخْزیٰ وَنَأْتِیَ مَا عَنْهُ تَنْهیٰ اَللّٰهُمَّ
اِنِّی اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُکَ
الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِکَ وَاَسْتَعِیذُ بِکَ مِنَ النَّارِ بِقُدْرَتِکَ
وَاَسْئَلُکَ مِنَ الْحُورِ الْعِینِ بِعِزَّتِکَ وَاَنْ تَجْعَلَ
اَوْسَعَ رِزْقِی عِنْدَ کِبَرِ سِنِّی وَاَحْسَنَ عَمَلِی عِنْدَ
اِقْتِرَابِ اَجَلِی وَاَطِلْ فِی طَاعَتِکَ وَمَا یُقَرِّبُ مِنْکَ
وَیُحْظِی عِنْدَکَ وَیُزْلِفُ لَدَیْکَ عُمْرِی وَاَحْسِنْ
فِی جَمِیعِ اَحْوَالِی وَاُمُورِی مَعْرِفَتِی وَلَا تَکِلْنِی
اِلیٰ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ وَتَطَوَّلْ عَلَیَّ بِقَضَاءِ جَمِیعِ حَوَائِجِی
لِلدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَابْدَءْ بِوَالِدَیَّ وَوَلَدِی وَجَمِیعِ
اِخْوَانِی الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِی جَمِیعِ مَا سَأَلْتُکَ
لِنَفْسِی بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ فصل

و بعد از فراغ از متعلقات دو رکعت اول نافله مغرب
شروع کن در دو رکعت اخرش و در دو رکعت اول انها
بخوان بعد از الحمد اول سوره حدید بسم الله الرحمن
الرحیم سبح لله ما فی السموات و ما فی الارض
وهو العزیز الحکیم له ملک السموات والارض
یحیی و یمیت وهو علی کل شیء قدیر هو الاول
والاخر والظاهر والباطن وهو بکل شیء علیم
هو الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام
ثم استوی علی العرش یعلم ما یلج فی الارض وما
یخرج منها وما ینزل من السماء وما یعرج فیها
وهو معکم اینما کنتم والله بما تعملون بصیر له
ملک السموات والارض والی الله ترجع الامور

یولج

یولج اللیل فی النهار و یولج النهار فی اللیل وهو
علیم بذات الصدور و بخوان در رکعت دویم سوره
حشر لو انزلنا هذا القران علی جبل لرایته خا شعا
متصدعا من خشیة الله وتلک الامثال نضربها
للناس لعلهم یتفکرون هو الله الذی لا اله الا
هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم ه
هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس
السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر
سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ
المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی
السموات والارض وهو العزیز الحکیم
سجده اخر رکعت دویم هفت بار بگو اللهم انی سجدت

بوجهك الكريم واسمك العظيم وملكك
القديم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي
ذنبي العظيم انه لا يغفر الذنوب العظيم الا
العظيم پس چون فارغ شوی از این چهار رکعت باقی تعقیب
شام را تمام کن و بخوان آنچه در تعقیب صبح مذکور شد آنچه
در صباح و شام خوانده میشود فصل واگر وقت
وسعت داشته باشد بخوان عقیب نافله مغرب این دعا را
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على محمد وآل
محمد البشير النذير السراج المنير الطهر الطاهر
الخاتم انبيائك وسيد اصفيائك وخالص
اخلائك ذي المقام المحمود والمنهل المشهود
والحوض المورود اللهم صل على محمد كما

بلغ

بلغ رسالاتك وجاهد في سبيلك ونصح لامته
حتى اتاه اليقين وصل على محمد وآله الطاهرين الاخيار
الاتقياء الابرار الذين انتجبتهم لنفسك واصطفيتهم
من خلقك وامنتهم على وحيك وجعلتهم خزان
علمك وتراجمة وحيك واعلام نورك وحفظة
سرك واذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا ه
اللهم انفعنا بحبهم واحشرنا في زمرتهم وتحت لوائهم
ولا تفرق بيننا وبينهم واجعلني بهم عندك وجيها
في الدنيا والآخرة ومن المقربين الذين لا خوف عليهم
ولا هم يحزنون الحمد لله الذي اذهب النهار بقدرته
وجاء بالليل برحمته خلقا جديدا وجعله لباسا وسكنا
وجعل الليل والنهار آيتين لتعلم بهما عدد السنين ه

والحساب الحمد لله على اقبال الليل وادبار النهار
اللهم صل على محمد وآله واصلح لي ديني الذي هو
عصمة امري واصلح لي آخرتي التي اليها منقلبي ومثواي
واجعل الحيوة زيادة لي من كل خير واجعل الموت راحة
لي من كل سوء واكفني امر دنياي وآخرتي بما كفيت
به اولياءك وحزبك من عبادك الصالحين واصرف
عني شرهما ووفقني لما يرضيك عني يا كريم امسينا
والملك لله الواحد القهار وما في الليل والنهار
اللهم اني وهذا الليل والنهار خلقان من خلقك
فاعصمني منهما بقوتك ولا ترهما جرأة مني على
معاصيك ولا ركوبا لمحارمك واجعل عملي
فيهما مقبولا وسعيي مشكورا وسهل لي ما اخاف

عسره

عسره واقض لي فيه بالحسنى وآمني مكرك ولا
تهتك عني سترك ولا تنسني ذكرك ولا تحل
بيني وبين حولك وقوتك ولا تلجئني الى نفسي
طرفة عين ولا الى احد من خلقك يا كريم ابدا صح
اللهم صل على محمد وآل محمد وافتح قلبي لذكرك
حتى اعي وحيك واتبع امرك واجتنب نهيك
اللهم صل على محمد وآله ولا تصرف عني وجهك
ولا تمنعني فضلك ولا تحرمني عفوك واجعلني
اوالي اولياءك واعادي اعدائك وارزقني
الرهبة منك والرغبة اليك والتسليم لامرك
والتصديق بكتابك واتباع سنة نبيك صه
اللهم اني اعوذ بك من نفس لا تقنع وبطن

لا تشبع وعين لا تدمع وقلب لا يخشع وصلوة
لا ترفع وعمل لا ينفع ودعاء لا يسمع واعوذ
بك من سوء القضاء ودرك الشقاء وشماتة
الاعداء وجهد البلاء وعمل لا يرضى واعوذ
بك من الفقر والكفر والغدر وضيق
الصدر وسوء الامر ومن بلاء وليس لي فيه صبر
من الداء العضال وغلبة الرجال وخيبة
المنقلب وسوء المنظر في النفس والاهل
والمال والدين والولد وعند معاينة ملك
الموت واعوذ بالله من انسان سوء وجار
سوء وقرين سوء وساعة سوء ومن شر ما يلج في سوء
الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء

وما يعرج فيها ومن شر طوارق الليل والنهار
الا طارقا يطرق بخير ومن شر كل دابة ربي آخذ
بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم فسيكفيكهم الله
وهو السميع العليم الحمد لله الذي قضى عني صلوة
كانت على المؤمنين كتابا موقوتا بعد از ان بگوید
اللهم اني اسئلك بحق محمد وآل محمد ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تجعل النور في بصري
والبصيرة في ديني واليقين في قلبي والاخلاص
في عملي والسلامة في نفسي والسعة في رزقي
والشكر لك ابدا ما ابقيتني بعد از ان دو سجده شكر
كن وبگو در انها وبعد از انها انچه گذشت واقل انچه كافيست
انكه در هر يك سه بار بگوي شكرا ودر بعضى روايات سجدهاى

شکر بعد از نافلهٔ مغرب است و در بعضی پیش از اینها بعد از آن
دو رکعت است ساعت غفلت بجا آرد و در رکعت اول بعد از
الحمد بخوان وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ
لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا
أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا
لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ
و در دو رکعت دویم این وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا
يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ
مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ
وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ بعد از آن
در قنوت بخوان اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا
يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي

کذا

کذا و کذا بعد از آن بگو اللّهمّ انت ولیّ نعمتی و القادر
علی طلبتی تعلم حاجتی فاسئلک بحقّ محمّد و آل
محمّد و علیهم السلام لمّا قضیتها لی و حاجت خود
طلب کن که روایت کرده هشام بن سالم از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام که هر که این دو رکعت را بگذارد
میان شام و خفتن و دعا کند باین دعا و بطلبد از خدای
تعالی حاجتش را عطا کند خدای تعالی باو آنچه سؤال کند بدانکه
مشهور است نامیدن این دو رکعت بدو رکعت غفیله و
دو رکعت غفلت و وجهش آنست که ساعتی که این دو رکعت
در آن بجا می آرند که میان شام و خفتن است از ساعت
غفلت می نامند روایت کرده در فقیه که حضرت امام محمد
باقر علیه السلام فرموده که ابلیس متفرق میسازد لشکر شبش را

از وقت غایب شدن افتاب تا غایب شدن شفق و متفرق

میسازد لشکر روز را از وقت طلوع فجر تا طلوع افتاب و

فرمود که بسیار کنید ذکر خدای تعالی در این دو ساعت

و پناه برید بخدا تعالی از شر ابلیس و لشکرهاش و پناه

برید بخدای کوچکان خود را در این دو ساعت بدرستی که این دو

ساعت ساعتهای غفلت اند روایت کرده شیخ طوسی قدس سره

در تهذیب از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود که حضرت پیغمبر

صلی الله علیه واله که فرمود بجا آرید نافله را در ساعت غفلت اگرچه

دو رکعت خفیف باشد که انها ساعت جوان دار کرام که بهشت باشد

گفته شد یا رسول الله و چه چیز است ساعت غفلت فرمود که

میان مغرب و عشا و مخفی نیست که اینجا مراد مغربست و وقت

عشا که میان غروب افتاب و برطرف شدن شفق است چنانکه

مرشد است

مرشد است بان حدیث گذشته نه مابین العشائین و در

احادیث صحیح مذکور است که اول وقت خفتن غایب شدن

شفق است چنانکه خواهد امد و این مفهوم میشود که وقت

ادای نماز غفلت میان غروب و ذهاب شفق است

پس چون این وقت بیرون رود قضا میشود و سنت است

که در وقت غفلت دو رکعت دیگر نماز غفلت بطریق دیگر در

اول بعد از الحمد سیزده بار سوره زلزال و در دوم بعد از

الحمد پانزده بار قل هو الله احد روایت کرده شیخ طوسی قدس

سره از امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله

علیه واله فرمود کسی که بگذارد این نماز را در هر شب مزاحمت

کند با من در بهشت و نداند ثواب انرا مگر خدای تعالی

فصل و اول وقت نماز خفتن فارغ شدن است

از نماز شام بر مذهب مشهور و میکشد وقت فضیلتش تا
ثلث شب و وقت ادائش تا چهار رکعت مانده بنصف شب
و باید که بعد از فراغ از دو رکعت غفیله آنکه تفحص شفق مغربی
نمایی پس اگر شفق باقی باشد شروع در نماز خفتن مکن
تا آنکه شفق زایل شود زیرا که مذهب شیخ مفید و شیخ طوسی
قدس سرهما آنست که داخل نمیشود وقت عشا مگر بعد از
غایب شدن شفق روایت کرده در فقیه بسند صحیح از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که اول وقت نماز خفتن
برطرف شدن سرخیست و ان محمولست بر آنکه سنّت
تاخیر نماز عشا تا برطرف شدن شفق پس چون شفق زایل بود
باید که مبادرت کنی باذان و اقامت با دعاهایی که
پیش از اقامتست و بعد از ان شروع کن در نماز خفتن

بادا

بادابی که پیش گذشت و بخوان در رکعت اول سوره اعلی
یا سوره والشمس یا مثل اینها باشد در درازی چنانکه
روایت کرده در تهذیب بسند صحیح و در رکعت دوم سوره
قل هو الله احد مثل باقی نماز تا بعد از ان تکبیر بگو و در
قنوت بخوان آنچه گذشت در باب اول و آنچه می آید در باب
ششم و طول ده قنوت را و تعقیب را زیرا که وقت
وسیع است پس بخوان هر تعقیبی که مشترکست میان صباح
و شام بعد از ان آنچه مخصوصست بعشا و بگو اَللّٰهُمَّ
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُؤْ مِنَّا
مَكْرَكَ وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَكَ وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرَكَ
وَلَا تَحْرِمْنَا فَضْلَكَ وَلَا تُحِلَّ عَلَيْنَا غَضَبَكَ
وَلَا تُبَاعِدْنَا مِنْ جِوَارِكَ وَلَا تَنْقُصْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ

ولا تنزع عنا بركاتك ولا تمنعنا عافيتك واصلح
لنا ما اعطيتنا وزدنا من فضلك المبارك ه
الطيب الحسن الجميل ولا تغير ما بنا من نعمتك
ولا تؤيسنا من روحك ولا تهنا بعد كرامتك
ولا تضلنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك
رحمة انك انت الوهاب بعد از ان بخوان هر یکی از
ازفاتحه و توحید و معوذتین ده بار ده بار بعد از ان ده بار
بگو سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اکبر ده بار اللهم صل على محمد وآل محمد و بگو
اللهم افتح لي ابواب رحمتك واسبغ علي من
حلال رزقك ومتعني بالعافية ما ابقيتني
في سمعي وبصري وجميع جوارحي اللهم ما بنا

من

من نعمة فمنك لا اله الا انت استغفرك واتوب ب
اليك يا ارحم الراحمين **فصل** واين دعا هاى
طلب رزق است اللهم انه ليس لي علم بموضع رزقي
وانما اطلبه بخطرات تخطر على قلبي واجول في
طلبه البلدان وانا فيما اطلب كالحيران لا ادري
أفي سهل ام في بر ام في بحر وعلى يدي من ومن
قبل من وقد علمت ان علمه عندك واسبابه بيدك
وانت الذي تقسمه بلطفك وتسببه برحمتك
اللهم فصل على محمد وآل محمد واجعل يا رب رزقك
لي واسعا ومطلبه سهلا ومأخذه قريبا
ولا تعنني بطلب ما لم تقدر لي فيه رزقا فانك
غني عن عذابي وانا فقير الى رحمتك فصل على

محمد وآل محمد وجد على عبدك بفضلك انك ذو
فضل عظيم پس بگو بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل على محمد وآل محمد صلوة تبلغنا
بها رضوانك والجنة وتنجينا بها من سخطك والنار
اللهم صل على محمد وآل محمد وارني الحق حقا
حتى اجتنبه ولا تجعله على متشابها فاتبع
هواي بغير هدى منك واجعل هواي تبعا
لرضاك وطاعتك وخذ لنفسك رضا من نفسي
واهدني لما اختلف فيه من الحق باذنك انك
تهدي من تشاء الى صراط مستقيم اللهم صل
على محمد وآل محمد واهدني فيمن هديت و
عافني فيمن عافيت وتولني فيمن توليت وبارك لي
فيما

اتبعه وارني الباطل
باطلا حتى صح

فيما اعطيت وقني شر ما قضيت انك تقضي
ولا يقضى عليك وتجير ولا يجار عليك
تم نورك اللهم فهديت فلك الحمد وعظم
حلمك فعفوت فلك الحمد وبسطت يدك
بالخيرات فاعطيت فلك الحمد تطاع ربنا
فتشكر وتعصى ربنا فتغفر وتستر انت كما
اثنيت على نفسك بالكرم والجود لبيك و
سعديك والخير في يديك تباركت وتعاليت
لا ملجا ولا منجا الا اليك لا اله الا انت سبحانك
اللهم وبحمدك عملت سوء وظلمت نفسي فاغفر لي
وارحمني وانت ارحم الراحمين سبحانك اني
كنت من الظالمين لا اله الا انت سبحانك عملت
اللهم

منك صح

لا اله الا انت صح

سوءً وظلمت نفسي فاغفر لي يا خير الغافرين لا
اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك عملت سوءً
وظلمت نفسي فتب علي انك انت التواب الرحيم
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين
سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام
على المرسلين والحمد لله رب العالمين اللهم
صل على محمد وآل محمد وبيتني منك في عافية و
صبحني منك في عافية واسترني منك في عافية
وارزقني تمام العافية ودوام العافية والشكر
على العافية اللهم اني استودعك نفسي وديني
واهلي ومالي وولدي واهل حزانتي وكل
نعمة انعمت بها علي وتنعم فصل على محمد وآل محمد

واجعلني



واجعلني في كنفك وامنك وكلائك وحفظك
وحياطتك وكفايتك وسترك وذمتك وجوارك و
ودائعك يا من لا يضيع ودائعه ولا يخيب سائله
ولا ينفد ما عنده اني ادراء بك في نحور اعدائي
فكد من كادني وبغى علي اللهم من ارادنا فارده و
من كادنا فكده ومن نصب لنا عداوة فخذه يا رب
اخذ عزيز مقتدر اللهم صل على محمد واصرف عني
البليات والآفات والعاهات والنقم ولزوم السقم
وزوال النعم وعواقب التلف وما تغير به الاسماء لغضبك
وما عتت به الريح عن امرك وما اعلم وما لا اعلم وما
اخاف وما لا اخاف وما احذر وما لا احذر وما انت
اعلم به اللهم صل على محمد وآل محمد وفرج همي ونفس غمي



وسهّل حزني واكفني ما ضاق صدري وعيل به صبري
وقلّت فيه حيلتي وضعفت فيه قوّتي وعجزت عنه
طاقتي وردّتني فيه الضرورة عند انقطاع الآمال
وخيبة الرجاء من المخلوقين اليك فصلّ على محمد
وآل محمد واكفنيه يا كافيا من كل شيء ولا يكفي منه
شيء اكفني كل شيء حتى لا يبقى شيء يا كريم اللهم
صلّ على محمد وآل محمد وارزقني حج بيتك الحرام
وزيارة نبيك صلواتك عليه وآله مع التوبة
اللهم اني استودعك نفسي واهلي وولدي
واخواني واستكفيك ما اهمّني وما لم يهمّني
واسئلك بحرمتك من خلقك الذي لا يمنّ به
سواك يا كريم الحمد لله الذي قضى عني صلوة كانت
علی

على المؤمنين كتابا موقوتا بعد ازان دو سجده
شكر كن وبگو در سجده اول اللهم انت انت انقطع الرجاء
الا منك يا احد يا من لا احد له يا احد من لا
احد له يا احد من لا احد له غيرك يا من لا يزيده
كثرة العطاء الا كرما وجودا يا من لا يزيده كثرة
العطاء الا كرما وجودا يا من يزيده كثرة العطاء
الا كرما وجودا صل على محمد واهل بيته صل على محمد
وآله واهل بيته صل على محمد واهل بيته وافعل بي
كذا وكذا بعد ازان پيشاني چپ بر زمين بگذار و
همان دعا بخوان پس بگو واين از دعاهائيست كه از براي
دفع سختيهاست يا سابغ النعم يا دافع النقم
يا باري النسم يا مجلي الهمم يا مغشي الظلم يا كا
شف

الضر والالم یا ذا الجود والکرم یا سامع کل صوت
یا مدرک کل فوت یا محیی العظام وهی رمیم و
منشئها بعد الموت صل علی محمد وآله واجعل لی من امری
فرجا ومخرجا یا ذا الجلال والاکرام پس دو رکعت
وتیره بجا آر نشسته و جایز است ایستاده ومشهور اولست
وبعضی از علمای ما ذکر کرده که نشستن در این دو رکعت افضلست از ایستادن
و در تهذیب روایت کرده بسند صحیح که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرموده که دو رکعتست بعد از عشا پدرم میگذارد
انها را نشسته ومن میگذارم ایستاده وعمل با بر مشهور است
ومیکشد وقت این دو رکعت تا آنکه وقت عشا باشد پس
بعد از نصف قضاست وسنتست که در اول این دو رکعت
هفت تکبیر بگوئی با سه دعا مذکور وبخوان در رکعت اول

سوره الملک یا واقعه ودر دویم سوره توحید وبعد از
فراغ بخوان آنچه خواهی

باب پنجم

در بیان آنچه میان
وقت خواب تا نصف شب کاباید آورد چون خواهی که
بخوابی اول طهارت ساز روایت کرده در فقیه که حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام فرمود کسی که طهارت سازد
وبخوابد در فراشش خود بخوابد وفراشش چون مسجدش باشد
وعلمای ما قدس سره ذکر کرده اند که با قدرت بآب تیمم
جایز است تیمم برای خوابیدن همچو تیمم برای نماز جنازه است
در روایت واقع شده از اصحاب عصمت صلوات الله
علیهم اجمعین خواند سوره قل هو الله صد بار همچنین که روایت
کرده ثقة الاسلام در کافی بطریق صحیح از ابی اسامه که گفت
شنیدم که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام میگفت که

کسی که بخواند قل هو الله احد صد بار در وقت خواب امرزیده
میشود انچه بوده پنجاه سال پیش ازین روایت کرده ایضا
از انحضرت بدرستی که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی
که بخواند الهیکم التکاثر وقت خواب نگاه داشته میشود از
فتنه خواب و سنتست در وقت خواب خواندن سوره
توحید و جحد چنانکه روایت کرده رئیس المحدثین در فقیه بسند
صحیح از محمد ابن مسلم که گفت بمن گفت حضرت امام محمد باقر
علیه السلام که هر گاه مرد جانب راست را بزمین گذارد
پس باید که بگوید بسم الله اللهم انی اسلمت نفسی
الیک و وجهت وجهی الیک و فوضت امری
الیک والجات ظهری الیک توکلت علیک رهبة
منک و رغبة الیک لا ملجاء و لا منجاء منک

الا الیک امنت بکتابک الذی انزلت وبنبیک
الذی ارسلت پس تسبیح کن تسبیح فاطمه زهرا علیها
السلام اینست آخر حدیث بدانکه سنت تسبیح فاطمه
در دو جا بعد از نماز و وقت خواب و ظاهر روایتی که
دالست در دوم تقاضا میکند تقدیم سبحان الله را
بر الحمد لله و ظاهر روایتی صحیح که مطلق است تقاضا میکند
تاخیرش را از الحمد و باکی نیست به بسط کلام درین مقام
اگرچه خارجست از حد کتاب اختلاف کرده اند علمای ما
درین باتفاق در ابتدا بتکبیر زیرا که صحیح محمد ابن سنان
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام صریحست در
ابتدا بتکبیر و مشهور معمول در تعقیبها تقدیم تحمید است
بر تسبیح و رئیس المحدثین و پدرش ابن جنید قایلند بتاخیرش

از تسبیح و روایات از ائمهٔ هدی علیهم السلام خالی از
اختلافی نیست و روایات معتبره که ظاهرش تقدیم تحمید است
اطلاقش شاملست آنچه بعد از نماز باشد و آنچه وقت خواب
و آن اینست که روایت کرده شیخ طوسی قدس سره در
کتاب تهذیب بسند صحیح از محمد بن عذافر گفت داخل شدم
با پدرم بر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پس سؤال
کرد پدرم از آنحضرت از تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام
پس آنحضرت فرمود الله اکبر تا شمرد سی و چهار بار پس گفت
الحمد لله تا رسید بشصت و هفت پس گفت سبحان الله
بصد شمرد آنحضرت اینها را بدستش همه را یک جمله و روایتی
که ظاهرش تقدیم تسبیح است بر تحمید مخصوصست بآنچه در وقت
خوابست و آن اینست روایت کرده رئیس المحدثین در فقیه

که

که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گفت بمردی از بنی سعد
آیا حدیث کنم بشما از من و از فاطمه نزد من بود پس فاطمه
چندان آب کشید بمشک که اثر کرد در سینه‌اش یعنی نشان
آن در سینهٔ ایشان ماند و چندان آرد کرد بدست خود
باسیای دستی تا آنکه آبله کرد دستهایش و چندان خانه
جاروب کرد که رختهایش غبار آلوده شد و چندان آتش
کرد در زیر دیگ که چرکین و سیاه شد رختهایش پس
رسید باو از این ضرری سخت پس گفتم من باو که اگر بروی
پیش پدرت و سؤال کنی از او خدمتکاری که کفایت کند ترا
سختی و شدت این کار ترا پس آنحضرت آمد پیش پیغمبر صلی الله
علیه و آله پس یافت پیش آنحضرت جوانانرا پس حیا کرد و برگشت
پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله دانست که حضرت فاطمه ع

براي حاجتي امده پس صباح پيش ما امد و ما در لحاف بوديم
گفت السلام عليكم پس ديگر گفت السلام عليكم پس ما
ساكت شديم و شرم كرديم در جاي خود پس گفت السلام
عليكم پس ترسيديم كه اگر رد سلام نكنيم بر گردد و عادت
انحضرت ان بود كه سه بار سلام ميكرد اگر اذن ميدادند
والا بر ميگشت پس گفتيم و عليك السلام يا رسول الله
داخل شو پس انحضرت داخل شد و نشست پيش سر ما و گفت
اي فاطمه چه بود حاجت تو ديروز نزد محمد صلي الله عليه و آله
پس ترسيدم اگر جواب نگوييم برخيزد پس بيرون اوردم سرم را
پس گفتم والله من خبر دهم ترا يا رسول الله بدرستي كه فاطمه
اب كشيد بمشك تا نشان اب بسينه اش ماند و دست اس كرد
تا دستهاش ابله كرد و خانه جاروب كرد تا انكه رختهاش غبار

الوده

الوده و خاك الوده شد و زير ديگ چندان اتش كرده
كه رختهاش سياه شده پس گفتم من با او كه اگر بيائي پيش
پدرت پس سوال كني از او خادمي كه كفايت كند ترا سختي
ازاين كار ترا پس حضرت پيغمبر صلي الله عليه و آله فرمود ايا
پس تعليم نكنم شما را چيزي كه بهتر است براي شما از خادم
هر گاه بخوابگاه خود شديد تكبير بگوييد سي و چهار تكبير و تسبيح
كنيد سي و سه و تحميد بگوييد سي و سه بار پس بيرون آورد
فاطمه عليها السلام سرش را و گفت راضي شدم از خدا و
رسولش و مخفي نماند كه اين روايت صريح است در تقديم
تسبيح تحميد زيرا كه واو افاده ترتيب نميكند و از براي
مطلق جمعيت براصح چنانكه در اصول مبين است بلي
ظاهر تقديم لفظي تقاضاي اين ميكند و همچنين روايت

گذشته هم صریح اینست در تقدیم تحمید بر تسبیح زیرا که
لفظ هم در انجا از کلام راویست پس باقی نمانده مگر ظاهر
تقدیم لفظی پس تنافی میانه این دو روایت بحسب ظاهر است
پس حمل باید کرد دویم را بر اول بجهت صحیح بودن سند اول
و قوة یافتن ان ببعضی روایات ضعیفه چنانکه روایت
کرده ابی بصیر که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گفت
در بیان تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام ابتدا میکنی بتکبیر
سی و چهار بار بعد از ان تحمید سی و سه بار بعد از ان بتسبیح
سی و سه بار و این روایت صریح است در تقدیم الحمد لله
پس این مؤید ظاهر لفظ روایت صحیحه است پس حمل باید
کرد روایت دیگر بر خلاف ظاهر لفظش تا منافات میان
روایات برطرف شود اگر کسی گوید که ممکنست عمل بظاهر

هر دو روایات بانکه حمل کنیم روایت اول را بر انچه بعد از
نماز است و دویم را بر انچه وقت خواب پس احتیاج نیست
بگردانیدن روایت دویم از ظاهرش پس وجه عدول
از این چیست گوییم برای انکه قایل بفرق میان این دو حال
نیافتیم بلکه انچه ظاهر میشود بعد از تتبع تام آنست که هر یک
از فریقین قائلند بتقدیم تحمید و تاخیرش قائلند بان مطلقا
خواه بعد از نماز و خواه وقت خواب باشد پس قایل شدن
بتنصیص مذکور احداث قول ثالثست در مقابل اجماع
مرکب اما انچه گفته میشود اگر احداث قول ثالث وقتی
ممتنعست که لازم اید از ان برطرف شدن انچه امت
بران اجماع کرده اند چنانکه مذکور است در کنیز باکره
که مشتری وطی کرده باشد و خواهد که انرا بسبب عیبی پس دهد

وارش بکارت بدهد زیرا که علما اتفاق کرده اند بر انکه پس
دادند کنیز مذکور بی ارشی بکارت جایز نیست بخلاف
اگر باعث رفع ما اجمع علیه الامة نباشد مثل قایل شدن بفسخ
بسبب بعضی از عیبهای یگانه دون بعضی دیگر زیرا که هر یک
فریقین موافقند در یک قسم چنانکه در اینجا ست زیرا که مانعی
از اینست مثل قول بصحت بیع غایب و عدم قتل مسلم بذمی
بعد از آنکه یکی از دو فریق قایلند بقول ثانی و نقیض اول و جمعی
دیگر بعکسش پس جواب انست که این تفصیل را نسبت بمذهب
سنیان اما بر مذهب ما که قایلیم بانکه حجت بودن اجماع بنسبت با
که کاشف است از داخل بودن معصوم پس درست نیست
زیرا که مخالفت در اینصورت مذکور حاصل است اگر چه موافق
باشد قایل هر یک از فریقین در قسمی و همچنین در بیع و قتل فصل

وباید

و باید که خوابیدن تو بر جانب راست باشد زیرا که این خواب
مؤمنین است چنانکه روایت کرده کلینی در کافی بسند صحیح
از احمد ابن اسحق گفت که گفتم بابی محمد یعنی حضرت امام حسن عسکری
علیه السلام فدای تو گردم من غمناکم بسبب چیزی که بمن رسید
و بتحقیق که اراده کردم که سؤال کنم و بپدر تو علیه السلام از آن
پس نشد میسر مرا آن پس آنحضرت فرمود که چه چیز است ای احمد
پس گفتم روایت کرده شد مارا از پدران تو علیهم السلام
بدرستی که خوابیدن پیغمبران بر قفاست و خواب مؤمنین
بر جانب راستشان و خواب منافقین بر جانب چپ و خواب
شیاطین بر روهاشان پس آنحضرت فرمود بلی اینچنین است
پس گفتم یا سیدی بدرستی که من جهد میکنم که بر جانب راست
بخوابم پس مرا ممکن نمیشود و خوابم نمی آید بر جانب راست پس

ساعتی ساکت شد و گفت ای احمد نزدیک شو بمن پس من
نزدیک شدم پس دست را داخل ساختم در زیر رختها پس من
داخل ساختم پس آنحضرت بیرون آورد و دستش را از زیر
رختهاش پس کشید دست راستش را بر جانب چپ من و
دست چپش را بر جانب راست من و سه بار پس احمد گفت
که دیگر نتوانستم که بخوابم بر جانب چپ از آن زمان که حضرت
امام حسن پیغمبر صلی الله علیه و آله چنان کرد بمن و هرگز خواب
نمی آید مرا بر جانب چپ و از دعاهائی که نزد پهلو بر زمین
نهادن باید خواند اینست که روایت کرده کلینی در کافی
بطریق صحیح که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که کسی که سه بار بگوید در وقت خوابیدنش الحمد لله
الذی علا فقهر والحمد لله الذی بطن فخبر

والحمد لله

وَالحمدُ لِلّهِ الَّذِی مَلَکَ فَقَدَرَ وَالحمدُ لِلّهِ الَّذِی
یُحیِی المَوتیٰ وَیُمِیتُ الاَحیَاءَ وَهُوَ عَلیٰ کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ
بیرون رود از گناهان چون روزی که مادر او را زائیده باشد
و روایت کرده در کتاب مذکور که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده
کسی که بخواند این آیه را در وقت خوابیدنش قُل اِنَّمَا اَنَا
بَشَرٌ مِثلُکُم یُوحیٰ اِلَیَّ اَنَّمَا اِلٰهُکُم اِلٰهٌ وَاحِدٌ فَمَن کَانَ
یَرجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلیَعمَل عَمَلاً صَالِحًا وَلَا یُشرِک بِعِبَادَةِ
رَبِّهِ اَحَدًا درخشنده و هویدا شود برای او نور مسجد
الحرام در میان آن فرشتها باشند که استغفار کنند برای او
و هم در کتاب مذکور است که حضرت امام جعفر صادق ع
فرموده که هیچ بنده نیست که بخواند آخر سوره الکهف را در
وقتی که بخوابد مگر آنکه بیدار شود در آن ساعتی که خواهد

مصنف کتاب ادام الله ظله میفرماید که این از اسرار عجیبه است
و مجربست که شکل نفت مراو باجزا الکهف همین این است
که پیش ازاین مذکور شد واگر از عقرب و امثال ان ترسی
پس بگو انچه درکتاب مذکور روایت کرده که امام محمد باقر
علیه السلام فرمود کسی که بخواند این کلمات را پس من ضامنم
که نرسد باو عقربی و نه گزنده تا صباح کند اینست
اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ
بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ
وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّي
عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ روایت کرده درکتاب مذکور
برای دفع احتلام که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود هرگاه از جنابت ترسی بگو در فراشت اَللّٰهُمَّ اِنِّي

اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْاِحْتِلَامِ وَمِنْ شَرِّ الْاَحْلَامِ وَمِنْ
اَنْ يَتَلَاعَبَ بِيَ الشَّيْطَانُ فِي الْيَقَظَةِ وَالْمَنَامِ
ایضا روایت در ان که پیغمبر صلی الله علیه و آله بود هرگاه
میامد بر تخت خواب میگفت بِسْمِكَ اَللّٰهُمَّ اَحْيَا
وَبِسْمِكَ اَمُوتُ و هرگاه بیدار میشود میگفت
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَحْيَانِي بَعْدَ مَا اَمَاتَنِي وَاِلَيْهِ
النُّشُورُ روایت کرده درکتاب مذکور برای ایمن
بودن از فرود امدن خانه که حضرت امام رضا علیه السلام
فرمود نگوید هیچکس هرگاه که خواهد که بخواند اِنَّ اللهَ
يُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ
زَالَتَا اِنْ اَمْسَكَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ
كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا پس خانه بر سرش فرود آید

یعنی چون این را کسی بگوید خانه بر سرش فرود نیاید چون
در کتاب مذکور روایت کرده که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرموده هرگاه بشنوی او از خروس پس بگو
سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّنَا وَرَبُّ الْمَلٰئِكَةِ وَالرُّوحِ
سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ
وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي
ذَنْبِي اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ و باید که وقت
خوابیدن سرمه بکشید روایت شده که پیغمبر صلی الله علیه و آله
میکشید اثمد که سرمه سنگ سیاه است در چشم هرگاه
اراده میکرد که فراش خواب و در روایتست که
حضرت امام رضا علیه السلام فرموده کسی که برسد او را
ضعفی در چشمش پس باید که بکشد در چشم هفت میل

در محل خواب از سرمه سنگ سیاه چهار در چشم
راست و سه در چشم چپ و هم از آن حضرتست که
سرمه کشیدن در وقت خواب امانست از آبی که
بچشم نازل شود و در روایتست که نزد سرمه کشیدن
این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ
تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي
وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْاِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ
السَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي وَ
الشُّكْرَ لَكَ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِي روایت کرده
کلینی در کافی بسند حسن که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرموده هرگاه ببیند شخصی در خواب

چیزیرا که کاره باشد پس باید که بگردد ازان جانبی
که بران خوابیده بوده و باید که بگوید إِنَّمَا النَّجْوَىٰ
مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ
بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ پس بگوید عُذْتُ
بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَأَنْبِيَاؤُهُ
الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُهُ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا
رَأَيْتُ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ **باب ششم**
در بیان انچه از نصف شب تا طلوع فجر بجا باید اورد
و دران مقدمه ایست و چند فصل **مقدمه** احادیث
بسیار از اصحاب عصمت سلام الله علیهم وارد
شده در ترغیب برخواستن شب و بیان فضیلت
ان روایت کرده کلینی در کافی بسند صحیح که حضرت
امام

امام جعفر صادق علیه السلام فرموده شرف مومن برخواستن
اوست در شب و عزتش استغنای اوست از مردم
و هم دران کتاب روایت کرده بسند حسن از عبدالله
بن سنان گفت شنیدم که میگفت که سه چیز است
که انها فخر مومن و زینتش در دنیا و اخرت نماز در اخر
شب و مایوس بودنش از انچه در دست مردم است
و دوست داشتن او امامی را از ال محمد صلی الله
علیه و آله و سلم و هم در کافی روایت کرده از
انحضرت بسند حسن در تفسیر قول خدا تعالی وَكَانُوا
قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ فرموده انجماعت را
کم شبی فوت میشد برنمیخواستند در انها و هم در کافی
روایتیست که شخصی امد نزد حضرت امیرالمومنین ع

پس گفت من محروم شده ام از نماز شب پس آنحضرت
فرموده که تو مردی که گناهان تو ترا مقید ساخته
و روایت کرده شیخ طوسی در تهذیب بسند صحیح از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام در بیان آیه اِنَّ
نَاشِئَةَ اللَّیْلِ هِیَ اَشَدُّ وَطْأً وَاَقْوَمُ قِیلاً
گفت مراد برخواستن او است از فراشش که اراده
نکند بان مگر خدا تعالی و هم در تهذیب روایت کرده
بسند صحیح از آنحضرت علیه السلام که فرمود هیچ بندهٔ
نیست که بیدار کرده میشود در هر شبی یکبار یا دو
بار پس اگر برخواست همانست و الا شیطان پاهایش
از هم دور میکند پس بول میکند در گوشش آیا نمی
بینید یکی از شما که چون برخواست و بان بیداری بر خواسته

برمیخزد

برمیخیزد ثقیل و کاهل شده و هم در تهذیب روایت
کرده بسند صحیح از عمر بن یزید که او شنید از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام که فرمود که در هر شب ساعتیست که موافق
نکرده آن ساعت را بندهٔ مسلم که نماز گزارده و دعا و طلب
کند از خدا تعالی در ان مگر که خدا تعالی مستجاب کرداند
برای او در هر شب گفتم اصلحک الله پس چه ساعتست از شب
گفت هرگاه بگذرد از نصف تا ثلث ثانی و روایت کرده رئیس المحدثین
شب بر
در فقیه بسند صحیح از عبد الله بن سنان که او سؤال کرده از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از قول خدا تعالی سِیمَاهُمْ
فِی وُجُوهِهِمْ مِنْ اَثَرِ السُّجُودِ آنحضرت فرمود مراد بیداریست
در شب در نماز و روایات از اصحاب عصمت سلام الله
علیهم در ترغیب و ثواب نماز شب بسیار است فصل

و چون بیدار شوی از خواب آنچه باید بجا آورد سجده است
برای خدای تعالی روایتست از پیغمبر صلی الله علیه وآله
که چون از خواب بیدار شدی سجده کردی و چون سر
از سجده برداری بگو الحمد لله الذی احیانی بعد
ما اماتنی والیه النشور الحمد لله الذی
رد علی روحی لاحمده واعبده و روایت کرده
کلینی در کافی بسند حسن که حضرت امام محمد باقر علیه السلم
فرمود هرگاه شب برخیزی پس نظر کن باطراف آسمان
و بگو اللهم انه لا یواری عنك لیل ساج
و لا سماء ذات ابراج و لا ارض ذات مهاد و
لا ظلمات بعضها فوق بعض و لا بحر لجی یدلج
بین المدلج من خلقك تعلم خائنة الاعین وما یدیه

الصدور

الصدور وغارت النجوم ونامت العیون و
انت الحی القیوم لا تأخذك سنة ولا نوم
سبحان رب العالمین واله المرسلین والحمد
لله رب العالمین بعد از ان بخوان پنج آیه از آخر
آل عمران ان فی خلق السموات والارض واختلاف
اللیل والنهار لایات لاولی الالباب الذین
یذکرون الله قیاما وقعودا وعلی جنوبهم
ویتفکرون فی خلق السموات والارض ربنا
ما خلقت هذا باطلا سبحانك فقنا عذاب
النار ربنا انك من تدخل النار فقد اخزیته
وما للظالمین من انصار ربنا اننا سمعنا
منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا

وَتَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ رَبَّنَا
وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا

رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا
عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّكَ
لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ **فصل** وقت نماز شب بعد از
نصف شب و آنرا هم زوال میگویند روایت کرده رئیس
المحدثین در فقیه که عمر بن حنظله سؤال کرد از
امام جعفر صادق علیه السلام و گفت که زوال روز
را بیرون میدانیم پس چون بدانیم در شب پس آنحضرت
فرمود که شب را هم زوالیست همچون از زوال آفتاب
گفت پس بچه چیز بدانیم حضرت فرمود که بستارها چون منحدر
شوند یعنی چون شروع کنند بپایین آمدن آن ستارها
که طلوع کرده در وقت غروب آفتاب از نصف النهار
وظاهر آنست که مراد ستارهایی باشد که در اول شب

طلوع

طلوع کرده باشد نزد غروب شمس چنانکه شیخ شهید
علیه الرحمه فرموده است مراد از انحدار شروع است
در پستی در احادیث گاهی مراد یازده رکعت که در دو
رکعت شفع و یک رکعت وتر هم داخل باشد و گاهی سیزده
رکعت که دو رکعت نافله فجر هم داخل باشد و نماز
شب از سنتهای مؤکد است و مبالغه در آن
بسیار است روایت کرده شیخ طوسی در تهذیب
بسند صحیح که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که بود در وصیت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
بحضرت امیر المؤمنین علی ع انکه یا علی وصیت میکنم ترا
بخصلتی چند در نفس خود پس حفظ کن آنها را
پس گفت بار خدایا یاریش کن و ذکر خصلتی چند تا آنکه

نماز شب هشت رکعت
و گاهی مراد صو

فرمود وعلیک بصلوة اللیل وعلیک بصلوة اللیل
وعلیک بصلوة اللیل یعنی بر تو باد قیام نماز شب
که مراد آنحضرت نماز شب سیزده رکعتست ونماز زوال
علیک بصلوة الزوال علیک بصلوة الزوال علیک
بصلوة الزوال هشت رکعتی که نماز نافله زوالست
چنانکه بعضی از علمای ما فرموده پس چون متوجه شوی
بعبادت وترا حاجتی باشد به بیت الخلا ابتدا کن
پس اگر در دست انگشتری یا بالو چیزی باشد که
از احترامی وعزتی باید داشت از نامها وغیر آن
پس از همراه داخل بیت الخلا مساز همچنین زر سفید
که در چیزی نبسته باشی بعد از آن پای چپ را پیش
بگذاردی نزد اول در آمدن اگر خانه باشد واگر صحرا باشد

پس

پس پای چپ را پیش دار ود درجای نشستن وبگو
بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الرِّجْسِ النَّجِسِ الْخَبِيثِ
الْمُخْبِثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ واگر قضای حاجت در صحرا کنی
باید که جای باشد که کسی ترا نبیند وباید که در حال قضای حاجت
سنگینی در پای چپ اندازی وپای راست را دور نگاه داری
وبسیار نشینی وحرف نزنی مگر برای کاری که ترسی فوت شود یا خواندن
آیة الکرسی که سنت یا گفتن اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ یا حکایت اذ
ان یا ذکر خدا تعالی وچون فارغ شوی برخیز ودست راست بر شکم
کش وبگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَمَاطَ عَنِّي الْاَذَى وَهَنَّانِي طَعَامِي
وَشَرَابِي وَعَافَانِي مِنَ الْبَلْوَى پس استبرا کن بآنکه بکشی انگشت
میانه از پیش مقعدت تا اصل ذکر بعد از آن انگشت سبابه را از زیر
بگذاری وابهام را بالا وبیفشانی وسه بار بیفشر ختنه را وسه بار

تنحنح کن پس چون خواهی که استنجا کنی باب یعنی خود را طهارت دهی
پس بگو اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذِی جَعَلَ المَاءَ طَهُوراً وَلَم یَجعَلهُ نَجِساً
و بدست چپ استنجا کنی و اگر در این دست انگشتری باشد
بکیفیتش سنگ ریزه زمزم باشد انرا بیرون کنی و مقعد را که بشوی
بانگشت بنصر و بدست راست مس ذکر مکن و در غیر متعدی هم
اختیار آب کن بر سنگ و جمع اولی است خواه متعدی باشد و خواه نه
و مراد بغیر متعدی از غایط انست که نجاست بحوالی مقعد نرسیده
باشد و مقعد را انقدر بشو که احساس کنی بصریر یعنی ان موضع را چندان
بشو که از وجه نجاست زایل شود و درشتی پوست محسوس شود و در حال
استنجا بگو اَللّهُمَّ حَصِّن فَرجِی وَاَعِفَّهُ وَاستُر عَورَتِی
وَحَرِّمنِی عَلَی النَّارِ و مقدم داشتن مقعد را بر شستن ذکر و اگر
بسنگ استنجا کنی و بسه سنگ پاک نشود عدد انها را طاق ساز

و بهر سنگی

و بهر سنگی تمام مخرج را پاک کن و ان سنگ را به تمام دور مقعد
برسانی چون از خلا بیرون آیی مقدم دار پای راست را
و نزد بیرون آمدن بگو اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذِی عَرَّفَنِی لَذَّتَهُ وَاَبقَی
فِی جَسَدِی قُوَّتَهُ وَاَخرَجَ عَنِّی اَذَاهُ بالها نعمةً بالها
نعمةً بالها نعمةً لا یَقدِرُ القَادِرُونَ قَدرَهَا
فصل چون خواهی که وضو بسازی اول مسواک
کن بعد از ان وضو بساز چنانکه در باب اول وضوی کامل
ذکر کردیم در باب اول خود را خوشبوی ساز و روایت شده
که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که حضرت پیغمبر صلعم
را مسکه بود یعنی مشکدانی که هر گاه وضو میساخت از ان بدست
میگرفت و دست انحضرت تر بود و هم از ان حضرت صلی الله
علیه و آله روایت که دو رکعت نماز با بوی خوش بهتر است

از هفتاد نماز بی بوی خوش سنت است برای هر نماز
وهر دعایی ومخصوص است بنماز شب وچون از وضو فارغ
شدی بوی خوش کردی بنشین رو بقبله وبخوان این دعا را
که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در دل شب میخواند
إلهي غارت نجوم سمائك ونامت عيون أنامك
وهدأت أصوات عبادك وأنعامك وغلّقت
الملوك عليها أبوابها وطاف عليها حراسها واحتجبوا
عمن يسألهم حاجة أو ينتجع منهم فائدة وأنت إلهي حي
قيوم لا تأخذك سنة ولا نوم ولا يشغلك شيء عن شيء
أبواب سمائك لمن دعاك مفتحات وخزائنك غير مغلقات
وأبواب رحمتك غير محجوبات وفوائدك لمن سألك
غير محظورات بل هي مبذولات أنت إلهي الكريم الذي

لا ترد سائلا من المؤمنين سألك ولا تحتجب عن أحد
منهم أرادك لا وعزتك وجلالك لا تختزل حوائجهم
دونك ولا يقضيها أحد غيرك اللهم وقد ترى
وقوفي وذل مقامي بين يديك وتعلم سريرتي
وتطلع على ما في قلبي وما يصلح به أمر آخرتي
ودنياي اللهم إن ذكر الموت وأهوال المطلع
والوقوف بين يديك نغصني مطعمي ومشربي   مطعمي بر
وأغصني بريقي وأقلقني عن وسادي ومنعني
رقادي كيف ينام من يخاف ملك الموت في
طوارق الليل وطوارق النهار بل كيف ينام
العاقل وملك الموت لا ينام لا بالليل ولا
بالنهار ويطلب روحه بالبيات وفي آناء الساعات

بعد ازان امام زین العابدین علیه السلام بعد ازاین سجده
میکرده و روی مبارکش را بر خاک میچسبانیده و میکفت
اسئلک الروح والراحة عند الموت والعفو
عنی حین القاک و بعد ازانحضرت علیه السلام پیش از نماز شب
دو رکعت میکذارد در رکعت اول الحمد و قل هو الله احد
و در دوم قل یا ایها الکافرون بعد ازان دست بر میداشت
بتکبیر و دعا میکرد و چون تو این دو رکعت را بجا اری بکو
که این دعا را که ابو دردا روایت کرده که حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام در دل شب میخواند الهی کم
من موبقة حلمت عن مقابلتها بنعمتک وکم
من جریرة تکرمت عن کشفها بکرمک الهی
ان طال فی عصیانک عمری وعظم فی الصحف

ذنبی

ذنبی فما انا مؤمل غیر غفرانک ولا انا
براج غیر رضوانک الهی افکر فی عفوک فتهون علی
خطیئتی ثم اذکر العظیم من اخذک فتعظم علی بلیتی
آه ان انا قرأت فی الصحف سیئة انا ناسیها وانت
محصیها فتقول خذوه فیاله من ماخوذ لا تنجیه
عشیرته ولا تنفعه قبیلته آه من نار تنضج الاکباد
والکلی آه من نار نزاعة للشوی آه من غمرة
من ملهبات لظی بعد ازان گریه کن و هر دعایی که
خواهی بکن **فصل** بعد ازان بر خیز بنماز شب و اجماع
علماست بر آنکه اول وقت نماز شب از نصف آخر تا طلوع
فجر صادق و هر چند نزدیکتر بفجر صادق باشد افضل است
و اگر چهار رکعت از نماز شب کرده باشی و صبح صادق طلوع

کند نماز شب را تمام کن بالحمد تنها و اگر کسی را عذری باشد جایز است
که پیش از نصف شب بجا آرد اما قضایش افضلست از تقدیم
بالید چون خواهی که شروع در نماز شب کنی بگو اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ
اِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ وَاُقَدِّمُهُمْ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی
فَاجْعَلْنِی بِهِمْ وَجِیْهاً فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِیْنَ
اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنِی بِهِمْ وَلَا تُعَذِّبْنِی بِهِمْ وَاهْدِنِی بِهِمْ
وَلَا تُضِلَّنِی بِهِمْ وَارْزُقْنِی بِهِمْ وَلَا تَحْرِمْنِی بِهِمْ وَ
اقْضِ لِی حَوَائِجِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ
وَبِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ بعد از ان نیت کن که دو رکعت نماز شب میگذارم
سنت برای رضای خدا و هفت تکبیر بگو با آن سه دعا که پیشتر مذکور
شد و فضل انست که در رکعت اول بعد از الحمد سی بار قل هو الله بخوانی
ودر رکعت دوم یک قل یا ایها الکافرون ودر رکعتهای دیگر

سورها

سورهای دراز مثل سورهٔ انعام والکهف و انبیا و یس
و حم و انچه بقدر اینها باشد و در جمیع نمازهای سنتی جایز است
که از روی مصحف قرائت کند اگرچه غیر آن سورها از بر
داشته اما در نماز واجبی جایز نیست مگر انکه هیچ سوره
از بر نداشته باشد و بعضی از علما گفته اند که در نماز
واجبی هم جایز است از روی مصحف خواندن مطلقا
و این قول ضعیف است و اگر وقت نماز تنگ باشد کافیست
الحمد و قل هو الله احد در همه رکعتها بلکه الحمد تنها هم کافیست
بدانکه اتفاق علماست بر انکه قنوت چنانکه در رکعت دوم
نماز واجبی سنت است در نماز سنتی هم سنت چنانکه روایت
کرده کلینی در کافی بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع
کافیست در قنوت گفتن اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا

وعافنا واعف عنا في الدنيا والآخرة انك
علی کل شيء قدير چنانكه در كافی روایت کرده از
همان حضرت علیه السلام بسند حسن در روایتی وارد است
اکتفا در قنوت بسه تسبیح وسنت است بلند خواندن قنوت
اگرچه در نمازهای سنتی روز باشد وسنت است طول دادن
در قنوت خصوصا در نماز شب واگر وقت وسیع باشد
روایت کرده در فقیه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرموده که از شما هر
که قنوت دراز تر است راحت او در روز قیامت بیشتر است
وشیخ رضی الدین علی بن طاوس قدس سره در کتاب
نهج الدعوات پارهٔ از قنوتهای طویل که ائمه ما علیهم السلام
میخوانده اند ونفرین بر دشمنان میکرده اند ذکر کرده و
جایز است قنوت از روی نوشته و کتاب خواندن در نماز

سنتی

سنتی ودر نماز واجبی جایز نیست واز قنوتهای مختصر
که در سنتی و واجبی میتوان خواند این دعاست که از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده الهی کیف ادعوك
وَقَدْ عَصَيْتُكَ كَيْفَ لَا اَدْعُوكَ وَقَدْ عَرَفْتُ حُبَّكَ
فِي قَلْبِي وَاِنْ كُنْتُ عَاصِيًا مَدَدْتُ اِلَيْكَ يَدًا
بِالذُّنُوبِ مَمْلُوَّةً وَعَيْنًا بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةً
مَوْلَايَ اَنْتَ عَظِيمُ الْعُظَمَاءِ وَاَنَا اَسِيرُ الْاُسَرَاءِ
اَنَا الْاَسِيرُ بِذَنْبِي الْمُرْتَهَنُ بِجُرْمِي اِلٰهِي لَئِنْ طَالَبْتَنِي
بِذَنْبِي لَاُطَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ وَلَئِنْ طَالَبْتَنِي صح
بِجُرْمِي لَاُطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ وَلَئِنْ اَمَرْتَ بِي اِلَى
النَّارِ لَاُخْبِرَنَّ اَهْلَهَا اَنِّي كُنْتُ اَقُولُ لَا اِلٰهَ
اِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ الطَّاعَةَ لَتَسُرُّكَ
وَالْمَعْصِيَةَ لَا تَضُرُّكَ فَهَبْ لِي مَا يَسُرُّكَ وَاغْفِرْ لِي

مما لا يضرك يا ارحم الراحمين و اگر خواهی در قنوت
این امام محمد جواد را بخوان اللهم ان الرجاء بسعة رحمتك
انطقني باستقالتك و الامل لاناتك و رفقك
شجعني على طلب امانك و عفوك ولي يا رب
ذنوب قد واجهتها اوجه الانتقام و خطايا
قد لاحظتها اعين الاصطلام و استوجبت
بها على عدلك اليم العذاب و استحققت
باجتراحها مبير العقاب و خفت تعويقها لاجابتي
و ردها اياي عن قضاء حاجتي و ابطالها لطلبتي
و قطعها لاسباب رغبتي من اجل ما انقض
ظهري من ثقلها و بهظني من الاستقلال
بحملها ثم تراجعت رب الى حلمك عن الخاطئين

و عفوك عن المذنبين و رحمتك للعاصين فاقبلت
بثقتي متوكلا عليك طارحا نفسي بين يديك
شاكيا بثي اليك سائلا ما لا استوجبه من
تفريج الهم و لا استحقه من تنفيس الغم مستقيلا
اياك و اثقا مولاي بك اللهم فامنن علي بالفرج
و تطول علي بسهولة المخرج و ادللني برافتك
على سمت المنهج و ازلقني بقدرتك عن الطريق
الاعوج و خلصني من سجن الكرب باقالتك و
اطلق اسري برحمتك و طل علي برضوانك و جد
علي باحسانك و اقلني عثرتي و فرج كربتي و ارحم
عبرتي و لا تحجب دعوتي و اشدد بالاقالة
ازري و قو بها ظهري و اصلح بها امري و اطل بها عمري

وارحمني يوم حشري ووقت نشري انك جواد كريم
رؤوف رحيم بعد از ان دو ركعت نماز شب كه تمام شد اين دعا بخوان
اللهم اني اسئلك ولم يسئل مثلك انت موضع
مسئلة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين ادعوك
ولم يدع مثلك وانت مجيب دعوة المضطرين وارحم
الراحمين اسئلك بافضل المسائل وانجحها واعظمها
يا الله يا رحمن يا رحيم وباسمائك الحسنى وامثالك
العليا ونعمك التي لا تحصى وباكرم اسمائك
واحبها اليك واقربها منك وسيلة واشرفها
عندك منزلة واجزلها لديك ثوابا واسرعها
في الامور اجابة وباسمك المكنون الاكبر الاعز
الاجل الاعظم الاكرم الذي تحبه وتهواه وترضى

بعرش

بعرشك دعاك وبكل اسم هو لك في التورية
والزبور والفرقان العظيم وبكل اسم دعاك به حملة
عرشك وملائكتك وانبياؤك ورسلك واهل
طاعتك من خلقك ان تصلي على محمد وال محمد
وان تعجل فرج وليك وابن وليك وتعجل خزي اعدائه
وان تفعل بي كذا وكذا پس تسبيح فاطمه زهرا عم بگو و هر دعائي كه
خواهي بخوان پس دو سجده شكر كن و اگر خواهي در يكي از ان دو
سجده اين دعا امام زين العابدين عم را بخوان الهي وعزتك و
جلالك وعظمتك لو اني منذ بدعت فطرتي من اول
الدهر عبدتك دوام خلود ربوبيتك بكل شعرة في
كل طرفة عين سرمد الابد بحمد الخلائق وشكرهم اجمعين
لكنت مقصرا في بلوغ اداء شكر خفي نعمة من نعمك

علی و لو انی کربت معادن حدید الدنیا بانیابی و
حرثت ارضیها باشفار عینی و بکیت من خشیتک
مثل بحور السموات و الارضین دما و صدیدا لکان
ذلک قلیلا فی کثیر ما یجب من حقک علی و لو انک
الهی عذبتنی بعد ذلک بعذاب الخلائق اجمعین
و عظمت للنار خلقی و جسمی و ملات طبقات جهنم
منی حتی لا یکون فی النار معذب غیری و لا یکون
لجهنم حطب سوای لکان ذلک بعدلک علی
قلیلا فی کثیر ما استوجبه من عقوبتک بعد از ان
هشت رکعت نماز شب را بگذاری بعد از رکعت هشتم این دعا
بخوان یا الله یا الله یا الله تا ده بار بگو صل علی محمد
و آل محمد و ارحمنی و ثبتنی علی دینک و دین نبیک

دائما

و لا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی وهب لی من لدنک
رحمة انک انت الوهاب پس بگو اللهم انت الحی القیوم
العلی العظیم الخالق الرازق المحیی الممیت البدی
البدیع لک الکرم و لک الجود و لک المن و لک الامر
وحدک لا شریک لک یا خالق یا رازق یا محیی یا ممیت یا بدیع
یا رفیع اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ترحم ذلی
بین یدیک و تضرعی الیک و وحشتی من الناس
و انسی بک و بعد از این دعا را که حضرت امیر المؤمنین ع
بعد از رکعت هشتم میخوانده اللهم انی اسئلک بحرمة
من عاذ بک و لجا الی عزک و استظل بفیئک
و اعتصم بحبلک و لم یثق الا بک یا جزیل العطایا
یا مطلق الاساری یا من سمی نفسه من جوده

وَهَا اَنَا اَدْعُوكَ دَاعِيًا وَرَاهِبًا وَخَوْفًا وَطَمَعًا وَاِلْحَاحًا
وَتَضَرُّعًا وَتَمَلُّقًا وَقَائِمًا وَقَاعِدًا وَرَاكِعًا وَسَاجِدًا
وَرَاكِبًا وَمَاشِيًا وَذَاهِبًا وَجَائِيًا وَفِي كُلِّ حَالَاتِي
اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا
وبجای کذا و کذا حاجت خود ذکر کن پس دو سجده شکر کن و بخوان
در آنها بعد از آنها آنچه پیشتر مذکور شد **فصل** و پس چون
از هشت رکعت نماز و تعقیبات آن فارغ شوی متوجه شو بدو رکعت
شفع و یک رکعت وتر و افضل وقت آنها از صبح کاذب است تا صبح صادق
همچنانکه گذشت مشهور میان متاخرین فقها آنست که وتر رکعت
سیم است اما شایع و متعارف در احادیث معصومین ع
آنست که وتر هر سه رکعت است که دو رکعت شفع هم داخل وتر است
روایت کرده شیخ طوسی قدس سره در تهذیب بسند صحیح از حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در
سه رکعت نماز وتر قل هو الله احد میخوانده و هم او روایت
کرده بسند موثق از آنحضرت که گفته حضرت پیغمبر صلعم میگذارد
چهار رکعت نافله زوال و هشت رکعت بعد از آن یعنی ظهر
و چهار رکعت عصر و سه رکعت مغرب چهار رکعت عشا آخر
و هشت رکعت نماز شب و سه رکعت وتر و دو رکعت فجر و نماز غداة
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
یعنی صبح دو رکعت تا آخر حدیث روایت کرده رئیس المحدثین بسند صحیح
از جعفر ابن سالم الحناط که گفت شنیدم که میگفت با کی نیست اینکه
بگذارد شخصی دو رکعت وتر را پس برود و حاجت خود را بر آرد
و بعد از آن برگردد و بجا آرد یک رکعت را و احادیث در این باب
بسیار است اما در عبارات متاخرین فقها شایع است و اما
متقدمین فقها اکثر رکعت سیم را منفرده وتر میگویند و از آنها ظاهر شد

اگر کسی نذر کند نماز وتر موظفست برین الزمه نمیشود مگر انکه هر
رکعت را بجا آرد و الحق شیخ طوسی قدس سره در کتاب مجمع البیان
فرموده که فاتحه را سبع مثانی میگویند برای انکه دو بار
خوانده میشود در هر نمازی فرض و سنت و جهلیت خالی از قصور
و اعتراض بنماز وتر بر و وارد است بعد از ان در هر دو رکعت
شفع بعد از الحمد سوره قل هو الله احد بخوان و اگر خواهی در رکعت
اول قل اعوذ برب الفلق و در رکعت دوم قل اعوذ برب الناس
و چون سلام دهی این دعا بخوان الهی تعرض لک فی هذا اللیل
المتعرضون و قصدک فیه القاصدون و امل فضلک
و معروفک الطالبون و لک فی هذا اللیل نفحات
و جوائز و عطایا و مواهب تمن بها علی من تشاء من عبادک
و تمنعها من لم تسبق له العنایة منک و ها انا ذا عبدک

الفقیر

الفقیر الیک المؤمل فضلک و معروفک فان کنت
یا مولای تفضلت فی هذه اللیلة علی احد من خلقک
و عدت علیه بعائدة من عطفک فصل علی محمد و آله
الطیبین الطاهرین الخیرین الفاضلین و جد علی
بطولک و معروفک یا رب العالمین و صلی الله علی محمد
خاتم النبیین و آله الطاهرین الذین اذهب الله عنهم
الرجس و طهرهم تطهیرا ان الله حمید مجید انی ادعوک کما
اللهم
امرت فاستجب لی کما وعدت انک لا تخلف المیعاد

پس برخیز برای مفرده وتر و بعد از نیت سه تکبیر بگو و بعد از انها بخوان
اللهم انت الملک الحق الذی لا اله الا انت عملت
سوءا و ظلمت نفسی فاغفر لی ذنوبی انه لا یغفر الذنوب
بعد از ان دو تکبیر دیگر بگو و بخوان لبیک و سعدیک و الخیر

فی یدیک والشر لیس الیک والمهدی من هدیت
لا ملجا ولا منجا منک الا الیک امنت بک وتوکلت
علیک تبارکت وتعالیت ربنا ورب البیت پس
دو تکبیر دیگر بگو و بخوان وجهت وجهی للذی تا اخر و بخوان
بعد از الحمد قل هو الله و سه بار قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب
الفلق بعد از ان دستها بردار و قنوت بخوان گریه کنان
این دعا را اگر در فقیه بسند صحیح روایت کرده معروف بن
خربود که امام محمد باقر علیه السلام یا امام جعفر صادق ع فرموده
بگو در قنوت وتر لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله
الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات
السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن
ورب العرش العظیم اللهم انت الله نور السموات والارض

وانت

وانت الله عماد السموات والارض وانت الله جمال
السموات والارض وانت الله زین السموات والا رض
وانت الله قوام السموات والارض وانت الله صریخ
المستصرخین وانت الله غیاث المستغیثین وانت الله
المفرج عن المکروبین عن المغمومین وانت الله مجیب
دعوة المضطرین وانت الله اله العالمین وانت الله
ارحم الراحمین وانت الله کاشف السوء وانت الله
بک کل حاجة یا الله لیس یرد غضبک الا حلمک
ولا ینجی من عقابک الا رحمتک ولا ینجی منک الا
التضرع الیک هب لی من لدنک یا الهی رحمة تغنینی
بها عن رحمة من سواک بالقدرة التی بها احییت
جمیع ما فی البلاد وبها تنشر میت العباد لا تهلکنی غما

وانت الله المروح عن المغمومین صح

تنزل صح

حتى تغفر لي وترحمني وتعرفني الاستجابة في دعائي
وارزقني العافية الى منتهى اجلي واقلني عثرتي ولا
تشمت بي عدوي ولا تمكنه من رقبتي اللهم ان
رفعتني فمن ذا الذي يرفعني وان اهلكتني فمن ذا الذي
يحول بيني او يتعرض لك في شيء من امري وقد علمت
ان ليس في حكمك ظلم ولا في نقمتك عجلة وانما
يعجل من يخاف الفوت وانما يحتاج الى الظلم الضعيف
وقد تعاليت عن ذلك يا الهي فلا تجعلني للبلاء غرضا
ولا لنقمتك نصبا ومهلني ونفسني واقلني عثرتي
ولا تتبعني ببلاء على اثر بلاء فقد ترى ضعفي
وقلة حيلتي استعيذ بك الليلة فاعذني واستجير
بك من النار فاجرني واسألك الجنة فلا تحرمني

فمن ذا الذي يضعني
وان وضعتني صح

پس

پس هر دعا که خواهی بکن و هفتاد بار بگو استغفر الله و
اتوب اليه اینجا حدیث تمام شد و سنتست که دعا کنی برای
چهل مؤمن یا بیشتر چنین بگو اللهم اغفر لفلان و فلان
تا چهل کس و هفتاد بار استغفار کن بشمر بدست راست
و دست چپ را بردار بر اسمان چنانکه روایت کرده در فقیه بسند صحیح
و اگر صد بار استغفار کنی افضل است بعد از ان هفت بار بگو
استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم
لجميع ظلمي وجرمي واسرافي على نفسي واتوب اليه
بعد از ان بگو رب اسات وظلمت نفسي وبئس
ما صنعت وهذه يداي يا رب جزاء بما كسبت و
هذه رقبتي خاضعة لما اتيت انا ذا بين يديك فخذ
لنفسك من نفسي الرضا حتى ترضى لك العتبى لا اعود

پس بگو ربِّ اغفِرلِي وَارحَمنِي وَتُب عَلَيَّ اِنَّكَ اَنتَ التَّوّابُ
الرَّحِيمُ بعد از ان سيصد بار بگو العفو العفو بعد از ان بگو ربِّ
اغفِرلِي وَارحَمنِي عَلَى اِنَّكَ اَنتَ التَّوّابُ الرَّحِيمُ
وسنتست تطويل در قنوت وتر پس اضافه كن قنوتى كه در
قنوت هشت ركعت نماز مذكور شد واگر وقت وسعت داشته
باشد اضافه كن اين دعا را كه رئيس المحدثين روايت كرده
در كتاب امالى كه حضرت امام زين العابدين ع ميخوانده در قنوت وتر
سَيِّدِي سَيِّدِي هٰذِهِ يَدَايَ قَد مَدَدتُهُمَا اِلَيكَ
بِالذُّنُوبِ مَملُوَّةً وَعَينَايَ بِالرَّجَاءِ مَمدُودَةً وَحَقٌّ
لِمَن دَعَاكَ بِالنَّدَمِ تَذَلُّلاً اَن تُجِيبَهُ بِالكَرَمِ تَفَضُّلاً
سَيِّدِي اَمِن اَهلِ الشَّقَاءِ خَلَقتَنِي فَاُطِيلُ بُكَائِي اَم مِن
اَهلِ السَّعَادَةِ خَلَقتَنِي فَاُبَشِّرُ رَجَائِي سَيِّدِي سَيِّدِي
ام لقرب

اَم لِضَربِ المَقَامِعِ خَلَقتَ اَعضَائِي اَم لِشُربِ الحَمِيمِ خَلَقتَ
اَمعَائِي لَو اَنَّ عَبدًا استَطَاعَ الهَرَبَ مِن مَولَاهُ لَكُنتُ — سيدي صح
اَوَّلَ الهَارِبِينَ مِنكَ لٰكِنِّي اَعلَمُ اِنِّي لَا اَفُوتُكَ سَيِّدِي
لَو اَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلكِكَ لَسَاَلتُكَ الصَّبرَ عَلَيهِ
غَيرَ اَنِّي اَعلَمُ اَنَّهُ لَا يَزِيدُ فِي مُلكِكَ طَاعَةُ المُطِيعِينَ
وَلَا يَنقُصُ مِنهُ مَعصِيَةُ العَاصِينَ سَيِّدِي مَا اَنَا
وَمَا خَطَرِي هَبلِي بِفَضلِكَ وَجَلِّلنِي بِسِترِكَ وَاعفُ
عَن تَوبِيخِي بِكَرَمِ وَجهِكَ اِلٰهِي وَسَيِّدِي اِرحَمنِي
مَصرُوعًا عَلَى الفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي اَيدِي اَحِبَّتِي وَارحَمنِي مَطرُوحًا
عَلَى المُغتَسَلِ يُغَسِّلُنِي صَالِحُ جِيرَتِي وَارحَمنِي مَحمُولًا
قَد تَنَاوَلَ الاَقرِبَاءُ اَطرَافَ جِنَازَتِي وَارحَم فِي ذٰلِكَ
البَيتِ المُظلِمِ وَحشَتِي وَغُربَتِي وَوَحدَتِي وَاكرُوت

تنگ باشد در قنوت اختصار کند و این قنوت بخواند اللهم
ان كثرت الذنوب تكف ايدينا عن انبساطها اليك
بالسؤال والمدا ومن على المعاصي تمنعنا عن التضرع
والابتهال والرجاء يحثنا على سؤالك يا ذا الجلال فان لم والاكرام
يعطف السيد على عبده فمن يبتغي النوال فلا ترد الغنا
المتضرعة اليك الا ببلوغ الامال وصلى الله على اشرف
الانبياء والمرسلين محمد وآله الطاهرين بعد از ان ركوع
كن وچون سر از ركوع برداري اين دعا بخوان هذا مقام من
حسناته نعمة منك وسيئاته بعمله وذنبه عظيم وشكره
قليل الهي طموح الامال قد خابت الا لديك ومعاكف
الهمم قد تقطعت الا عليك ومذاهب العقول قد سمت
الا اليك فاليك الرجاء واليك الملتجى يا اكرم مقصود

ويا اجود مسئول هربت اليك بنفسي يا ملجا الهاربين
باثقال الذنوب احملها على ظهري وما اجد لي اليك
شافعا سوى معرفتي بانك اقرب من رجاه
الطالبون ولجا اليه المضطرون وامل ما لديه
الراغبون يا من فتق العقول بمعرفته واطلق الالسن
بحمده وجعل ما امتن به على عباده كفاء لتادية حقه
صل على محمد وآله فلا تجعل للهموم على عقلي سبيلا
ولا للباطل على عملي دليلا برحمتك يا ارحم الراحمين
پس نماز را تمام کن و بعد از ان سلام فاطمه زهرا ع بگو و این دعا
حزین را بخوان اناجيك يا موجود في كل مكان لعلك
تسمع ندائي فقد عظم جرمي وقل حيائي مولاي يا
الاحوال اتذكر وايها انسى ولو لم يكن الا الموت لكفى

كيف وما بعد الموت أعظم وأدهى مولاي يا مولاي
حتى متى وإلى متى أقول لك العتبى مرة بعد أخرى ثم لا تجد
عندي صدقا ولا وفاء فيا غوثاه ثم وا غوثاه بك
يا الله من هوى قد غلبني ومن عدو قد استكلب
علي ومن دنيا قد تزينت لي ومن نفس أمارة بالسوء
إلا ما رحم ربي مولاي يا مولاي إن كنت رحمت
مثلي فارحمني وإن كنت قبلت مثلي فاقبلني يا قابل
السحرة اقبلني يا من لم أزل أتعرف منه الحسنى يا من
يغذيني بالنعم صباحا ومساء ارحمني يوم آتيك فردا
شاخصا إليك بصري مقلدا عملي قد تبرأ جميع
الخلق مني نعم وأبي وأمي ومن كان له كدي وسعيي
فإن لم ترحمني فمن يرحمني في القبر وحشتي ومن ينطق

لسانی



لساني إذا خلوت بعملي وسألتني عما أنت أعلم به
مني فإن قلت لم أفعل قلت ألم أكن الشاهد عليك
فعفوك عفوك يا مولاي قبل أن تلبس سرابيل القطران
عفوك عفوك يا مولاي قبل أن تغل الأيدي إلى
الأعناق يا أرحم الراحمين وخير الغافرين بعد از آن
سجده كن و در سجده بگو اللهم صل على محمد وآله وارحم
ذلي بين يديك وتضرعي إليك ووحشتي من الناس
وأنسي بك يا كريم يا كائنا قبل كل شيء لا تفضحني
فإنك بي عالم ولا تعذبني فإنك علي قادر اللهم
إني أعوذ بك من كرب الموت ومن سوء المرجع في
القبور ومن الندامة يوم القيامة أسألك عيشة
هنيئة وميتة سوية ومنقلبا كريما غير مخز

نعم فأين المهرب من
عدلك وإن قلت

ولا فاضح اللهم مغفرتك اوسع من ذنوبي ورحمتك
ارجى عندي من عملي فصل على محمد وال محمد واغفر لي يا
حيا لا يموت فصل بعد چون از تعقيب و نماز فارغ شوي متوجه شويد دو ركعت
نافله فجر و اينهارا دساسين هم ميگويند زيرا كه داخل اند در نماز شب
روايت كرده شيخ طوسي قدس سره در تهذيب بسند صحيح كه حضرت امام رضا
عليه السلام گفت بركنيد باين دو ركعت نافله فجر نماز شب را و ظاهر انست
كه وقت اين دو ركعت ميكشيد تا طلوع سرخي افق از جانب مشرق چنانكه
در بعضي روايات است و مذهب بعضي از علماست و افضل وقتهاي
ركعت
ان از طلوع صبح كاذبست تا طلوع صبح صادق و بخوان بعد از الحمد در
اول قل يا ايها الكافرون و در ركعت دوم قل هو الله احد و چون سلام
ميگذارند
دهي بر پهلوي راست بخواب رو بقبله چنانكه ميت در لحد
برجانب راست و بگو استمسكت بالعروة الوثقى التي لا انفصام

لها

لها واعتصمت بحبل الله المتين واعوذ بالله من شر
فسقة العرب والعجم ومن شر فسقة الجن والانس ربي
ربي الله ربي الله آمنت بالله توكلت على الله فهو حسبه ان الله
بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدرا حسبي الله ونعم الوكيل
اللهم من اصبح وله حاجة الى مخلوق فان حاجتي ورغبتي
اليك وحدك لا شريك لك الحمد لرب الصباح الحمد لله
فالق الاصباح الحمد لله قاسم المعاش الحمد لله
جاعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير
العزيز العليم اللهم صل على محمد واجعل في قلبي نورا ومن
بين يدي نورا ومن خلفي نورا وعن شمالي نورا ومن
فوقي نورا ومن تحتي نورا واعظم لي النور واجعل
لي نورا امشي به في الناس ولا تحرمني نورك يوم القيمة

الله
لا حول ولا قوة الا بالله
ومن يتوكل على الله

وفي بصري نورا
وعلى لساني نورا

بعد از ان بخوان اية الكرسي و قل اعوذ برب الناس و پنج ايه
اخر سورهٔ آل عمران انّ في خلق السموات والارض واختلاف
الليل والنهار لايات لاولي الالباب الذين يذكرون الله
قياما وقعودا وعلى جنوبهم ويتفكرون في خلق السموات
والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك فقنا
عذاب النار ربنا انك لا تخلف الميعاد بعد از ان
بنشين و تسبيح فاطمهٔ زهرا عليها السلام بگو و صد بار سبحان
ربي العظيم وبحمده استغفر الله واتوب اليه و هفت بار
بسم الله الرحمن الرحيم ولا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم پس دو سجدهٔ شكر كن و در انها بگو
الخ از دعائي كه پيش ذكر شد و در سجده هاي شكر براي برادران
مؤمن دعا كند و بگو اللهم رب الفجر والليالي العشر

والشفع

والشفع والوتر والليل اذا يسر ورب كل شيء واله كل
شيء وخالق كل شيء ومليك كل شيء صل على محمد وآله
وافعل بي وبفلان وفلان ما انت اهله ولا تفعل بنا ما نحن
اهله فانك اهل التقوى واهل المغفرة **فصل**
واگر وقت وسعت داشته باشد بخوان اين صحيفه را كه حضرت
امام زين العابدين عم بعد از نماز شب ميخوانده و مراد نماز شب اينجا
سيزده ركعتست كه نافله فجر هم داخل باشد اللهم يا ذا الملك
المتأبد بالخلود والسلطان الممتنع بغير جنود ولا اعوان
والعز الباقي على مر الدهور وخوالي الاعوام ومواضي
الازمان والايام عز سلطانك عزا لا حد له باولية
ولا منتهى له باخرية واستعلى ملكك علوا سقطت
الاشياء دون بلوغ امده ولا يبلغ ادنى ما استاثرت

به من ذلك اقصى نعت الناعتين فيك الصفات وتفسخت

فيك ضلت صح

دونك النعوت وحارت في كبريائك لطائف الاوهام

كذلك انت الله الاول في اوليتك وعلى ذلك انت دائم

لا تزول وانا العبد الضعيف عملا الجسيم املا خرجت

من يدي اسباب الوصلات الا ما وصله رحمتك وتقطعت

عني عصم الامال الا ما انا معتصم به من عفوك قل عندي

ما اعتد به من معصيتك ولن يضيق عليك عفو عن

من طاعتك وكثر علي ما ابوء به صح

عبدك وان اساء فاعف عني اللهم وقد اشرف على

خفايا الاعمال علمك وانكشف كل مستور دون خبرك

ولا تنطوي عنك دقائق الامور ولا تعزب عنك

غيبات السرائر وقد استحوذ علي عدوك الذي

استنظرك لغوايتي فانظرته واستمهلك الى يوم الدين

لاضلالي

لاضلالي فامهلته فاوقعني وقد هربت اليك من

صغائر ذنوب موبقة مردية حتى اذا قارفت معصيتك

وكبائر اعمال

واستوجبت بسوء سعي سخطتك فتل عني عذار غدره

وتلقاني بكلمة كفره وتولى البراءة مني وادبر موليا

عني فاصحرني لغضبك فريدا واخرجني الى فناء

نقمتك طريدا لا شفيع يشفع لي اليك ولا خفير

يؤمنني عليك ولا حصن يحجبني عنك ولا ملاذ

الجاء اليك منك فهذا مقام العائذ بك ومحل

المعترف لك فلا يضيقن عني فضلك ولا يقصرن

دوني عفوك ولا اكن اخيب عبادك التائبين ولا

اقنط وفود الاملين واغفر لي انك خير الغافرين فتركت

انك امرتني

ونهيتني فركبت وسول لي الخطاء خاطر السوء ففرطت

ولا استشهد على صيامي نهارا ولا استجير بتهجدي
ليلا ولا تثني علي باحيائها سنة حاشا مفروضك التي
من ضيعها هلك ولست اتوسل اليك بفضل نافلة
مع كثير ما اغفلت من وظائف فروضك وتعديت
عن مقامات حدودك الى حرمات انتهكتها و
كبائر ذنوب اجترحتها كانت عافيتك لي من فضائحها
سترا وهذا مقام من استحيا لنفسه منك وسخط
عليها ورضي عنك فتلقاك بنفس خاشعة ورقبة
خاضعة وظهر مثقل من الخطايا واقفا بين الرغبة اليك
والرهبة منك وانت اولى من رجاه واحق من خشيه
واتقاه فاعطني يا رب ما رجوت وآمني مما حذرت
وعد علي بعائدة رحمتك انك اكرم المسؤولين اللهم

واذ

واذ سترتني بعفوك وتغمدتني بفضلك في دار الفناء
بحضرة الاكفاء فاجرني من فضيحات دار البقاء
عند مواقف الاشهاد من الملائكة المقربين والرسل
المكرمين والشهداء والصالحين من جار كنت
اكاتمه سيئاتي ومن ذي رحم كنت احتشم منه في سريراتي
لم اثق بهم رب في الستر علي ووثقت بك رب في المغفرة
لي وانت اولى من وثق به واعطى من رغب اليه
وارأف من استرحم فارحمني اللهم وانت حدرتني
ماء مهينا من صلب متضايق العظام حرج المسالك
الى رحم ضيقة سترتها بالحجب تصرفني حالا عن حال
حتى انتهيت بي الى تمام الصورة واثبت في الجوارح
كما نعت في كتابك نطفة ثم علقة ثم مضغة ثم عظما

ثم كسوت العظام لحما ثم انشأتني خلقا آخر كما شئت
حتى اذا احتجت الى رزقك ولم استغن عن غياث فضلك
جعلت لي قوة من فضل طعام وشراب اجريته لامتك
التي اسكنتني جوفها واودعتني قرار رحمها ولو تكلني
يا رب في تلك الحالات الى حولي او تضطرني الى قوتي
لكان الحول عني معتزلا ولكانت القوة مني بعيدة فغذوتني
بفضلك غذاء البر اللطيف تفعل ذلك بي تطولا
علي الى غايتي هذه لا اعدم برك ولا يبطئ بي حسن
صنيعك ولا تتأكد مع ذلك ثقتي فاتفرغ لما هو
احظى لي عندك قد ملك الشيطان عناني في سوء
الظن وضعف اليقين فانا اشكو سوء مجاورته لي
وطاعة نفسي له واستعصمك من ملكته واتضرع

اليك

اليك في ان تسهل الى رزقي سبيلا فلك الحمد على
ابتدائك بالنعم الجسام والهامك الشكر على
الاحسان والانعام فصل على محمد واله وسهل علي
رزقي وان تقنعني بتقديرك لي وان ترضيني بحصتي
فيما قسمت لي وان ما ذهب من جسمي وعمري في
سبيل طاعتك انك خير الرازقين اللهم اني اعوذ
بك من نار تغلظت بها على من عصاك وتوعدت
بها من صدف عن رضاك ومن نار نورها ظلمة و
هينها أليم وبعيدها قريب ومن نار يأكل بعضها
بعض ويصول بعضها على بعض ومن نار تذر العظام
رميما وتسقي اهلها حميما ومن نار لا تبقي على من تضرع
اليها ولا ترحم من استعطفها ولا تقدر على [illegible]

عمن خشع لها واستسلم اليها تلقى سكانها بالحر (ما)
لديها من اليم النكال وشديد الوبال واعوذ
بك من عقاربها الفاغرة افواهها وحياتها
الصالقة بانيابها وشرابها الذي يقطع امعاء
وافئدة سكانها وينزع قلوبهم واستهديك لما
باعد منها واخر عنها اللهم صل على محمد وآله
واجرني منها بفضل رحمتك واقلني عثراتي بحسن اقالتك
ولا تخذلني يا خير المجيرين انك تقي الكريهة وتعطي
الحسنة وتفعل ما تريد وانت على كل شيء قدير ه
اللهم صل على محمد وآله اذا ذكر الابرار وصل على محمد
وآله ما اختلف الليل والنهار صلوة لا ينقطع
مددها ولا يحصى عددها صلوة تشحن الهواء

وتملأ

وتملأ الارض والسماء صلى الله عليه حتى يرضى
وصلى الله عليه وآله بعد الرضا صلوة لا حد لها
ولا منتهى يا ارحم الراحمين **خاتمه** سنت است
وملاحظه کردن معنی هرچه پس نماز گفته میشود از ذکرها و دعاها
و آنچه خوانده میشود از فاتحه و سوره و باید که قراءت نماز که از حرکت
دادن زبان تنها نباشد بی ملاحظه معنیها پس حکم فارسی زبان
خواهد داشت که عربی نداند و نفهمد ولفظ چند از عربی بر زبان راند
وحکم عربی که فارسی نفهمد ونداند ولفظ چند فارسی بر زبان گوید
اکثر معنیها ای بیان او اند و کافیست برای تنبیه برین معنی قول
خدا تعالی یا ایها الذین آمنوا لا تقربوا الصلوة وانتم
سکاری حتی تعلموا ما تقولون یعنی والله اعلم
ای کسانی که ایمان آورده اید نزدیک مشوید بنماز در حالی

کرشما ست باشید تا انکه بدانید انچه میکوئید روایت کرده
رئیس المحدثین از ابن بابویه که حضرت امام جعفر صادق عم فرموده
کسی که دو رکعت نماز بکذارد و داند که چه میکوید در انها برکردد
از نماز و حال انکه نمانده باشد میانه او و میانه خدا تعالی کناهی
مکر انکه خدا تعالی امرزیده باشد برای او و ما این کتاب را
ختم میکنیم بتفسیر سورهٔ فاتحه بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
با حرف جراست و اینجا برای استعانتست یعنی طلب مراد از اسم
خدای تعالی یا برای مصاحبتست و همراهی و اول بهتر است
زیرا که مشعر است بانکه ذکر اسم خدای تعالی در ابتدای کار
وسیله بجا امدن و تمام شدن ان کارست اکمل و اتم کویا که کار
بی ذکر نام الهی تمام نمیشود و معنی مصاحبت انا این اشعار نیست
و این جار با مجرورش متعلقست بعامل مقدر و این عامل مقدر
المن

هست یا فعل و هر یک از این دو عامست یا خاص و هر یک
از این چهار مقدمست یا موخر و بهتر از این هشت وجه خاص فعلی
موخراست زیرا که فعل عام مثل ابتدئ و اسم عام مثل ابتدائی
باعث توهم ان میشود که طلب مدد از خدا تعالی مخصوص باشد بابتدای کار
و اسم خاص مثل قرائتی باعث ربط تقدیر است در کلام زیرا که او
مبتدا خواهد بود و پس خبرش مقدر خواهد بود زیرا که تعلق ظرف بدو ما نعست
از انکه او خبر مبتدای محذوف باشد و فعل خاص مقدم مثل اقرأ بسم الله
در و مخصوص بودن یاری طلبیدن از اسم خدا تعالی فوت میشود
اَللهِ علم شخص ذات مقدس الهیست که جامع جمیع صفات کمالست
زیرا که اگر اسم مفهوم واجب الوجود باشد لازم اید که لا اله الا الله افاده
توحید نکند زیرا که احتمال آرد که افراد آن مفهوم متعدد باشد در اعتقاد
کوینده آن کلمه و بدین دلیل اعتراض کرده اند بانکه بنابرین لازم اید

که قل هو الله احد دلالت بر توحید نکند زیرا که جایز خواهد بود که علم

یکی از افراد واجب باشد با انکه این سوره دلیل سمعی دانسته اند بر

توحید و این اعتراض وارد نیست زیرا که میتواند بود که یکی بودن

خدای تعالی از فحوای این سوره معلوم شود و اما اولش دلالت نکند بر احدیت

بمعنی عدم قبول قسمت الرحمن الرحیم هر دو بمعنی رحمت کننده و مبالغه

در رحمن بیشتر است بجهة زیادتی لفظ و صفت مشبه اند از رحم بکسر عین

بعد از ان که نقل کرده اند او را برحم بضم و مبالغه در رحمن بیشتر است

زیرا که زیادتی لفظ دلالت میکند بر زیادتی معنی و این زیادتی

یا باعتبار کمیت است چنانکه در دعای یا رحمن الدنیا و رحیم الاخرة

گفته اند زیرا که رحمت دنیا زیادتر است بواسطه انکه شامل مومن

و کافر است و رحمت اخرت مخصوص است بمومن و یا انکه زیادتی باعتبار

کیفیت باشد چنانکه در دعای یا رحمن الدنیا و رحیم الدنیا

گفته اند

گفته اند بواسطه انکه نعمت اخرة عظیم و بی نهایت است بخلاف نعمت

اخرت عظیم و بی نهایت نهایت باشد و از اینجهت رحمن مخصوص است

بخدای تعالی و اطلاق بر غیر خدای تعالی نمیکنند زیرا که رحمت و احسان

کننده و بخشنده حقیقی عوض اوست و رحمت و احسان غیر او یا برای

مدح و ثنای دنیاست یا برای ثواب اخرت یا برای زایل کردن

ازردگی و رقتی که در دل او را بهم رسیده بسبب جنسیت یا برای

دور کردن پستی بخل از خود با وجود اینها ان غیر مثل واسطه است

زیرا که دادن اصل نعمت و قدرت دادن بر دادن و واصل

ساختن همه از جانب خدای تعالی است و تقدیم الرحمن بر الرحیم

با انکه ترقی از ادنی باید با علی نه از اعلی با دنی برای انست که رحمن

بسبب مخصوص بودن او بخدای تعالی گویا که واسطه است میان

اسم و صفت پس مناسب ان بود که واسطه باشد میان علم ذات

که الله است و میان صفت که رحیم است و ذکر این نامهای
شریف در بسم الله که ابتدای کتاب کریم است برای محکم کردن
بنای جود و کرم و تقویت دادن معالم عفو و رافت و اشارتست
باانکه رحمت الهی سابقست بر غضبش و تنبیه است بر انکه کسی که
سزاوار است بسیاری حمدش از وی در جمیع کارها خدا تعالی است که
جامع جمیع کمالاتست و رحمتش در غایت و نهایت است و صاحب وی جمیع
نعمتهای دنیا و آخرت و صاحب نعمتهای کوچک و بزرگست الحمد لله
رب العالمین حمد و ثنا گفتن است بر جمیل اختیاری و حمد الهی بر
بعضی از صفاتش راجعست بجا بر اثری که مترتب میشود بر ذات
مقدس بنا بر انکه صفات الهی عین ذاتست و آن آثار اختیاریست
والف و لام الحمد برای جنس است یعنی جنس حقیقت حمد مخصوصست
بخدای تعالی یا برای استغراقست یعنی جمیع افراد حمد یا برای عهد خارجیست یعنی

فرد کامل از افراد حمد که لایق خدای تعالی باشد ثابت و مخصوص است
بخدای تعالی و رب یا برای مصدر است بمعنای تربیت یعنی رسانیدن
چیزها بکمالش کم کم و وصف الله برب برای مبالغه است چنانکه در رجل
عدل یا صفت مشبهه است مشتق است از ربه یربه بعد از ان که نقل
کرده باشند بصیغه لازم چنانکه در رحمن مذکور شد و چون اضافت رب
بالعالمین اضافه حقیقیست مثل کریم البلد زیرا که عمل نسبت اینجا جایز نیست
پس جایز است که صفت الله که معرفه است واقع شود یا انکه اسم است
نه حادث و عالم اسم چیزیست که باو علم بچیزی حاصل شود اما بحسب
غلبه استعمال مراد از و هر جنسیست از اجناس انچه باو خدای تعالی را توان
دانست چنانکه گویند که عالم افلاک و عالم عناصر و عالم حیوان و عالم
نبات الرحمن الرحیم مکرر ساختن این اسمهای شریف در ابتدای
کتاب مجید برای اشعار است بر انکه اهتمام حضرت الهی برحمت بیشتر است

از باقی صفات و برای انکه امید بنده کان زیاده شود برحمت الهی
چون دانستد که مالک روز جزا رحمن و رحیمست کویا که میفرماید که ای
کناه کاران مایوس مشوید از بخشش خدای تعالی کناهان شمارا
در روز قیامت که او رحمن و رحیمست مالک یوم الدین قرات
عاصم و کسائیست یعنی صاحب روز جزا و باقی قرا ملک یوم
الدین خوانده اند یعنی پادشاه روز جزا و موافقت قول خدا تعالی
لا تملک نفس لنفس شیئا و الامر یومئذ لله موید قرات
اولست و مرجح قرات دوم پنج وجهست اول انکه تعظیم در این
بیشتر است دوم انکه مناسب تر است باضافه روز جزا چنانکه میکویند پادشاه
عصر سیم انکه موافقت بیشتر دارد بقول خدا تعالی لمن الملک الیوم
لله الواحد القهار یعنی برای کیست پادشاهی روز جزا
برای خداست که یکیست و قهار است چهارم انکه مشابهت بیشتر

بود

بود باخر در اخر کتابست در سوره قل اعوذ برب الناس از و
به پادشاهی بعد از وصف بربوبیت تا مناسب باشد ابتدا بانتها
پنجم انکه اضافه او بیوم الدین حقیقتست پس معرفه باشد پس وصف
الله که معرفه است باو جایز است بی توجیهی و تکلفی زیرا که مثل کریم
البلد است بخلاف مالک که اضافه است لفظی و کسب تعریف نکرده
پس وصف معرفه نتواند شد مکر بتوجیهی و تکلفی که کوئیم اینجا بمعنی
ماضیست زیرا که مضارع محقق الوقوع قایم مقام ماضی کردانیم
یا انکه اینجا مراد استمرار ثبوتست و نیز اضافه اسم فاعل بظرف مجازست جهت
بتوجیه انکه قایم مقام مفعول به است مجازا و دین جزاست چنانکه
میکویند کما تدین تدان یعنی چنانکه تو جزا میدهی جزا خواهی یافت
و وجه تخصیص مالکیت و پادشاهی خدای تعالی مالک و پادشاه
همه چیز است در جمیع اوقات برای تعظیم روز قیامتست و برای انکه

بروز قیامت با انکه خدای تعالی صه

مالکیت و پادشاهی که در بین الناس غیر خدا را هست در ان روز
بالکلیه زایل و باطل میگردد و مخصوص میشود بخدای تعالی و در ذکر
این صفات بعد از ذکر الله که دلالت میکند بر انکه جامع جمیع کمالات
اشارتست بانکه حمد بنده کان و تعظیم ایشان کسی را برای یکی
از چهار چیز است یا برای کمال ذاتی و صفاتیست یا بواسطه
انکه امید دارند از و بایشان نعمتی و احسانی برسد یا بواسطه
انکه میترسند از کمال قهر و غضب و کمال قدرتش پس گویا که
خدای تعالی میفرماید که این مردمان اگر کسی خدای کمال ذاتی و صفاتی
میکند پس نام من الله است و من جامع همه دوام و اگر برای
احسان و نعمتی است که بشما رسانیده پس من رب یعنی پرورنده
عالمیانم و اگر برای امید و طمع نعمتی که بعد ازین بشما برسانند در دنیا
یا در اخرت پس من رحمن و رحیم ام و اگر برای ترس از کمال قدرت

السلام ای سلیمان خورشید رب العالمین
آسمان عز و تمکین آفتاب داد و دین
مفتی هر چار دفتر قاضی هر هشت خلد
داور هر شش جهت اعظم امیر المؤمنین

وغضبست پس من مالک روز قیامتم اِیّاکَ نَعْبُدُ وَاِیّاکَ نَسْتَعِین
عبادت نهایت خضوع و خواریست و از جهت لایق عبادت نیست
مگر کسی که ولی و دهنده اعلی و اعظم مراتب باشد مثل وجود و حیات
و هر چه لازم و تابع اینها باشد و استعانت طلب یاری و مددست بر کاری
و مراد اینجا طلب مدد است در کارها یا در ادا و بجا آوردن عبادت
و قیام بوظایف و شروطش از اخلاص تام و حضور دل در اینجا
گر تقدیم پنج چیز است که نکته از ان بیان باید کرد اول تقدیم عبادت
بر استعانت دوم تقدیم معمول که ایاکست بر عامل که نعبد است
ونستعین سیم مکرر ساختن لفظ ایاک چهارم اختیار صیغه متکلم
مع الغیر بر صیغه متکلم واحد پنجم التفات و توجه از غیبت بخطاب
اما میگوئیم تقدیم عبادت بر استعانت پس شاید که نکته ان بعد از چند باشد
اول رعایت موافقت اخر آیات در حرف سابق بر حرف اخر آیه

گر کسی همتاش باشد هم رسول الله بود
انکه مداحش خدا آمد رسول الله بود

بند دویم

[illegible]

واین وجه صحیحست اگر بسمله آیه علیحده باشد از الحمد دوم انکه عبادت از خدا
مطلوب خدای تعالی است از بنده کان و مدد مطلوب بنده کان است
تعالی پس مناسب تقدیم مطلوب الهیت بر مطلوب بنده کان سیم
انکه عبادت مناسب است بجزا و ثواب و استعانت بطلب بدایت
پس مناسب انجه که بهم یک متصل باشد بانچه باو مناسبت بیشتر باشد چهارم
انکه یاری مدد یا فیض بر وجه اکمل اثر و ثمره عبادتست چنانکه ظاهر باشد
میشود از حدیث قدسی که نزدیکی نمی شود بمن بنده من بچیزی که دوستتر
از انچه من بر او واجب کرده ام و بدرستی که نزدیک میشود بمن بنده
بسنتها تا انکه او را دوست دارم باشم گوش که باو میشنوم و چشم
او که بان می بیند و دست او که بان قبض میکند تا اخر حدیث پنجم
انکه تخصیص خدا بعبادت اول چیزیست که حاصل میشود باو اسلام
اما تخصیص باستعانت پس بعد از رسوخ تامست در دین حضرت باخبر

[illegible]

بند سوم

[illegible]

ششم انکه عبادت وسیله بحصول مطلب که مدد یا فیض است و تقدیم
وسیله بر طلب اقرب است باجابت هفتم انکه چون متکلم التفات عبارت بخطاب
داد نفس او را اندک عجبی و تکبری حاصل شد پس در عقب او اقرار کرد
انکه عبادت هم تمام نیست و ما دام نمی شود از من مگر بیاری و مدد خدای تعالی
و اما تقدیم مفعول عبادت و استعانت بر ایشان پس شاید که نکته در ان
سه چیز باشد اول انکه عبادت و استعانت مخصوص است بخدای تعالی بمعبر حقیقی
با اضافه افراد دوم برای تقدیم انچه در وجود مقدم است سیم اشاره
بانکه عبادت کننده و یاری طلبنده را باید که منظور و ملحوظ اولا
و بالذات خدای تعالی باشد بر روش ما رایت شیئا الا
و رایت الله قبله یعنی هیچ چیز را ندیدم مگر انکه خدای تعالی را
ملاحظه کردم پیش از او و بعد از ان ملاحظه محو ذنوب دیگر باشد بالذات
بلکه از ان حیثیت که مظهر است بخدا بعد از ان عمل کند از عبادت

نشر طاعت ها را افلاک چون بط شناور یافته
روز فتح الباب ابر دست دریا سیل [illegible]

هرکجا مهر تو بر صفحه جان نقش کرد شد
مخزن دل را چو کان از نقد تو انباشته
انکه دست حاجت بر جود تو بر داشته
تا قیامت دست خود را خجلت او بر یافته
ساقی کوثر بخندان مدح باشد مر ترا
این رز نقد دریای فطرت کان گوهر یافته
با صفای گوهر پاک تو کردان منا ایمن
خاک خجلت بر جبین از یکی ثنا یافته
با صفا و مصطفی ذات تو یکرو داشته
در صفا و مصطفی شمسه و در حق یافته
که نبودی ذات پاکت افرینش را سبب
تا ابد هم سخن بودی ماندم عذب

نه از ان جهت که از او صادر شده بلکه از ان جهت که ازو صادر
بلکه از انجهت که عبادت بیشتر است تقلیف میانه او و میانه خدای تعالی
و اما مکرر اوردن ایاک پس شاید که نکته ان چهار چیز باشد اول تصریح
کردن بانکه مخصوص [illegible] استعانت خداست و الا احتمال دارد که
مفعولش را موخر مقدر کنند پس این تصریح فوت میشد دوم دفع توهم انکه
مجموع عبادت و استعانت مخصوص بخداست نه هر یک از انها سیم درک لذت
خطاب با محبوب چنانچه در کلام موسی ع که هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُ عَلَيْهَا
وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي تا اخر ایه و فرق میان این دو وجه اعرابست
که فوجه چهارم جاریست اگر چه بجای ایاک ایاه مرکوز بخلاف وجه اول و آوردن
اختیار صیغه متکلم مع الغیر که نعبد و نستعین است بر متکلم واحد که اعبد و
استعین باشد پس شاید که بجهة چهار نکته باشد تنبیه بنده ها برای انکه در حال
عبادت باید کرد ملاحظه کند فرشتها را که با او مرتبه باشند یا جماعت را که در ان نماز

جماعت

مسند چهار دهم

این معظم کعبه اصل از زبان مصطفی
قبلهٔ دینا و دین جان و جهان مصطفی
از نفوذ گوهر معنی لبالب شد دهان
تا نهادی لب بصورت بر دهان مصطفی
ای با استحقاق بعد از مصطفی غیر تو کس
تا نهاده پای تمکین بر مکان مصطفی

در لباس شرع از ان بر نقش بیش هر کنی
[illegible] ایمان مصطفی
[illegible] عالم [illegible] مصطفی
[illegible] ایمان مصطفی
[illegible] بوستان مصطفی
[illegible] امکان صورت [illegible]
[illegible] نعمان مصطفی
[illegible] زبان مصطفی

جماعت حاضران و با جمیع حواس و قوتهای ظاهری و باطنی خود کش را با جمیع
انچه شامل او ست دایره امکان و علامت وجه بردوست چنانکه خدای تعالی
میفرماید وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ یعنی والله اعلم یعنی هیچ چیز
نیست مگر که تسبیح خدای تعالی میگوید مشغول بحمد خدا دوم اعلام بنده
بانکه باید که خود کش را حقیر تر از ان دارد که عبادت خود کش را تنها
عرض تواند کرد و کوچکتر از انکه تنها طلب یاری برای خود تواند نمود
بر درگاه عظمت و کبریای الهی بلکه باید که عبادت جمع دیگر چنانکه
ذات و قاعده است در عرض تحفها و هدیها بر درگاه پادشاهان
سیم انکه چون خطاب بنده با حضرت ربوبیت و عرض اینکه عبادت
بعز نهایت خضوع و خشوع و تعظیم را بجای آرد مگر برای حضرت الهی و مدد
طلبیدن او در کارها مخصوص است از حضرت الهی بغیر از غیر خدا طلب مدد نکنند
با انکه خدای تبارک و تعالی میداند که بنده خضوع و خشوع برای غیر خدا هم میکند روی

[illegible]

این ثنا خوان نوانند از زبان مصطفی
از زبان خلق [illegible] از زبان مصطفی
[illegible] بیست [illegible]
عرض حاجت [illegible] خاندان مصطفی
حال اخلاص [illegible] لطفی کن مرا
منت خلقم بجان او ورد لطفی کن مرا
و ارهان از منت خلقم بجان مصطفی
روی رحمت بر متاب این کام جان
از زوی من

واز غیر خدا هم مدد میطلبند چرا کہ ست عظیم و بی حسابو دروغ گوی ظاهر است
پس بواسطهٔ این عدول کرد از متکلم عدول کرد واحد بمتکلم مع الغیر
مقصود انکه این خطاب از زبان انبیا و اولیا و اصفیا و فرشتها ست
که استعانت و نهایت خضوع برای غیر خدای تعالی نمیکنند و طلب مدد از غیر
خدای نماید چهارم انکه چون در شرع الهی که بر زبان رسالت پناه
جاری شده انست که اگر شخصی متاع چند را بیکبار بفروشد بیک بیع
و ظاهر شود که بعضی از انها عیب دارد مشتری را میرسد که عیب دار را
پس دهد بلکه یا همه را پس دهد یا همه را نگاه دارد و قبول کند پس گویا
که عابد جمیع عبادت خود را عیب دار میداند عبادت عیب دار خود را
با عبادت انبیا و اولیا و ملائکه مقربین که خالی از عیب است بیکبار
بحضرت صاحب جمعه و بخشش عرض میکند و خدا تعالی کریم تر است
از انکه عیب دار را رد کند و بی عیب را قبول نماید و حال انکه بندگان را

بند ششم

ازاین نهی کرده و بکرم او لایق نیست که همه را رد کند پس همه را قبول
کند و مطلوب بنده هم حاصل میشود و این وجه عبادت غیر معصومین
ظاهر است و اما نسبت بعبادت ایشان انست که ایشان همه عبادات
خود را ناقص میدانند فتامل و اما نکته توجه از غیبت بخطاب پس
حضرت استادم دوانی طاب ثراه در تفسیر عروة الوثقی چهارده وجه برای
ان ذکر کرده اند و اینجا شش وجه از انها بیان فرموده اند اول
تنبیه بر انکه بنده باید که عبادت و قرائت را با توجه تمام و حضور دل
بجا آرد چنانکه هر اسمی از اسماء الهی را که بزبان گذراند معنی
انرا در دل نقش کند و او را قرب زیاده شود بدرگاه الهی تا انکه
برتبه حضور و مشاهده رسد پس در این وقت عدول باید از غیبت
دوم انکه بدایه در روی شخص باعث رنگ خاطر او میشود و خدا تعالی
از ان کریمتر است که شکست خاطر مومن کند خصوصا در روی او

سایه عظیمی که ان بر بام ایوان شماست
قبه نه چرخ خرا چون دانه برچیند رها

پس عابد خواست که بداند او با آنکه عیب ناکست مقبول حق خود
بر درگاه ربوبیت جل و علا معروض داشت سیم اشارت بآنکه چون
خدای تعالی همیشه حاضر است و غایب نیست بلکه نزدیکتر است
بنده از رگ گردن پس بایست که اول کلام بطریق خطاب باشد اما
چون بنده خود را از مقام قرب و حضور دور داشته بواسطه رعایت
ادب که داب عاشقانست چنانکه گفته اند طرق العشق کلها آداب
پس چون عابد اولا قیام باین نوع کرد گویا مستحق حضور شد پس تکلم کرده
بمقتضای مقام بجالست چنانکه فرموده انا جلیس من ذکرنی
چهارم تنبیه بر بزرگی قران مجید وراه نمودن بنده بآنکه هرگاه این قدر را
از قران بر زبان جاری سازد فایز میشود بسعادت قرب و نزدیکی و حضور
پس اگر مداومت نماید بر ذکر الهی و مواظبت کند بر تلاوه قران و دانستن معنیهای
آن در شبها و روزها پس البته حجاب از میان برخیزد و میرسد بمقام حضور

و مشاهدت حقیقی روایتست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که خدای تعالی تجلی کرد بر بندگانش در کلامش لیکن ایشان نمی بینند و هم
از آنحضرت روایتست در بعضی روزها نماز میگذارده در اثنای نماز
بیهوش شده باشد و افتاده بعد از آن سبب آن پرسیده اند حضرت
فرموده که چندان این آیه تکرار کردم که از گوینده آن شنیدم بعض از
عارفین گفته که در آن وقت زبان حضرت علیه السلام بجای درخت طور موسی
بوده که گفت انی انا الله و درین معنی شیخ شبستری فرموده که
روا باشد انا الله از درختی چرا نبود روا از نیک بختی الکه چون در عبادت
کلفت و تفرقه هست و از داب عاشقانست که در حضور معشوق تحمل
مشقت بیشتر میکنند از غیبت بلکه در حضور از مشقت نمی یابند
خدای تبارک و تعالی خواست که شوق بنده را زیاده کند بعبادت اشعار
کرد بآنکه او حاضر است بر جمیع احوال و واقف و مطلع تا بنده را



نشاط زیاده شود و اتمام عبادت از روی نشاط تمام و تحقق تمام کند
ششم آنکه حد اظهار نیکیهای محمود است نزد غیر او ولیکن مادام که
سالک از مرتبهٔ قرب و حضور دور است در نظرش غیر را وجودی هست
اظهار کمالات محبوب نزد غیر میکند اما چون بسبب ذکر و توجه بدرگاه الهی
او را ترقی واقع شود از مرتبهٔ بعد بمرتبهٔ حضور در نظرش وجودی نماند بلکه
معشوق حقیقی را پس بالضروره باو متوجه شده او را مخاطب خواهد ساخت
و بالاتر ازین مقام مقامیست که از آن نشان نمیتوان داد و سخن را
در بیان آن راه نیست بلکه از گفتگوی بیرون تر میشود وَاَنَّ
قَبْضًا خَيْطًا مَن يُبِيحُ من ستة وعشرين حرفا عن مغالبة قاصر یعنی از آن هنر
که از تار و پود بیست و شش حرف بافته شده باشد بر بالای بلند این مرتبه کوتاه است
خدایا بگشا از دیدهای بینا پردهای جسمانی را و بردار از دلهای ما
پوششهای هیولانی را تا بغیر تو نه بینیم و نظر و نه باشد در دل ما از غیبی و اثر

اهد

چون تو بخشنده کریمی و مهربان رحیمی **اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ**
هدایت ارشاد و دلالت است بلطف برساند و خواه راه مطلب نماید
و خواه متعدی شود بمفعول دوم بواسطه حرف جر یا بی واسطه حرف جر
پس بمعنی راه بمطلب نمودن است و اگر بی واسطه حرف متعدی شود
بمعنی رساندن بمطلوب است و دفع میکند این مذهب را قول خدای تعالی
وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ و مذهب دوم را رد میکند قول خدای تعالی
فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى و اما قول خدای تعالی اِنَّكَ لَا تَهْدِي
مَنْ اَحْبَبْتَ مطلب ایشان را ثابت نمیکند بلکه خلص تر است از مطلوب
ایشان بدانکه هدایت حضرت عزت شانه اگرچه غیر متناهیست و حصر
تعداد آن ممکن نیست اما داخلست در چهار نوع اول راهنما بکرامتی منفعتها
و دفع مضرتها بسبب دادن حواس ظاهر از چشم و گوش و شامه و لامسه
و ذایقه و حواس باطن از فکر و فهم و غیر آن و قوت عاقله چنانکه میفرماید اَعطی

لِكُلِّ شَیْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ دوم نصب دلیلهای عقلی که فرق کننده است
میان حق و باطل و صلاح و فساد چنانکه میفرماید وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ
سیم هدایت بفرستادن پیغمبران و کتابها چنانکه میفرماید و اَمّا
ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ چهارم نمودن راه سیر
بطریق در رسیدن بحضرتهای قدس و فائز شدن بمقام انس بزایل
ساختن آثار تعلقات بدنی و کندن پوششهای جسمانی و غرق
شدن در ملاحظهٔ اسرار و کمال و مطالعه نورهای جمال و این نوع از
هدایت مخصوص است باولیا و متابعان ایشان پس هرگاه قادر در مرتبه
چهارم را و اگر بمرتبه چهارم رسیده باشد قصد کند با هدنا معنی بنما بعضی
منزلها
مارا ثابت دار برین هدایت گرده چنانکه در تفسیر این آیه حضرت امیر المؤمنین
فرموده تا قصد کند زیادتی یا یعنی هدایت مارا زیاده کردان پس
هدایت بنابر اول مجازست و بنابر دوم هم مجازست و اگر زیادتی

اِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ
اِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ
لَهُ وَبِذَٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ

درین معنی مستعمل فیه داخل دانیم و الا حقیقتست و صراط اینجا بمعنی
جاده و راهست گویا که فرو میبرد راه رو را یا آنکه گویا راه رو او را فرو میبرد
و این کسیر بسین خوانده و غیر حمزه از قراء بصاد و حمزه اشمام میکند بزای
و مراد مستقیم یا راه حقست مطلقا یا دین اسلام صِرَاطَ الَّذِينَ
أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ مجموع این یک آیه است
نزد جمیع علمای ما و هرکه موافقت با ما دارد که بسمله یک آیه است از الحمد
و اما بعضی از مخالفین که بسمله را یک آیه از الحمد نمیدانند صراط الذین انعمت
علیهم را آیه ششم میدانند و باقی را هفتم زیرا که جمیع امت پیغمبر
متفق اند در آنکه سوره فاتحه هفت آیه است و برین تقدیر صراط الذین
انعمت علیهم پیش علمای مخالفین بر تقدیر نخواندن بسمله و این آیه در
حکم تفسیر صراط المستقیم است و صراط بدل کلست از و مراد بالذین انعمت
علیهم جماعتی اند که مذکور اند در آیه اُولٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ اَنْعَمَ اللّٰهُ

وجهت وجهی للذی فطر السماوات والارض حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین ان
صلاتی ونسکی ... اللهم منک
وجهت وجهی ... بسم الله وبالله والله
اکبر اللهم تقبل منی ... و...
... الله اکبر ...
... اللهم
... لا شریک لک
سبحانک اللهم ...
والحمد لله رب العالمین ...
... الشیطان الرجیم
والحمد لله رب العالمین

[illegible]

علیهم مع النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین

وبعض گفته اند مراد مسلمانان زیرا که نعمت اسلام بر جمیع نعمتهاست بدانکه
نعمتهای الهی اگرچه غیر متناهیست وهیچکس را قدرت حصر و تعداد ان نیست
هشت نوعست زیرا که دنیوی است یا اخروی و ازین دو یا موهبیست
یا کسبی و هر یک ازین چهار یا روحانیست یا جسمانی باین تفصیل دنیوی
وهبی روحانی مثل دادن عقل و فهم و جسمانی مثل خلق اعضای دنیوی
کسبی روحانی مثل دادن صفات نیکو جسمانی مثل زینت دادن بدن بهیات
خوب اخروی وهبی روحانی مثل بخشیدن گناه بی توبه جسمانی مثل
نهرها بشیر و عسل در بهشت اخروی کسبی روحانی مثل لذات جسمانی
کردار اجرت در عوض افعال داده میشود و مراد اینجا چهار اخر است
والخ از چهار اول باشد برای تحصیل این چهار اخر و غضب برانگیخته
شدن نفس است برای انتقام و اسنادش بخدا ابتغا باعتبار

سنت موکده است که روز هفتم عقیقه کند
برای مولود و معین یکسند برای مولود دختر یک گاوی
یا گوسفندی و اگر مولود پسر باشد دو گوسفند
و اگر دختر باشد ماده و [illegible]
و واجب نیست عقیقه را و اگر پدر مولود عاجز
باشد تاخیر کند تا وقت قدرت و اگر
پدر عقیقه نکند سنت است که فرزند که
بالغ شود عقیقه کند از برای نفس خود و مستحب است
که جمع شود در عقیقه صفات اضحیه و ربع ان که ران
بقابله دهند و اگر قابله نباشد با در مولود دهند
تا او تصدق کند و اگر مولود پیش از زوال
فوت شود عقیقه ساقط شود و اگر بعد از زوال
فوت شود ساقط نشود و مکروه است که پدر
و مادر از عقیقه بخورند و استخوانش را بشکنند
و مفصلها را از هم جدا کنند و سنت است که
ده کس را طعام دهند از فقرا و اگر
بیشتر باشد افضل است

[illegible]

غایتست مثل رحمت و ضلال عدول است از راه راست اگرچه
سهوا باشد و مشهور انست که مراد بمغضوب علیهم عاصیان در
فروع و بضالین مخالفین در اعتقاد است زیرا که یهود دانند و بضالین
نصاری و بعض تفسیر کرده اند مغضوب علیهم کسی است که جمع کرده
باشد میان علم باحکام اعتقادیه و عمل بشریعت مطهره پس مقابل او
یکی ازین دو را انداخته باشد و لفظ غیر یا بدل است از و یا صفت تنبیه او است
یا صفت مقیده است و بهر تقدیر غیر نکره صرفست و کسب تعریف از
مضاف الیه خود نمیکند مگر آنکه مضاف الیه را یک ضد باشد و موصوفش
معرفه است و وصف معرفه بنکره جایز نیست پس اینجا یا باید بارتکاب
کرد که غیر چنین مضافست بجز آنکه او را یک ضد است پس کسب تعریف
کرده با آنکه چنین مراد بالذین جایز اند که اهتمام شان ایشان نیست
پس قایم مقام معرفه بلام جنسی باشد و لفظ لا برای تصریح بالکه شامل

[illegible]	۱۱۳	۳۴۳	۲۳۳	۸۷
الله	۳۴۳	۸۸	۱۱۷۸	۳۱
۸۱	۹۳	۷	۷۷	۱۳۷
الم	۹۸	۷۱	۱۳۸	۸۷۱
۷	۶۷	۴۳	۴۶	۱۴۳

[illegible]

هر یک ازان متعاطفین است و چون اینجا غیر متضمن معنی مغایرت
و معنی نفی جایز است گفتن انا زیداً غیر ضارب برای رعایت جانب
نفی پس اضافه بمنزله عدم میشود پس جایز است انا زیداً الا ضارب
اگرچه جایز است در انا مثل ضارب زیرا که ممتنع است واقع شدن
معمول جار که ممتنع است واقع شدن عامل آنجا بدانکه مناسب آن بود
که بعد از الذین انعمت علیهم غضبت علیهم گفته شود در عدول کردن
حضرت عزت در اسناد غضب بخود جل شانه بواسطه محکم ساختن بنای
... عفو و بخشش محبوب اوست نه غضب و گویا که آنچه از و صادر میشود
همین رحمت و عفو و غضب از غیر او صادر است و مثل اینست در تصریح
اسناد نعمت و تعریض در جانب عقاب قول خدای تعالی لَئِن شَکَرتُم
لَأَزِیدَنَّکُم وَلَئِن کَفَرتُم إِنَّ عَذَابِی لَشَدِیدٌ زیرا که گفت لأعذبنکم
با آنکه مناسب مقابله این بود و همچنین قول خدای تعالی یَغفِرُ لِمَن یَشَاءُ

شد عزیز آدم که استغفار کرد   خوار شد شیطان که استکبار کرد
گشت آدم مقبل از مستغفری   گشت شیطان خوار از مستکبری

وَیُعَذِّبُ مَن یَشَاءُ وَکَانَ اللهُ غَفُوراً رَحِیماً با آنکه مناسب بمقابله
غَفُوراً رَحِیماً با آنکه مناسب بمقابله وَکَانَ اللهُ غَفُوراً رَحِیماً
بود پس عدول از آن بتکرار رحمت بواسطه ترجیح جانب رحمت
و چنانکه در قول خدای تعالی عز سلطانه غَافِرِ الذَّنبِ وَقَابِلِ التَّوبِ
شَدِیدِ العِقَابِ ذِی الطَّولِ که حضرت عزت سه صفت رحمت
ذکر کرده و یک صفت انتقام و آنرا هم در میان عفو مستغرق
گردانید غفوراً رحیماً کریماً گناه مادرماندگان بیچاره را
باب مغفرت بگشا و از شر شیطان نگاهدار

والله اعلم بالصواب

بتاریخ ثامن عشرین شهر جمادی الثانی سنه ۱۱۰۰ ترقیم پذیرفت

بخط الفقیر الحقیر ... محمد مهدی

قد فرغت من کتابة هذه النسخة المعتبرة ... محمد مهدی

... وَالعَافِینَ عَنِ النَّاسِ

روز سیزدهم و چهاردهم زوال

دانستن عمل استفتاح آنست که روز [...] روزه دارد و نزدیک [...]

و پانزدهم از ماه رجب [...] دو رکعت نماز استفتاح [...] وصد بار

غسل کند و بعد از [...] بخواند و بعد از فراغ

و در هر رکعت الحمد یکبار [...] بخواند و بعد از

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

يوم النصف من رجب يستحب فيه زيارة الحسين ع ودعاء الاستفتاح

وهو دعاء ام داود وصفة الدعاء ان يصوم ثلثة ايام البيض ثم [...]

يا قاضي الحوائج [...] نوافلها الركوع والسجود ويكون خاليا فاذا فرغ استقبل القبلة وقراءة

از نماز استفتاح [...] الحمد مائة مرة والاخلاص مائة مرة واية الكرسي عشر مرة وقرأ بعد ذلك

[...] الانعام وبني اسرائيل والكهف والمريم وطه [...] والقصص والم تنزيل

[...] ويس والصافات وحم سجدة وحم عسق وحم الدخان والفتح واذا وقعت

[...] والملك والنون وهل اتى واذا السماء انشقت وما بعدها الى آخر القرآن

[...] فاذا فرغ بعد ذلك قال وهو يستقبل القبلة ويدعو بهذا الدعاء

بسم الله الرحمن الرحيم

صدق الله العلي العظيم الذي لا اله الا هو الحي

القيوم ذو الجلال والاكرام الرحمن الرحيم الحليم

الكريم الذي ليس كمثله شيء وهو السميع العليم اللطيف

البصير الخبير شهد الله انه لا اله الا هو

والملئكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم

صدقت وبلغت رسلك الكرام وانا على ذلك من الشاهدين اللهم

لك الحمد ولك العز ولك الجد ولك المن ولك النعمة ولك العظمة

ولك الرحمة ولك المهابة ولك السلطان ولك البهاء ولك العزة

ولك الامتنان ولك التسبيح ولك التقديس ولك التهليل و

لك التكبير ولك ما يرى ولك ما لا يرى ولك ما فوق السموات

العلى ولك ما تحت الثرى ولك الارضون السفلى ولك

الاخرة والاولى ولك ما ترضى به من الثناء ولك الحمد و

الشكر على النعماء اللهم صل على محمد وآل محمد عبدك و

رسولك وامينك وحبيبك اللهم صل على جبرئيل امينك

على وحيك والقوي على امرك والمطاع في سمواتك ومحال كراماتك

المتحمل لكلماتك الناصر لانبيائك المدمر لاعدائك اللهم

صل على محمد وآل محمد وعترته وعلى ميكائيل ملك رحمتك

والمخلوق لرأفتك والمستغفر المعين لاهل طاعتك اللهم

صل على محمد وآل محمد وعترته وعلى اسرافيل حامل عرشك و

صاحب الصور المنتظر لامرك الوجل المشفق من خيفتك اللهم

صل على محمد وآل محمد وعترته وعلى عزرائيل قابض ارواح عباد

ولك الكرم ولك الفخر ولك البهاء

ولك الكرم ولك الاحسان ولك النعماء ولك الآلاء ولك الكبرياء

لامرك اللهم صل على حملة العرش الطاهرين وصل على السفرة الكرام
البررة الطيبين وعلى ملائكتك الكرام الكاتبين وعلى ملائكة
الجنان وخزنة النيران وملك الموت والاعوان يا ذا الجلال و
الاكرام اللهم صل على محمد وآل محمد وعترته وعلى ابينا آدم بديع
فطرتك الذي كرمته بسجود ملائكتك واَبحته جنتك اللهم
صل على محمد وآل محمد وعترته وعلى امنا حواء المطهرة من الرجس
المصفاة من الدنس المفضلة من الانس المترددة بين محال
القدس اللهم صل على محمد وآل محمد وعترته وعلى هابيل وشيث
وادريس ونوح وهود وصالح وابراهيم واسمعيل واسحق ويعقوب
ويوسف والاسباط ولوط وشعيب وايوب وموسى وهرون
ويوشع وميشا والخضر وذي القرنين ويونس والياس و
اليسع وذي الكفل وطالوت وداود وسليمن وزكريا
وشعيا ويحيى وتورخ ومتى وارميا وحيقوق ودانيال وعزير
وعيسى وشمعون وجرجيس والحواريين والاتباع وخالد ولقمن
وحنظلة اللهم صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد
كما صليت ورحمت وباركت على ابراهيم وآل ابراهيم
انك حميد مجيد اللهم صل على الاوصياء والسعداء والشهداء

وائمة الهدى اللهم صل على الابدال والاوتاد والسياح والعباد
والمخلصين والزهاد واهل الجد والاجتهاد واخصص
محمدا واهل بيته بافضل صلواتك واجزل كراماتك وبلغ روحه وجسده
مني تحية وسلاما وزده فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه اعلى درجات
اهل الشرف من النبيين والمرسلين والافاضل المقربين اللهم صل
على محمد وآل محمد وصل على من سميت ومن لم اسم من ملائكتك
وانبيائك ورسلك واهل طاعتك واوصل صلواتي اليهم والى
ارواحهم واجسادهم واجعلهم اخواني فيك واعواني على
اللهم اني استشفع بك اليك وبكرمك الى كرمك وبجودك
الى جودك وبرحمتك الى رحمتك وباهل طاعتك اليك و
اسالك اللهم بكل ما سألك به احد منهم من مسألة شريفة غير
مردودة وبما دعوك به من دعوة مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن يا رحيم
يا حليم يا كريم يا عظيم يا جليل يا منيل يا جميل يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا مجير يا خبير
يا منير يا مبين يا منيع يا مديل يا محيل يا كبير يا قدير يا بصير يا شكور يا بر
يا طهر يا طاهر يا قاهر يا ظاهر يا باطن يا ساتر يا محيط يا مقتدر يا حفيظ
يا متجبر يا قريب يا ودود يا حميد يا مجيد يا مبدئ يا معيد يا شهيد يا محسن
يا مجمل يا منعم يا مفضل يا قابض يا باسط يا هادي يا مرسل يا مرشد يا مسدد

يا معطي يا مانع يا دافع يا رافع يا باقي يا واقي يا خلاق يا وهاب يا تواب يا
فتاح يا نفاح يا مرتاح يا من بيده كل مفتاح يا نفاع يا رؤوف يا عطوف
يا كافي يا شافي يا معافي يا مكافي يا وفي يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر
يا سلام يا مؤمن يا احد يا صمد يا نور يا مدبر يا فرد يا وتر يا قدوس يا
ناصر يا مونس يا باعث يا وارث يا عالم يا حاكم يا بادي يا متعالي يا مصور
يا مسلم يا مستجيب يا قائم يا دائم يا عليم يا حكيم يا جواد يا بارئ يا بار يا سار
يا فتاح يا عدل يا فاضل يا ديان يا حنان يا منان يا سميع يا بصير يا بديع يا
خبير يا معز يا مذل يا معين يا ناشر يا غافر يا قديم يا كريم يا مسهل يا ميسر
يا مميت يا محيي يا نافع يا رازق يا مقتدر يا مسبب يا مغيث
يا مغني يا مقني يا خالق يا راصد يا واحد يا ماجد يا حاضر يا ناظر
يا جابر يا حافظ يا شديد يا باعث يا غياث يا عائد يا قابض يا حي يا
قيوم يا من علا فاستعلى وكان بالمنظر الاعلى يا من قرب فدنى وبعد
فنأى وعلم السر واخفى يا من اليه التدبير وله المقادير ويا من العسر عليه
يسير يا من هو على ما يشاء قدير يا مرسل الرياح يا فالق الاصباح يا
باعث الارواح يا ذا الجود والسماح يا راد ما قد فات يا ناشر الاموات
يا صارف الآفات يا جامع الشتات يا رازق من يشاء وفاعل ما يشاء
كيف يشاء يا ذا الجلال والاكرام يا حي يا قيوم يا حي حين لا حي يا حي

يا محيي الموتى يا حي لا اله الا انت بديع السموات والارض يا الهي صل على محمد
وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما صليت وباركت و
رحمت وترحمت على ابراهيم انك حميد مجيد اللهم وارحم ذلي وفاقتي و
فقري وانفرادي ووحدتي وخضوعي بين يديك واعتمادي عليك
وتضرعي اليك ادعوك دعاء الخاضع الذليل الخاشع الخائف المشفق
البائس المهين الحقير الجائع الفقير العائذ المستجير المقر بذنبه المستغفر
منه المستكين لربه دعاء من اسلمته ثقته ورفضته احبته و
عظمت فجيعته دعاء حريق حزين ضعيف مهين بائس مستكين بك
مستجير اللهم واسئلك بانك مليك وانك ما تشاء من امر يكون
وانك على ما تشاء قدير واسئلك بحرمة هذا الشهر الحرام والبيت
الحرام والبلد الحرام والركن والمقام والمشاعر العظام وبحق نبيك
محمد صلى الله عليه وآله وسلم يا من وهب لآدم شيث وابراهيم
واسمعيل واسحق ويا من رد يوسف على يعقوب ويا من كشف
بعد البلاء ضر ايوب يا راد موسى الى امه ويا زائد الخضر في علمه ويا من
وهب لداود سليمن ولزكريا يحيى ولمريم عيسى يا حافظ بنت شعيب و
يا كافل ولد ام موسى اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي
ذنوبي كلها وتجيرني من عذابك وتوجب لي رضوانك وامانك

وَاِحسانك وَغفرانك وَحنانك وَاسئلك اَن تفك عني كل حلقة
بيني وبين من يؤذيني وَتفتح لي كل ابواب وتلين لي كل صعب وتسهل
كل عسير وتخرس عني كل ناطق بشر وتكف عني كل باغ وتكبت كل عدو
لي وحاسد وتمنع مني كل ظالم وتكفيني كل عائق يحول بيني وبين ولدي
ويحاول ان يفرق بيني وبين طاعتك ويثبطني عن عبادتك يا من
الجم الجن المتمردين وقهر عتاة الشياطين واذل رقاب المتجبرين
ورد كيد المتسلطين عن المستضعفين اسئلك بقدرتك
على ما تشاء وتسهيلك لما تشاء كيف تشاء ان تجعل قضاء حاجتي
فيما تشاء ثم اسجد على الارض وعفر خديك وقل اللهم لك
سجدت وبك امنت وعليك توكلت فارحم ذلي وفقري وفاقتي
واجتهادي وتضرعي ومسكنتي وفقري اليك يا رب و
اجتهد ان تسيح عيناك ولو بقدر رأس الذباب دموعا فان من

علامة الاجابة

تمت

ادویهٔ حب [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] السوس
۲ ۲ ۲

جمیع [illegible] [illegible]
۲ ۲

[illegible] [illegible]

ادویهٔ حب [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اردد [illegible]
۱۵ ۱۵ ۲ ۶

[illegible] [illegible] [illegible]







